

## سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### تادسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم جهانی ادامه دارد نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز هرگز اسلحه را بر زمین نخواهند گذاشت

آقای هادی دادستان دادگاههای انقلاب در مصاحبه روز سه‌شنبه ۵ تیرماه بارادبوتلوپوزیون اظهارداشتند که اگرچه نیروهای انقلابی در زمان طاغوت محاز بودند، مسلح باشند، اما حال دیگر چنین کاری درست نیست و...  
پاسخ مابه آقای هادی و همسه مقاماتی که گفته هائی از این قبیل را مرتبا تکرار می کنند، چنین است:  
در اوضاع و احوالی که نیروهای ضدانقلابی، سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ در گوشه و کنار ایران بقیه در صفحه ۸

در شرایطی که امپریالیسم، صهیونیسم و سرمایه‌داری وابسته برای نابودی انقلابی که هنوز به نیمه راه خود نرسیده است تلاش می کند، در شرایطی که فرماندهان سابق ارتش دویستباره پستهای حساس ارتش را اشغال کرده‌اند، نیروهای انقلابی و خلقهای انقلابی، هرگز اسلحه را به زمین نخواهند گذاشت.

در شرایطی که امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی، ثمرات قیام کارگران و زحمتکشان ایران، ثمرات مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران را زههههه تهدید می کنند، دولت، شورای انقلاب و مقامات مسئول هم و غم خود را صرف ماهیت دولت و مقامات مسئول است.

## امپریالیسم برای حفظ منافع خود، به نابودی ثمرات انقلاب ایران کمر بسته است

کارگران، زحمتکشان شهر و دهه و همه نیروهای انقلابی خواهان ادامه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن هستند لیکن دولت با انواع حیل و با تامل به همه امکانات خود می کوشد این مبارزه را متوقف کند.  
مردم برای محو وابستگی اقتصادی به امپریالیسم مبارزه می کنند، اما دولت با تلاش در جهت تضعیف و در نهایت از میان بردن شوراهای کارگران و دهقانان عملا راه را برای تحکیم این وابستگی هموار می کند.  
کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی با حمایت از پرسنل انقلابی ارتش و نفی ثمرات ارتش برای نابودی وابستگی نظامی ایران به امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا تلاش می کنند، اما دولت می کوشد به بهانه عوامفریبانه حفظ سلاحهایی که شاه از آمریکا و صرفا برای دفاع از منافع امپریالیسم خریداری است، کارشناسان آمریکائی و سایر کشورهای امپریالیستی را که مردم در میان آتش و خون و در نبردی قهرمانانه از ایران اخراج کرده‌اند، دوباره به ایران بازگرداند، فرماندهان سابق رادریستهای حساس ارتش بگمارد و دیدنیسان وابستگی نظامی ایران را به امپریالیسم حفظ کند.

کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران می کوشند با درس آموزی از تجارب گذشته خود، به ویژه تجربه دو سال گذشته که به بهای خون ده‌ها هزار تن از بهترین فرزندان این مرز و بوم تمام شده است، مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری خود را عمق بخشند لیکن دولت و فرماندهان ارتش می کوشد با محو خاطرات مبارزات خلقهای قهرمان ایران، و حتی با گردآوری تصاویر و صحنه‌های مبارزات مردم و به بوتله فراموشی سپردن خاطرات قتل عام های ارتش و جاننازی های خلق از شور و هیجان و جوش و خروش انقلابی مردمی که می خواهند مبارزه را تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی سرمایه‌داری وابسته ادامه دهند. جلوگیری کنند.

نیروهای انقلابی می کوشند با همت ضد انقلابی و توطئه‌های امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا را در پیشگاه خلقهای مبارز ایران افشا کنند، اما دولت از یکسو به مبارزه با نیروهای انقلابی برخاسته و از سوی دیگر تلاش می کند همه جنایات ها غارتگری ها و قتل عام هایی را که امپریالیسم در ایران مرتکب شده و بطور کلی جز سرشت امپریالیسم است، سو تفاهم های گذشته جلوه دهد و به خلق های ایران بقولاند که پس از قیام مردم ایران دیگر امپریالیسم، جنایتکار، آدمکش و غارتگر نیست. بابه عبارت دیگر از این پس امپریالیسم، دیگر امپریالیسم نیست.  
این اعمال دولت برای همیشه در تاریخ مبارزات مردم ستندیده ایران خواهد ماند و نسلهای آینسده و نسل فعلی، دولت کنونی را بر اساس همین واقعیتها داوری خواهد کرد.

به این سخنان عوامفریبانه سخنگوی دولت که البته نظیر آن را وزیر خارجه و نخست وزیر بارها و در هر فرصتی به خورد مردم داده‌اند دقت کنیم تا با عداقت و رابهرتر درک کنیم.

... بارها مسئولین وزارت خارجه و دولت آمریکا اظهار علاقه کرده‌اند که روابطشان با دولت ایران عادی شود و بارها تاکید کرده‌اند که در امور داخلی ایران دخالت نخواهند کرد.

دولت با تبلیغ اینگونه اظهارات عوامفریبانه می خواهد این نوهم را پدید آورد که گویا امپریالیسم آمریکا فقط از کودتای جنایتکارانه ۲۸ مرداد تا کنون مسئول کشتار ده‌ها هزار تن و مرگ تدریجی صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان ایرانی و خانه‌جورانی و سیه روزی میلیونها ایرانی بوده است، از کشتارها و غارتها و گذشته خود پشیمان است و حالا تصمیم گرفته است که دیگر اینگونه جنایات هارا که صامن ادامه حیات امپریالیسم است، کنار بگذارد. گویا امپریالیسم ام‌بگاکه تا بسج بقیه در صفحه ۲

### تحصن هزاران کارگر بیمانی شرکت نفت در آبادان

هزاران تن از کارگران بیمانی شرکت نفت که از نوزدهم خرداد ماه برای لغو فوری بیمانگاری و استخدام مستقیم و رسمی از جانب شرکت نفت دست به اعتراض و اعتصاب زده بودند، سرانجام در تاریخ چهارم تیرماه به خاطر عدم توجه مسئولان شرکت نفت و وزارت کار به خواست برحق کارگران تحصن اختیار کردند. ما در ضمیمه این شماره که دوشنبه ۱۱ تیر منتشر می شود مشروح مبارزات کارگران و درخواستهای آنان را منتشر می کنیم.

### چهارمین کنگره شورای ترکمن صحرا

گنبد به قرار اطلاع چهارمین کنگره شوراهای ترکمن صحرا جمعه ۵/۲/۸ در گنبد برگزار خواهد شد. طبق اطلاعیه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا این کنگره برای بررسی مسائل جاری شوراهای و همچنین جهت ایجاد ارتباطی نزدیکتر و هماهنگی بیشتر بین اعضای شوراهای روستائی منطقه انجام خواهد پذیرفت.

از آنجا که ارائه مرزبندی دقیق میان مارکسیسم-لنینیسم و گرایشهای اپورتونیستی و رویزیونیستی درون جنبش امروزه درخور اهمیت است و از آنجا که رویزیونیسم، به ویژه در شرایط حاضری می تواند ضربات جدی بر مبارزات طبقه کارگر ایران وارد سازد، بر آن شده‌ایم تا طی یک سلسله مقالات پیاپی، ضمن تشریح تاریخچه و منشأ رویزیونیسم (تجدید نظر طلبی) در جنبش کمونیستی، دیدگاهها و گرایشات رویزیونیستی را بررسی کنیم.

این سلسله مقالات تحت دو عنوان زیر منتشر می شوند.  
الف - تاریخچه و منشأ رویزیونیسم در جنبش کمونیستی  
ب - تئوری "سوسیال امپریالیسم" (انحراف از مارکسیسم-لنینیسم است.



رفیق کبیر (حمید اشرف) یکی از بنیانگذاران جنبش نویس انقلابی

سه سال از شهادت درخ انگیز رفیق کبیر رهبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "ونه فدائی دیگر، از بهترین فرزندان راستین خلق گذشت. روز هشتم تیرماه ۱۳۵۵ بزرگترین ضربه دشمن بر پیکر سازمان ما فرود آمد. در این روز رفقا حمید اشرف، محمدحسین حقنواز، یوسف قانع خشکه بیجاری محمد مهدی فوقانی، فاطمه حسینی، غلامرضا لایق مهربانی، طاهره خسرم، غلامعلی خراطپور، علی اکبر وزیری و محمد رضا پشربی طی یک درگیری مسلحانه در منطقه مهرآباد جنوبی و در پایگاهی که توسط صدها مزدور مسلح محاصره گردیده بقیه در صفحه ۷

### نماینده کارگران فلزکار:

## اختیارات کامل شوراهای کارگری باید در قانون اساسی تضمین شود

نماینده کارگران فلز کار در بخشی از سخنان خود در سمینار حقوقدانان اظهار داشت:  
"قانون اساسی قدیم با توجه به مجموعه شرایط زمانی ظاهرا نه ارتجاعی بود نه دیکتاتور پرورنده در ظاهر چریزی داشت که موجب تسلط امپریالیسم جهانی بر تمام شئون ملی ما باشد. با این حال ملت ما همواره در گذشته زیر چکمه استبداد داخلی و امپریالیسم جهانی قرار داشت. آنچه قانون اساسی قدیم را بوج و میان تهی کرد، ابهامات فسی در بهترین اصول آن بود. که به طرفداران ارتجاع و استبداد اجازه می داد قانون بقیه در صفحه ۸

### حماد آزاد شد، اما سرکوب و اختناق همچنان دارد

در پی اعتراضات مردم و سازمانهای مبارز و مترقی جهت آزادی انقلابیون و مبارزان دربند و تحصن نزدیک به یک ماهه خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی فدائی خلق، حماد شیبانی آزاد شد. با اقداماتی که دولت تاکنون در قبایل بازداشت انقلابیون مرتکب شده عملا پشیمانی خود را از جنبش تحریکات نشان بقیه در صفحه ۲

### پیش نویس قانون اساسی

## مناسبات سرمایه‌داری وابسته و سلطه انحصارات امپریالیستی را مسکوت گذاشته است

در شماره‌های گذشته به مضمون و محتوای قانون اساسی که باید از انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران نشات بگیرد پرداختیم. همچنین در برخورد با "حقوق ملت ایران در پیشنهادهای قانون اساسی" که در اردیبهشت ماه در کنگره منتشر شده اختصار کمبودها و نقائص این "متن را در رابطه با حقوق مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان مورد بررسی قرار دادیم.

در شماره‌های قبل مواردی در زمینه آزادی و حقوق دموکراتیک مردم ایران را مورد بررسی قرار دادیم که نه در پیشنهادهای "ونه در" پیش نویس قانون اساسی که اخیرا از طرف دولت منتشر شده است، توجیه نشده است. در این شماره به نحوه برخورد به مالکیتها که باید در تملک عموم مردم باشد و مهمترین بقیه در صفحه ۲

### رشد آگاهی و مبارزاتی کارگران

## با تجربه کارگران کارخانه گرجی آشنا شویم

در کارخانه سبکوبت سازی گرجی که متعلق به خانواده‌های گرجی است در حدود ۵۰۰ کارگر بکار اشتغال دارند. نزدیک به ۳۵۰ نفر از آنان را کارگران زن تشکیل می دهد. میانگین حقوق روزانه یک کارگر ساده در این کارخانه ۳۰ تومان است و حال آنکه رئیس کارخانه عباس گرجی ماهیانه بیش از ۳۰۰۰ تومان تنها از بابت رباست کارخانه به جیب می زند این کارخانه ۱۷ سال پیش تاسیس شده و در این مدت مدام سرمایه آن گسترش یافته است. شرایط کار بخصوص در بخش "فر" (پخت) بسیار طاقت فرسا است و کارگران به شدت ترین وجبی مورد بقیه در صفحه ۸

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیش نویس قانون اساسی

مناسبات سرمایه داری وابسته...

مسئله ایست که ماهیت سیستم حاکم را مشخص خواهد کرد، برحورد می کنیم. قبلاً بگوئیم که "پیش نویس قانون اساسی" در قاسم با "متن پیشنهادی" که چند ماه قبل در کبکها منتشر شد در جهت ارضا بورژوازی لیبرال تغییراتی کرده است و از نظر ما "پیش نویس" اخیر در مسائل زیربنائی و بنیادی جامعه نسبت به "متن پیشنهادی" قدمی به عقب برداشته است.

سمای هرجامه ای را مناسباتی که بر آن حاکم است، مشخص می کند. اس مناسبات اساساً بر روابط تولیدی جامعه و سبب و علل تولید و سازمان توزیع استوار است.

می دانیم که نظام اقتصادی اجتماعی ایران تا قبل از "فرم" با اصلاحات ارضی (به اصطلاح انقلاب سفید) نظامی فئودال - کفزار بود. در این نظام روابط سرمایه داری وابسته در کنار روابط تولیدی ارباب - رعیتی رشد می کرد. با انجام اصلاحات ارضی که طبق برنامه انحصارات امیربالیستی در ایران انجام گرفت، با زمین رفتن مناسبات ارباب - رعیتی و حذف فئودالها از حاکمیت سیاسی، مناسبات سرمایه داری وابسته - سرمایه داری وابسته از سال ۱۳۴۲ تا اوایل دهه ۵۰ موجب شد که این روابط بطور کامل در ایران مستقر شود. در این سالها رونق سیاسی که به این مناسبات خدمت می کرد، یعنی دولت، ارتش، ساواک، بوروکراسی و... همه مجموعه ای از یک دستگاه سرکوب بودند که بطرز خشن و به شیوه ای فاشیستی هر نوع اعتراض و مخالفت را به شدت سرکوب می کرد.

حکومت مکرراتیک و صدام امیربالیستی خلق ما که موفق به سزاکونی رژیم پهلوی شد در بطن خود مضمون صدام امیربالیستی و سد سرمایه داری وابسته را داشت. بنا بر این حرکت در جهت هدفهای انقلاب مردمی حکم می کند که مناسبات سرمایه داری وابسته در جامعه مانا نبود. تلاش برای تحقق این هدف مهم انقلاب ماست که حل مسئله مالکیت های بزرگ و وابسته یعنی عمومی کردن این سرمایه ها را در ایران، به شکل انقلابی ضروری می کند. پس همانطور که در ابتدای بحث قانون اساسی نوشتیم: اساسی ترین راه ادامه انقلاب و تأمین حقوق مردمی، مبارزه بی امان برای نابودی وابستگی اقتصادی است. برای تعیین این هدف انقلاب خلق ماست که مرحله کنونی تکامل اجتماعی میهنمان است که معتمدیم مضامین زیر باید در قانون اساسی ماکه محصول یک انقلاب مردمی است، منعکس و تضمین شود:

۱- ملی کردن (عمومی کردن) تمام سرمایه های وابسته از بانکها، شرکتها، سهام، سرمایه و صنایع وابسته و لغو کلیه درآمدهای اقتصادی و نظامی و سیاسی انحصارات امیربالیستی بعنوان اولین حرکت صدام امیربالیستی و سد سرمایه داری وابسته عملی شود. بدون این حرکت ما بر جنبه های مبارزه صدام امیربالیستی نمی توانیم از عمق دوام چندانی برخوردار باشیم. برای تحقق این امر لازم است که کلیه تروتهای متعلق به خلق از دست سرمایه داران وابسته و عارتگران داخلی و خارجی خارج شود. تجربه تاریخی نشان داده است که تصرف سرمایه های وابسته به دست خلق تنها یک حاجت مالی مالکیت نیست. ملی کردن (عمومی کردن) سرمایه های وابسته به معنای واقعی آن یعنی بدون پرداخت غرامت به عارتگران داخلی و خارجی که سالها خون مردم را مکیده اند، عمده ترین و مشخص ترین مضمون انقلاب خلقهای ستمدیده ماست. از این طریق است که توده های میلیونی ما عملاً و به روشنی می بینند که جامعه بسوی یک دگرگونی بنیادی حرکت می کند و از این رو به انقلاب ایمان می آورند. اجرای این خواسته های انقلابی مردم نشانده بیروزی انقلاب و شکست قطعی امیربالیسم و عوامل داخلی آنهائست. بنابراین گنجاندن چنین مضمونی در قانون اساسی و تأکید روی این مسئله که پس از نابودی سیستم وابستگی

برنامه ریزی اقتصادی - اجتماعی باید طوری تنظیم شود که مانع احیاء مجدد سرمایه داری وابسته شود، از نکاتی است که باید در قانون اساسی صراحتاً منعکس شود.

در پیش نویس قانون اساسی ما اصولی بدین مضمون نم، بنیم ما برای می توانیم با قاطعیت بگوئیم که محتوای انقلاب صدام امیربالیستی و دگرگونی خلقهای ما در زمینه استقلال اقتصادی از سلطه سرمایه انحصارات امیربالیستی نادیده گرفته شده است. و عملاً جامعه ما همان مسیر اقتصاد وابسته را ادامه می دهد. در "متن پیشنهادی" اولیه که در اردیبهشت ۵۶ منتشر شده بود، اصول ناقصی در زمینه ملی کردن گنجاندن شده بود. مثلاً اصل ۵۶ درباره ملی کردن شرکتها، سهام می گفت:

"نظر به اینکه سیمه به اقتصادی ماهیت و محاسبات علمی آن اقدامی جمعی است و آثار آن نیز باید ناظر به عموم باشد دولت باید زمینه ادغام همه موسسات بسمه رادریک سازمان ملی فراهم آورد. و اصل ۵۷ درباره ملی کردن بانکها اعلام می داشت:

"به منظور ایجاد یک نظام مردمی و یکسان در سرمایه گذاری و دادن اعتبار و سپهر برداری از سرمایه در راه ترویج صنایع ملی و کشاورزی و سایر برنامه های عمرانی، قوانین باید زمینه ادغام تمام بانکهای کشور را در یک سازمان ملی فراهم آورده و دولت اداره آن را برعهده گیرد."

هر چند گنجاندن اصول فوقی در حل مسئله ملی کردن بطور واقعی یعنی عمومی کردن این موسسات را نمی داد ولی بطور ناقص برخورد کرده بود. اما در پیش نویس اخیر قانون اساسی کوچکترین اشاره ای به ملی کردن (عمومی کردن) سرمایه های امیربالیستی و وابسته و از جمله بانکها و موسسات بسمه نشده است. در مورد ملی کردن بانکها ممکن است استدلال شود که چون بانکها "دولتی" شده اند "لذا لزومی به ذکر ملی کردن بانکها در قانون اساسی نبوده است. این استدلال از پایه غلط است. ذکر اصولی در قانون اساسی بیانگر آنست که ما اعتقاد به بنیانهای اقتصادی - اجتماعی خاصی داریم که قوانین عادی نمی تواند چنین مضمونی را داشته باشد. وجود اصولی در قانون اساسی در زمینه عمومی بسو کردن بانکها، موسسات بسمه و موسسات تولیدی بزرگ و... به مفهوم آنست که اولاً اقدامات اساسی در جهت ملی کردن (عمومی کردن) این موسسات به عمل آید و ثانیاً امکان بوجود آمدن مجدد این چنین موسساتی را مانع شود.

در حالی که همچنان که گفتیم قوانین عادی چنین نقشی را ندارند و هر جمعی که قانون را تصویب کرده به آسانی می تواند قانونی مخالف با قانون قبلی را تصویب کند.

در زمینه ملی کردن (عمومی کردن) سرمایه ها و صنایع وابسته نه در "متن پیشنهادی" قبلی و نه در "پیش نویس اخیر قانون اساسی" کوچکترین اشاره ای نشده است. این به اصطلاح صنایع و شرکتها بزرگ که در تمام بخشهای صنعتی، کشاورزی و تجاری عمده ترین و مهمترین جلوه وابستگی اقتصادی به انحصارات امیربالیستی هستند که عمدتاً بصورت صنایع مونتاژ، نمایندگیها، و دلالان کالاها، خارجی و واحدهای کشت و صنعت در بخش کشاورزی تا بحال عمل می کرده اند. عمومی کردن این سرمایه های وابسته و حرکت در جهت قطع وابستگی از انحصارات ازام اقداماتی است که باید صورت گیرد.

اصل دیگری که می توانیم تصمین کننده استقلال اقتصادی از بسند انحصارات امیربالیستی باشد اقتصاد مردمی و برنامه ریزی شده و متکی به خود رایا به ریزی کند، توسعه و ایجاد صنایع مادر است. اعتقاد به یک چنین اصولی به معنی آنست که بدون ایجاد صنایع مادر و پایه ای و بدون سپهر برداری مستقل از منابع طبیعی و صنایع کلیدی مربوط به آنها یعنی نفت و گاز و مس که باید در خدمت نوسازی اقتصادی قرار گیرد، نمی توان یک اقتصاد ملی و متکی به خود

داشت. بدون حرکت در جهت ایجاد صنایع مادر و پایه ای در صورتی هم که محدودیتهائی در صنایع وابسته و مونتاژ ایجاد کنیم صنایع وابسته می نمانند به شکل دیگری در جامعه احیاء شوند.

بنابراین رفع نیازمندیهای جامعه و رسیدن به حد خودکفائی حکم می کند که منابع مادریک تولید شده ماس - آلات و وسائل تولید است احاد شود. مضمون این دگرگونی اقتصادی در جامعه ما که در جهت استقلال کامل اقتصادی است می باید در قانون اساسی جدید ایران صراحتاً گنجاندن شود.

در "متن پیشنهادی" قبلی اصل ۵۶ به شرح زیره اس امر برخورد کرده بود:

"دولت موظف است کلیه صنایع سنگین و پایه رایه موجب قوانین ملی کند و اگر مالک خصوصی دارند... هر چند متن فوق کامل نیست و دارای نواقصی است ولی در پیش نویس اخیر قانون اساسی همین برخورد ناقص هم بعمل نیامده و اشاره ای به جنبش اصلی نشده است و نتیجه ای که می توان گرفت این است که تنظیم کنندگان قانون اساسی هیچ اعتقادی به توسعه و ایجاد صنایع پایه ای و مادر ندارند و پرواضح است که برنامه های برای آن ندارند.

۳- مسئله ملی کردن اراضی شهری و تبدیل مالکیت مستغلات که حرکتی برای تأمین مسکن کارگران، زمین کشاورزی و شهروروستا و اقشار کم درآمد است. اصل دیگری است که باید در قانون اساسی گنجاندن شود. به اعتقاد ما انجام این امر تنها راه حل انقلابی مشکل مسکن است که از تمرکز سرمایه در دست سودجویان، زمینخواران و موسسات بزرگ خانه سازی جلوگیری می کند.

بنگانیان اصل در قانون اساسی می تواند از تأیید خواست اکثریت خلقهای زحمتکش منهن ما باشد. اما در "متن پیشنهادی" و پیش نویس قانون اساسی اثری از برخورد به این مسئله مهم وجود ندارد.

۴- در رابطه با اراضی کشاورزی و منابع فاطنه املاک و مستغلات و اراضی سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ و وابستگان به رژیم پهلوی و انحصارات امیربالیستی، کشت و صنعت ها و زمینهای مالکان بزرگ باید صورت گیرد. در این مورد باید متناسب با حاصلت جنبش انقلابی در مقطع کنونی، اراضی روستایی با توجه به خصوصیات محلی و بومی در خدمت بسود زندگی دهقانان قرار گیرد و به تسلط بقایای مناسبات ارباب - رعیتی و نفوذ سرمایه داران در روستاها حاتمسه داده شود. برای رسیدن به چنین هدفی باید امر تولید، سپهر برداری و توزیع محصولات با در نظر گرفتن شرایط محل و با نظارت و مشارکت شوراها و دهقانی انجام گیرد. در چنین شرایطی است که نهادهای جمعی تولید رشد یافته و قدرت اقتصاد کشاورزی ارتقا می یابد و خود کفائی مادر زمینه محصولات کشاورزی کمک موثری خواهد رساند. مردم انتظار دارند که چنین مضمونی بصورت اصلی در قانون اساسی گنجاندن شود. ما در "متن پیشنهادی" چند ماه پیش و نه در "پیش نویس" قانون اساسی" اشاره ای به این امر نشده و چنین مسئله مهمی به فراموشی سپرده شده است.

مسائلی که در فوق اشاره کردیم مضمون صدام امیربالیستی و سد سرمایه داری وابسته انقلاب مردمی را در این مرحله از تکامل اجتماعی منعکس می کند. بدون حصول به این اهداف و دگرگونی بنیادی در روابط تولیدی سرمایه داری وابسته، انقلاب در نیمه راه متوقف می شود و حتی نمی تواند دستاوردهای بدست آمده را نیز حفظ کند. لذا بنا بر اصل توقف ناپذیر حرکت تاریخی انقلاب، توده های خلق ما، کارگران، زمینخواران شهر و روستا، اقشار خرد بورژوازی محروم و روشنفکران انقلابی خواهان ادامه انقلاب هستند و آن را تا پیروزی نهائی یعنی قطع کامل نفوذ امیربالیسم و محور سرمایه داری وابسته ادامه خواهند داد.

امیربالیسم برای حفظ...

هرگز جنایتهای هولناکش را در ایران، اندونزی، ویتنام، فلسطین و شیلی به فراموشی نخواهد سپرد و هم اکنون نیز به حکم سرشت غارتگرانه اش در اکثر کشورهای امریکای لاتین، آفریقا و خاورمیانه به قتل و غارت مردم مشغول است، نه می کند که از این پس استثنائاً در ایران امیربالیست خوبی باشد. اما کارگران و زمینخواران آگاه ما امروزه خوبی می دانند که امیربالیسم از بدو پیدایش خود همیشه و در همه نقاط جهان خود را مدافع آزادی و مدافع عدم مداخله در امور دیگران اعلام کرده است. مردم ما هنوز سخنان سخنگویان دولت امریکا را که دخالت این کشور را در ویتنام دفاع از آزادی می خوانند و کشتارهای ارتش شاه را در ایران کوشش در جهت ایجاد دموکراسی می نامیدند، فراموش نکرده اند و هرگز هم فراموش نخواهند کرد ما توجه همه خلقهای ایران را به گفتار بی شرمانه ترنر رئیس کنونی سازمان سیا که همین چند روز پیش اظهار داشته است حلت می کنیم: "مداخله سبب در کودتای ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۳۲) که دولت مصدق را سرنگون کرد و شاه را بار دیگر به قدرت رساند برای منافع امریکا حیاتی بود. این کودتا از نظر اقتصادی و سیاسی برای امریکا اهمیت داشت. راستی آیا امریکاییگر سبب منافع حیاتی خود نمی اندیشد؟ حالا به این سخنان کوبیا و روشن سخنگوی دولت که بنفع وزیر خارجه و سایر مقامات دولتی نیز نظیران را بارها تکرار کرده اند توجه کنیم:

"... سرمایه گذاری هائی که مادر چند سال گذشته بخصوص در مورد سلاح کرده ایم (البته مقصود ایشان از ما همان شاهنشاه آریامهر، اوسی، بالیزبان طوفانیان و سرمایه داران وابسته ایران است نه کارگران و زمینخواران ایران که دشمن چنین سرمایه گذاریهایی بوده اند و همیشه هم دشمن خواهند ماند) در چند و چهل میلیارد دلار است و ملت ایران به هیچ وجه اجازه نخواهد داد (بخوابید سرمایه داری اجازه نخواهد داد) که این سلاجها به دور ریخته شود و ما به سبب عدم مداخله امریکایی به شرط نشان دادن علاقه آنها به داشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی ایران که خودشان هم بارها اعلام کرده اند، از تکسین - ها و متخصصین آنها برای استفاده از چهل میلیارد دلار سرمایه گذاری ملت ایران استفاده خواهیم کرد."

برای کارگران و زمینخواران آگاه و مبارز ایران موضوع مثل روز روشن است. حفظ سلاحهای تهاجمی و بازگشت کارشناسان جنایت و سرکوب امیربالیسم امریکا و ادامه وابستگی نظامی ایران به امیربالیسم تنها برای دفاع از منافع سرمایه داری وابسته و امیربالیسم است.

کارگران و زمینخواران همه خلقهای ایران، به ویژه در سال گذشته با گوشت و پوست خود تجربه کردند که دنیوی میهن و دنیوی ارتش وجود دارد. یکی میهن کارگران، زمینخواران و نیروهای انقلابی که ارتش آن به نیروی لایزال و شکستناپذیر توده هائیک است و همانگونه که تاریخ بارها نشان داده است، هیچ قدرت غارتگر و تجاوزکاری حتی اگر به مرگبارترین و پیشرفته ترین سلاحها نیز مجهز باشد، هرگز نخواهد توانست چنین ارتشی را حتی اگر سلاحهاش تنها جنگ و دندان باشد، شکست دهد. دیگری میهن سرمایه داران و وابستگان امیربالیسم که ارتش آن متکی به سلاحهای مدرن امیربالیستی و کارشناسان و فرماندهان وابسته به آنهاست. به گواه تاریخ چنین ارتش هائی هرگز از میهن کارگران و زمینخواران دفاع نکرده و نخواهند کرد. بلکه تنها برای سرکوب کارگران و زمینخواران و دفاع از میهن سرمایه داران یعنی منافع سرمایه داران و امیربالیستها به کار خواهند رفت.

تاریخ با فریباد رایش به ما چنین می گوید: "ارتش خلق یعنی ارتش کارگران و دهقانان، ارتشی که در دل توده ها جای دارد، با دست خالی نیز خواهد توانست از میهن کارگران و زمینخواران دفاع کند و مجهزترین ارتش های استالگر را شکست دهد. شکست مفضوحانه ارتش نجاورگر امیربالیسم امریکادریونتم، شکست ارتش استعماری امیربالیسم فرانسه در الجزایر و شکست ارتش مزدور شاه در ایران و دهها تجربه دیگر تاریخ خود بهترین گواه ماست اما ارتش هائی مجهز سرمایه داران، فقط برای سرکوب کارگران و زمینخواران به کار می رود نه دفاع از میهن آنها."

در این لحظه های حساس و سرنوشت ساز میهن ما که امیربالیسم دوباره در حال بارش گرفتن سنگهای از دست داده خویش است، آگاهی و اتحاد کارگران دهقانان و نیروهای انقلابی و تصمیم راسخ نهاد را در ادامه انقلاب ضامن ابقا و شکست همه توطئه های امیربالیسم و سرمایه داری وابسته خواهد بود. بگوئیم تا اتحاد کارگران دهقانان و همه زمینخواران میهن را هر چه فشرده تر سازیم.

حماد آزاد شد، اما...

داده است چرا که ماهیت طبقاتی دولت و عوامل آن طوری است که آزادیهای دگرگونی و همچنین مبارزات بی گسر صدام امیربالیستی مردم و نیروهای مبارز و انقلابی را مفاهی اهداف خود می بینند و درست به همین دلیل است که ما شاهد دستگیری پیگریترین و سرسخت ترین نیروهای مبارز هستیم. بازداشت بهرمان اعتصابات تاریخی صنایع نفت و اعضاء سازمانها و گروههای مبارز و مترقی همه و همه ماهیت بازداشت کنندگان را بر مردم ایران روشن ساخته است. مردم مبارز و زمینخوار منهن ما توطئه دستگیری هائی را که آخرین آن

- تکرار فدراسیون کارگری
ایتالیا به وزیر دادگستری
"فدراسیون متحده سراسری کارگران ایتالیا در رابطه با دستگیری یکی از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تلگرافی برای وزیر دادگستری ایران فرستاده است. این فدراسیون که در حدود ۱۰ میلیون کارگر عضو آن هستند از اتحاد به کنفدراسیون و اتحادیه کارگری به وجود آمده است.
۱- کنفدراسیون عمومی کارگران ایتالیا (کمونیت ها و سوسیالیست ها)
۲- اتحاد کارگران ایتالیا (سوسیال دموکراتها)
۳- کنفدراسیون سندیکی ایتالیائی کارگران (دمکرات مسیحی ها).

همه صنایع و شرکتها باید ملی شوند

### مبارزه کارگران کفش ملی

## برای جلوگیری از ورود «ایروانی» ومدیران مزدور به کارخانه

#### مبارزات کارگران کفش ملی

کارگران کارخانجات کفش ملی که در شرایط بسیار سخت (مخصوصاً در قسمت چرم سازی) به کار مشغول هستند سابقاً درخشانی در مبارزات کارگری دارند. در سالهای گذشته به ویژه در سالهای ۵۳ و ۵۴ کارگران اعتصابات گسترده ای داشتند که موفق به قبولاندن خواسته هایشان به کارفرما شدند. اعتصاب سال ۵۵ نزدیک به دو ماه به طول انجامید و اعتصاب سال ۵۳ بطور وحشیانه ای سرکوب شد. کارگران مبارز کفش ملی که در جریان مبارزات طولانی خود آبدیده شده اند پس از قیام، نمایندگان فرمایشی را اخراج کردند و سندیکای واقعی تشکیل داده، نمایندگان خود را انتخاب کردند. یکی از هدفهای سندیکا، پاکسازی کارخانجات از عوامل مزدور و ضدکارگر است که در سالهای گذشته به وسیله «ایروانی» و دستیاران او استخدام شده و در قسمتهای مختلف و به ویژه قسمتهای کارگری، نفوذ کرده بودند. تا قبل از قیام بیش از ۴۰ خارجی در شرکت کار می کرده اند و از آنجا که ۸۰٪ مواد اولیه و تولیدات وابسته به خارج به ویژه آمریکا، آلمان و ژاپن است، نفوذ سرمایه داران و عوامل مزدور خارجی در کارخانجات زیاد بوده است. تا چندین پیش مدیران کارخانجات زیر نظریک امریکائی به نام «کارسون» بودند و وی قبلاً رئیس یکی از بانکهای معتبر آمریکا بوده است.

اخراج کارشناسان خارجی و قطع منافع سرمایه گذاران خارجی، یکی دیگر از هدفهای کارگران است. کارگران معتقد هستند که تاکنون دسترنج آنها که در شرایط سخت استثماری گرمی کنند با ایجاد سیستمهای پیچیده و حساب سازی های سوداگرانه به جیب سرمایه داران خارجی و داخلی سرازیر می شده است. کارگران می گویند ما اجازه نمی دهیم محصول کار ما که تولید شده ۲۵ میلیون کفش در سال است، از این پس نیز مانند گذشته منافع سرمایه داران خارجی و داخلی را تامین کند. کارگران کارخانجات کفش ملی خواهان «ملی شدن واقعی» تأسیسات سرمایه ها هستند.

تهران - سندیکای کارگران و کارمندان کارخانه های گروه صنعتی ملی به منظور جلوگیری از بازگشت «ایروانی» مدیر سابق این کارخانجات در روز ۲۷ خرداد ماه جلسه مشترکی تشکیل داده و تصمیم گرفتند که از ورود مدیران سابق کارخانه جلوگیری کنند و با انتشار لیستی از اسامی مدیران و عده ای از اعمال سرسپرده رژیم سابق از آنها خواستند که از روز ۲۸ خرداد سرکار حاضر نشوند.

گروه صنعتی ملی بابت این کارخانه کارخانه و کارگاه تولیدی، نزدیک به ۳۵۰ فروشگاه در سطح کشور، چندین بانک و شرکت سرمایه گذاری، تعدادی سردخانه بزرگ و شرکت های وارداتی و خدماتی از جمله مجتمع های تولیدی است که نزدیک به ۱۱ هزار کارگر و کارمند دارد و بیشتر سهام آن متعلق به رحیم ایروانی از سرسپردگان رژیم سابق است.

مجتمع کارخانجات گروه صنعتی ملی در جاده تهران - کرج و سایر تأسیسات آن در شهرهای گنجه - رودبار - اهواز - خرم آباد - ساری - مشهد - تبریز قرار دارد. تولیدات این کارخانجات در درجه اول چرم و کفش و در درجه دوم جوراب، چسب، پارچه و تسمه پروانه می باشد.

کارگران که تا قبل از قیام بهمن در شرایط بسیار سختی کار می کردند پس از بازگشت به سرکار با کارگزاران نمایندگان فرمایشی تصمیم به انتخاب نمایندگان جدید گرفتند. نمایندگان کارگران پس از انتخاب شدن و تشکیل سندیکای کارگران قطعه نامه ای منتشر کردند آن خواستار اجرای خواسته های صنفی خود شدند که بسیاری از آنها مبارزه بیکر کارگران بدست آمد. در دو هفته اخیر با قوت گرفتن شایعه بازگشت ایروانی کارگران کارخانه برای استحکام هرچه بیشتر مبارزه شان خواسته های جدیدی را مطرح کردند.

خواسته های کارگران گروه صنعتی ملی به شرح زیر است:

- ۱- هیئت نظارتی که از طرف وزارت کار برای اداره کارخانه تعیین شده بود و اعضای آن به دلیل دخالت مدیران سابق در امور کارخانه استعفا کرده اند، به سرکار بازگردند.
- ۲- اخراج عوامل سرسپرده مزدور که وابسته به ایروانی هستند.
- ۳- جلوگیری از بازگشت ایروانی.

### کارگران متحصن آکام و زمینه:

## سکوت دولت در برابر خواسته های ۳۵۰۰ کارگر دفاع از منافع سرمایه داران است

تهران - گروه زیادی از کارگران شرکت زمینه وابسته به تأسیسات آکام که از چند روز پیش در دفتر مرکزی این شرکت در خیابان قیصر آباد دست به تحصن زده اند، اعلام کرده اند در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان اقدام به مصادره اموال و املاک «لاجوردی ها» مالکان تأسیسات آکام و زمینه خواهند کرد. علاوه بر این کارگران، گروه دیگری از کارگران نیز در مسجد جامع سرخس متحصن هستند. سه هزار تن از کارگران این شرکت از ۵ ماه پیش تاکنون به علت تعطیل شرکت بیکار شده اند و طی این مدت هریک از کارگران تنها توانسته اند نغری ۱۷۰ تومان از صندوق وام بیکاری دریافت نمایند.

شرکت زمینه وابسته به تأسیسات آکام که خود نیز وابسته به گروه صنعتی بهشهر می باشد و کلیه سهام آن متعلق به یکی از برادران لاجوردی می باشد. این شرکت خانه سازی شرکت گراز رادر شهر مرزی سرخس به عهده دارد. همچنین تأسیسات ساختمانی کوی دانشگاهیان تهران، احداث چند کارخانه شیر پاستوریزه و چندین طرح بزرگ نیز در اختیار این شرکتهاست. کارگران این شرکت رادر شهرستانها بیشتر بلوچه ها تشکیل می دهند که هریک از آنها به ازای ۱۰ ساعت کار ۲۷ تومان در روز حقوق دریافت می کنند. این کارگران با وجود پرداخت ۷٪ حق بیمه فاقد دفترچه بیمه هستند. سه هزار کارگر شرکت زمینه همراه با صدها کارمند و تکنسین و خانواده هایشان به دنبال شش ماه بیکاری در وضع سختی به سر می برند و مذاکرات نماینده آنها با وزارت کار تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

رسیدگی به وضع کارگران کارگران شرکت های آکام و زمینه دهها میلیون تومان از این شرکتها که متعلق به «احمد لاجوردی» است طلبکار هستند. پسران لاجوردی به نام های حمید و علی لاجوردی نیز از سهامداران عمده شرکتها هستند. کارگران تاکنون چندین بار در محل شرکت متحصن شده اند و هر بار لاجوردی و نمایندگان وزارت کار و کمیته ها قول داده اند که خواسته های کارگران و کارکنان این شرکت را به مرحله اجراء در خواهند آورد. روز چهارشنبه ۳۰ خرداد گروهی از کارگران «علی لاجوردی» راه پیکر از کمیته شرکت بیکار توی و پدرش که دارای املاک و سرمایه های هنگفتی هستند مجبور شوند حقوق کارگران را بدهند و دولتی مسئولان کمیته سازگرفتن التزام اورا آزاد کردند. وی قول داده است تارو در دو هفته چهارم کارگران می گویند اوبه قول خود عمل نخواهد کرد. لاجوردی مدعی است که ۶۰ میلیون تومان از دولت طلبکار است و تا این پول را دریافت نکند، نمی تواند حقوق کارگران را بدهد.

چند تن از کارگران که در تحصن های گذشته نیز شرکت داشتند گفتند دولت بطور ضمنی از لاجوردی حمایت می کند و عملاً هیچگونه اقدام قاطعی که به نفع کارگران باشد انجام نمی دهد. این کارگران اظهار داشتند: «طرحهای نیمه تمام شرکت های آکام و زمینه به هر حال باید به پایان برسند و چنانچه دولت با فشار آوردن به کارفرما بر پرداخت طلب های اوبه کارگران و در صورت لزوم مصادره اموال شرکت های اوقادام کند مشکل ۳۵۰۰ کارگر و کارمند که با خانواده هایشان نزدیک به ۲۰۰۰ نفر می شوند، حل خواهد شد. کارگران سکوت چند ماهه دولت و سوء استفاده کارفرما از این سکوت دولت را دلیل اصلی برای زبر پا گذاشتن حقوق کارگران می دانند و می گویند چنانچه این وضع ادامه پیدا کند مستقلاً تصمیم خواهند گرفت.

### اخراج نمایندگان شورای کارگران شوفاژکار دفاع از منافع سرمایه داران است

نمایندگان شورای کارخانه شوفاژ کار که در پی دفاع از خواسته های کارگران با شکایات کارفرما اخراج شده اند خواهان بازگشت به کار هستند. کارگران کارخانه از بازگشت آنها پشتیبانی می کنند و این عمل را توطئه سرمایه داران می دانند. در جلسه ای که در وزارت کار با حضور نماینده کارفرما تشکیل شد نماینده وزارت کار رای بر برائت کارگران می دهد اما همینکه نماینده کارفرما کاغذی را نشان می دهد و می گوید مدیران کارخانه نوشته اند که اگر این کارگران اخراجی سرکار بازگردند، ما استعفا می دهیم، نماینده وزارت کار به بکاره حرف خود را عوض می کند.

پس از گفتگوهای فراوان بالاخره نماینده کارفرما پیشنهاد می کند که به هریک از کارگران ۱۲ هزار تومان بدهند و رضایت نامه ای بنویسند که درجای دیگری بتوانند استخدام شوند. کارگران اخراجی

حسابداری - عباس اسفندیاری رئیس حفاظت سابق وریش دفتر فنی و عده ای دیگر از سرپرست ها و روسای قسمتها.

- ۲- لغو سندیکای فرمایشی.
- ۳- تشکیل سندیکای واقعی و شورای کارگری.
- ۴- پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل.
- ۵- لغو اضافه حقوق کلیه روسای قسمت.
- ۶- خالی کردن خانه های سازمانی توسط کارمندان که خانه دارند.
- ۷- تامین حداقل دستمزد.
- ۸- تامین رفاه و بهداشت کارگران.
- ۹- بررسی سود سال ۵۷.
- ۱۰- رسیدگی به جوهری که سندیکای فرمایشی سابق بابت حق عضویت از کارگران در دو سال گذشته دریافت کرده است.
- ۱۱- بررسی سود شرکت تعاونی و مصرف در طی دو سال.
- ۱۲- برگشت دادن پولهایی که به شرکت مادر واریز شده است.
- ۱۳- اضافه کردن مرخصی کارگران به یک ماه در سال (مثل کارمندان).

### اعتصاب کارگران کارخانه نساجی (شاهی)

قائم شهر (شاهی سابق) - در تاریخ پنجشنبه ۲۴ خرداد ۵۸ کارگران کارخانه نساجی شماره ۱ بعنوان اعتراض به تبعیضات موجود در کارخانه دست از کار کشیدند و از قسمتهای مختلف به دفتر مدیر عامل رفتند. موضوع تبعیض از این قرار است که ۷ نفر از تصدیان و روسای قسمتها در سه ماه اخیر اضافه کاری های سنگین (از چهل ساعت الی ۱۵۰) ساعت داده شده - اما از پرداخت اضافه کاری به کارگران پرهیز کرده اند.

به دنبال این موضوع روز شنبه ۲۶ خرداد ۵۸ کارگران قسمت مقدمات ریسنجی و بافندگی دست به اعتصاب زدند و ماشین ها را تا ساعت ۱۰ صبح خواباندند. چند تن از کارگران به فرمانداری رفته خواستار رسیدگی به وضع موجود شدند. بالاخره در ساعت ۱۰/۳۰ کارگران تمام قسمتها در سالن سخنرانی اجتماع کردند و در حضور معاون فرماندار رئیس کمیته و سه تن از روحانیون خواسته های خود را مطرح کردند:

- ۱- برکناری مهندس شهاب مدیر عامل - حاج ابراهیم نوائی معاون مدیر عامل - فیض الله مصمی رئیس

در جواب می گویند اگر ما واقعاً کارگریم پس چرا می خواهید ما پول بدهیم؟ از نماینده کارفرما می خواهند که حکم بی گناهی آنها را بکنند بنویسند و ترتیب بازگشت به کار آنها را بدهد.

لازم به یاد آوریم که وقایعی از این قبیل در تعداد زیادی از کارخانها به وقوع پیوسته که هدف از آنها دور کردن کارگران آگاه و مبارز از محیط کارخانه ها است.

باین همه کارگران در برابر اخراج هم زمان خود بیکار چه ایستادگی می کنند و برای بازگشت آنها به کار به مبارزه ادامه می دهند.

کارگران شوفاژ کار نیز خواهان بازگشت بدون قید و شرط همکاران خود بر سر کار هستند. کارگران می گویند اخراج کارگران نمی تواند مبارزات مارا متوقف کند.

### ۱۵۰۰ کارگر بلور سازی را بیکار کردند

شهری - بیش از ۱۵۰۰ تن از کارگران بلور سازی ولوله چراغ به دنبال تعطیل ۱۴ کارخانه از جانب کارفرما بیکار شدند.

تا پیش از قیام نزدیک به ۴۲ کارخانه بلور سازی، شامل چهار کارخانه حباب سازی، ۵ کارخانه بطری سازی، ۱۴ کارخانه لوله سازی چراغ، ۷ کارخانه کارهای دستی و ۱۲ کارخانه سفید سازی با مجموع سه هزار کارگر در تهران وجود داشت.

در چند ماه گذشته این کارخانه ها بعلت نبودن مواد خام و مشکلاتی که کارفرمایان به وجود می آوردند تعطیل شدند.

کارگران بیکار بلور سازی که طی دو ماه گذشته نتوانستند مزایا و حقوق خود را دریافت کنند با مراجعه به وزارت کار و کمیته منطقه خواستار بازگشایی کارگاهها شدند.

نمایندگان کارگران پس از مذاکره با کارفرمایان و در حضور مسئول کمیته شماره ۱۵ به توافق نامه ای دست یافتند که طبق آن کارفرمایان موظف شدند کارخانه ها را هر چه زودتر به راه بیاورند. بیشتر کارگران از دهم اردیبهشت به سرکار بازگشتند اما شروع کار دیری نپایید و کارخانه ها دوباره تعطیل شد.

کارگران بیکار که تاکنون با مراجعه به وزارت کار، کمیته محل و کارفرمایان نتوانستند اقدامی در جهت بازگشایی کارخانه ها انجام دهند، از روز شنبه ۲۶ خرداد با حضور در دفتر شرکت تعاونی درصد در آمدند تا با اتحادشان به مبارزه با کارفرمایان ادامه دهند.

اکثر کارگران کارگاههای بلور سازی را کارگران جوانی تشکیل می دهند که از ۷ سالگی کار کرده اند و بیش از ۲۰ سال از عمر خود را در این کارگاهها گذرانده اند. در بین کارگران زنان جوان و کودکان ۱۲-۱۳ ساله نیز دیده می شوند که به دلیل شرایط سخت کار ضعیف و بیمار هستند. کارگران جوان روزانه بیش از ۱۰ ساعت پای کوره هایی که حرارتشان گاهی به ۲۰۰۰ درجه می رسد کار می کنند. حداقل حقوقی که کارگران به ازای کار طاقت فرسای خود در محیط دودآلود و کمالات غیر بهداشتی دریافت می کنند با اصطلاح خودشان "خشکه" ماهانه ۸۰۰ تومان است. منظور از حقوق "خشکه" دریافت حقوق منهای استفاده از سود و بیمه، مرخصی سالانه و تعطیلات رسمی است.

کارگران با وجود پرداخت ۷٪ حق بیمه دفترچه بیمه خدمات درمانی ندارند. علت این امر نپرداختن حق بیمه از جانب کارفرما به وزارت بهداشتی بوده است. نماینده کارگران در باره مذاکراتش با کارفرمایان توضیح داد که: "چون ما کارگران به ازای بیش از ۸ ساعت کار روزانه هیچ اضافه حقوقی دریافت نمی کردیم و به علت تولید ما از برنج نیاز بازار مجبور بودیم چهار ماه از سال بیکار باشیم، پس از تماس ما کارفرما تصمیم گرفتیم حداقل ساعات کار را در روز به هشت ساعت برسانیم تا کارگران بتوانند هر ۱۲ ماه سال را کار کنند. اما با تعطیل کارخانه ها این برنامه فعلاً به تعویق افتاده است."

در صحبتی که با کارگران بیکار داشتیم همگی از محیط نامساعد کار گله می کردند. یکی از کارگران در این مورد می گفت:

در محل کارگاه حرارت بقدری زیاد است که بعد از مدتی بپرویی بیثباتی ما اثر می گذارد. در این محیط طاقت فرسا حتی از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی خبری نیست و ما مجبوریم که در حلب های آهنی آغشته به دوده محیط کارگاه آب بنوشیم.

با همه این مشکلات کارگران به دلیل مخارج سنگین زندگی و هزینه های خانواده هایشان خواستار بازگشت به سرکار و اجرای دیگر خواسته هایشان بودند.

خواسته های کارگران بیکار بلور سازی به شرح زیر است:

- ۱- بازگشت کلیه کارگران به سرکار و تامین کار سالانه برای آنها.
- ۲- پرداخت سود و بیمه به کارگران.
- ۳- تهیه دفترچه بیمه برای کارگران.
- ۴- پرداخت حق مسکن و خواربار به کارگران.

# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

شعر مشروطه،

پسلی میان شعرکهن و شعر نو

مادرشماره قبل ضمن توضیح برخی از ویژگی های شعر فرخی یزدی آنرا "شعر روزنامه‌ای" نامیدیم. اکنون لازم می دانیم توضیح بیشتری بدهیم تا روشن شود: "شعر روزنامه ای چیست؟ چه ارتباطی با دوران مشروطه دارد؟ تفاوت آن با شعر کهن و شعر نو، که قبل و بعد از آن بودند چیست؟ چه ضعف هائیی دارد و علت این ضعف ها چیست؟"

دوران مشروطه در تاریخ کشور ما حالت یک مرحله گذار دوره انتقالی را دارد. گذار از فئودالیسم (زمینداری) به سرمایه داری وابسته. البته می دانیم که از زمانی که نخستین ضربه ها بر حاکمیت مطلق فئودالیسم وارد آمد و بخشی از قدرت سیاسی خود را از دست داد تا زمانی که سرمایه داری در اقتصاد کشور نیز نفوذش تسلط و غالب را پیدا کرد، بیش از پنجاه سال طول کشید.

در رابطه با شعر نیز، شعر دوران مشروطه در واقع پلی است میان شعر کهن و شعر نو. گذار از شعر کهن به شعر نو خیلی سریعتر انجام گرفت. با آنکه جنجال بر سر شعر نو تا مدت ها باقی بود.

هر تغییر اساسی در جامعه، بر روی فرهنگ جامعه و هنر و ادبیات تاثیر می گذارد.

ما در مقالات قبلی خود درباره رئالیسم (واقعگرایی) نشان دادیم که بسا آغاز رشد سرمایه داری، توجه به واقعیت زندگی و اجتماع نیز در همه زمینه ها مانند علوم و ادبیات دیده می شود که در ادبیات آن را رئالیسم می نامند. در ادبیات دوران مشروطه نیز به همین صورت تحولاتی پیدا شد. بخصوص که مسئله تنهایی آغاز رشد سرمایه داری محدود نمی شد. عوامل خارجی نیز، مانند توسعه روابط میان ایران و کشورهای خارجی و ترجمه کتابهای خارجی به فارسی و انتشار روزنامه ها تاثیر زیادی در پدیداری افکار ایرانیان و آشنائی آنان با فرهنگ جدید داشتند. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و ارتباط ایرانیان با انقلابیون قفقاز روسیه از طریق کارگران ایرانی که در آنجا کار می کردند، عامل بسیار مهمی در بالا بردن سطح آگاهی مردم بود. طبعا ادبیات و بخصوص شعر نیز نمی توانست از تاثیر مجموع این عوامل برکنار ماند.

وقتی می گوئیم که شعر مشروطه حدفاصل میان شعر کهن و شعر نو بود، معنایش این است که این شعر برخی از خصوصیات شعر کهن را هنوز در خود داشت در حالیکه برخی از خصوصیات شعر نو را نیز پیدا کرده بود. ولی در همینجا باید یادآوری کنیم که در شعر مشروطه خصوصیات شعر کهن هنوز خیلی بیشتر از خصوصیات شعر نو به چشم می خورد چراکه از نظر شکل، همان اشکال قدیم (قصیده، غزل، مثنوی و غیره) بکار گرفته می شد و از نظر محتوی نیز هر چند برخی مسائل جدید در شعر مطرح می شد اما نحوه طرح این مسائل و شکل بیان آنها عمدتاً همان شکل و شیوه گذشته بود.

این امر را که شعر مشروطه بیشتر به شعر کهن شباهت داشت، عمدتاً در دو خصوصیت برجسته آن می توان دید:

۱- نداشتن رابطه مستقیم با واقعیت: در شعر کهن شاعر ناگزیر بود برای بیان احساسات خود از همان کلمات، عبارات و استعاراتی استفاده کند که از قرن ها پیش بطور ثابت برای بیان چنان احساساتی بکار می رفت. همین خودکافی بود که ارتباط مستقیم او با واقعیت از میان برد.

مثلاً او باید چشم معشوق خود را به نرگس تشبیه می کرد، اگر چه ممکن بود ساکن حاشیه کویر باشد و اصلاً نرگس را در عمر خود ندیده باشد و حتی نداند که چه شباهتی بین چشم و نرگس وجود دارد. او می توانست چشم معشوق خود را به خیلی چیزهای دیگر که برایش ملموس تر بودند و با واقعیتی که او می شناخت رابطه داشتند تشبیه کند. مثلاً شاید یک شاعر مناطق کویری دلش می خواست چشم معشوق خود را به ستاره تشبیه کند. اما شعر قدیم این اجازه را به او نمی داد. چون در این سبک شعر، شاعر باید "اشک چشم" را به ستاره تشبیه می کرد، نه خود چشم را. (مثلاً: ریزم ز مژه کوکب - بی ماه رحمت شبها - تارک شبی دارم - با اینهمه کوکب ها).

به این ترتیب "نرگس" کم کم حالت یک کلمه قراردادی و کلیشه ای را پیدا می کرد. "چشم نرگس" کم کم تبدیل می شده "نرگس چشم" و بعداً اصلاً "نرگس" جای "چشم" را می گرفت و در حقیقت بجای واقعیت می نشست (مثلاً: نرگش عربده جوی و لبش افسوس کتان).

وقتی شاعر از واقعیت فاصله می گرفت، در واقع از زمان و مکان نیز جدا می شد. سعدی در قرن هفتم و حافظ در قرن هشتم و شاعران دیگر در قرن های بعد همه از "نرگس چشم" سخن می گفتند. یک شاعر فارسی زبان هندوستان (مثلاً امیر خسرو دهلوی) و یک شاعر روستاهای سرسبز شمال و یک شاعر ساکن بندر عباس و چاه بهار همه امکان داشت چشم معشوق خود را به همین گونه توصیف کنند بی آنکه معلوم شود در چه زمان و یا در چه مکانی زندگی می کرده اند.

معشوق یک شاعر، می توانست معشوق هر شاعر دیگری نیز باشد. چگونگی همه به یک صورت توصیف شده بودند.

در این سبک شعر، شاعر به موارد مشخص نمی پرداخت. با توصیفی که ما از چهره یک زن می شناسیم نمی توانست او را بطور زنده و ملموس در برابر خود ببیند. فقط کلی گوئی می شد. و همین خصوصیت، به شعر مشروطه نیز که ما آنرا "شعر روزنامه ای" نامیدیم، منتقل شد.

البته در شعر مشروطه، شاعران کوشیدند شعر را که یک حالت تغنی و تجملی و تزئینی و اشراقی پیدا کرده بود، از انحصار خواص و بزرگان خارج کنند و به میان توده های مردم ببرند. کوشیدند که بجای گفتن شعر به سبک خواص، از مسائل زمان خود به زبان مردم و برای مردم سخن بگویند. اما باز همین مسائل جدید را تنها بطور کلی بیان می کردند و بطور مشخص. "چشم نرگس" و "موی میان" و "قد سرو" جای خود را به "آزادی و استبداد" و "فقر و غنی" و غیره داد. باز هم تنها کلی گوئی می شد و مسائل تنها در سطح مطرح می شد. به عمق مسائل راه نمی جستند. برخورد مشخص با واقعیت و رابطه نزدیک و مستقیم با آن وجود نداشت.

۲- نداشتن نظم و هماهنگی و همونائی. در شعر دوران مشروطه نیز، مانند شعر کهن، شاعر پراکنده گوئی می کرد. معمولاً یک فکر مشخص در سراسر شعر دیده نمی شد که با نظم و ترتیب خاصی بیان شده باشد.

یکی از دلایل این امر، محدودیت هائی بود که وزن و قافیه ایجاد می کرد. مثلاً اگر او در شعر خود کلمه "دلنواز" را قافیه قرار داده بود، در سطرهای بعدی نیز مجبور بود کلماتی که با آن هم قافیه بودند بکاربرد. مانند "نیاز"، "ساز" "سوز و گداز" و غیره... و مجبور بود برای هر کدام از آنها فکر و مضمونی پیدا کند و یک سطر شعر بسازد، اگر چه ارتباطی با سطرهای دیگر نداشته باشد. (البته تنها قافیه نبود که ایجاد محدودیت می کرد. مثلاً "پرواز" یا "دلنواز" هم قافیه بود اما بخاطر اختلاف وزن، نمی توانست بعنوان قافیه بکار رود. و یا "پایز" هم بسا آن هم قافیه بود اما نمی توانست بکار رود. چون یک "کلمه شعری" و زیبا نبود و یا

سخنی درباره شعر (۳)

آنچه انتخاب شده بخشی است از شعری که رفیعی از بندرگز فرستاده است. خصوصیت قابل توجهی که در این شعر هست همان پیوندی است که میان کارگر و کارگر کارخانه هست. یعنی آمیختگی جان و هستی کارگر با کارخانه. چون کارگر است که باعث ادامه کار کارخانه است. حرکت چرخ همان حرکت دست کارگر است. اجرا و اقدام کارگر و کارخانه در شعر به هم آمیخته اند. و شاعر به سادگی و به یاری کلمات و ابزارهای شعری توانسته این رابطه را نشان دهد و به همین علت نیز میان آنچه او گفته و آنچه هم اکنون ما در توضیح آن نوشتیم، با آنکه هر دو مطلب واحدی

برداشت سطحی شاعران دوره مشروطه از "شعر نو" وضع های کار آنها سبب می شد که شاعران سنت گرا اشعار آنان را مورد تمسخر قرار دهند. مثلاً ایرج میرزا (که خود، در عین سنت گرائی، عیناً همان ضعف های تجدید طلبان را نیز داشت) می گوید:

انقلاب ادبی محکم شد / در تجدید و تجدید و اشد / می کنم قافیه هارا پس و پیش / این جوانان که تجدید طلبند / راستی دشمن علم و ادبند / فارسی با عربی توام شد / ادبیات شلم شوربناشد / تا شوم نایقه دوره خویش / این جوانان که تجدید طلبند / راستی دشمن علم و ادبند

اگر "دراز" را انتخاب می کرد باید فقط از آن چیزهائی سخن می گفت که "بصورت شاعرانه ای دراز بودند". مثلاً "عمر دراز"، "زلف دراز" معشوقه، "شب دراز"

هرچنان غیره یعنی همان عبارات و کلمات قراردادی و کلیشه ای. فقط شاعر با سد میان این کلمات ارتباط تازه ای برقرار می کرد و به اصطلاح "مضمون" تازه ای در رابطه با آنها پیدا می کرد تا تعریفش بکار نیفتد. دلیل دیگر پراکنده گوئی، ضعف ارتباط با واقعیت بود. شاعر اسیر کلمات عبارات، اصطلاحات و تشبیهاتی بود که از قرنهای پیش مصطلح شده بود. فکرو تخیل او اصولاً محال آن را پیدا می کرد که آزادانه حرکت درآید و با نظم و هماهنگی مشخصی در یک شعر تجلی پیدا کند. در حالیکه اگر این آزادی را داشت، طبعا افکار و احساسات او که انعکاس واقعیت ها بود، می توانست با هماهنگی و نظم لازم در قالب شعر بیان شود. مادر شماره گذشته این پراکنده گوئی را در شعر فرخی یزدی نشان دادیم.

چرا این ضعف ها در شعر روزنامه ای دوران مشروطه وجود داشت؟

ضعف هائی که ما برای شعر "روزنامه ای" دوران مشروطه برشمریم در واقع ضعف های شعر کهن بود. حال باید دید چرا شعر دوران مشروطه نتوانست بر این ضعف ها غلبه کند؟

ما می توانیم سه دلیل عمده در اینجا ذکر کنیم که باز هم هر سه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند.

۱- هر چه زودتر پدید آمده بود، از یک پدیده کهنه به وجود می آید. اما باید دید، آن پدیده کهنه چه جنبه های مثبت و چه جنبه های منفی دارد. تا جنبه های منفی آن را نتوانیم از میان برداریم و جنبه های مثبت را رشد دهیم و تکامل بخشیم. به این ترتیب است که سرانجام به یک پدیده نو و مترقی دست خواهیم یافت. ولی شاعران دوران مشروطه در شرایطی به مخالفت با شعر کهن برخاستند که خود نمی دانستند معایب و نقایص آن دقیقاً در کجاست، و از آن مهم تر، چه چیزی را باید بجای آن گذاشت؟

از همین روست که می بینیم در این دوره یک "هرج و مرج ادبی" بوجود می آید.

۲- خواستهای سیاسی مبارزات آن دوره، بخصوص در ابتدا، بیشتر در حد تقاضای مجلس و قانون و غیره بود. یعنی خواستهای اصلاح طلبانه (رفرمیستی) بود نه انقلابی. کسی به یک تعبیر اساسی و بنیادی و انقلابی نمی اندیشید و این طبعاً ناشی از ترکیب نیروها در آن دوره و میزان رشد و آگاهی آنها بود.

در شعر نیز عیناً همین حالت "اصلاح طلبی" و "تجدد طلبی" دیده می شد. هیچکس لزوم یک تغییر اساسی و بنیادی را احساس نمی کرد. فکری کردن کفافی است که برخی مضامین و افکار و مسائل جدید را در شعر مطرح کنند و با همین کسار، به "شعر نو" دست خواهند یافت.

۳- شاعران این دوره رابطه میان شکل و محتوی را درک نمی کردند. تصور می کردند که بدون تغییر دادن شکل، می توان افکار تازه و محتوای جدیدی را مطرح کرد.

مثلاً فرخی در غزل بسیار زیبایی می گوید:

رسم و آرازی / با پیشه نباید کرد / با آنکه ز جان بازی / اندیشه نباید کرد / در زبان فارسی، کلماتی که با "پیشه" و "اندیشه" هم قافیه باشند بسیار محدودند. و شاعر باید پس از انتخاب همین کلمات، به دنبال مضمون جالب و مناسبی بگردد که در هر سطر با این کلمات بیان شود. مثلاً فرخی کلمه "پیشه" را انتخاب می کند. این کلمه در شهر کهن فارسی فوراً "فرهاد کوهکن" و "شیرین معشوقه و آوازه همسر" خسرو پرویز بود تداعی می کند و ما می بینیم که فرخی نیز در دام همین محدودیت ها اسیر می شود (اگرچه می گوید یک فکر نو و مترقی را بیاری این کلمات بیان کند).

با داری و چکش کن محو / این خسروی ایوان را / چون کوه کنی هر روز / با تیشه نباید کرد.

آیا آوردن افکار نو در یک قالب و شکل قدیمی، تا کجایی تواند ادامه پیدا کند؟ آیا شکل قدیمی مانع رشد یک مضمون و محتوای تازه نمی شود؟ آیا پوسته تخم مرغ که از جوجه داخل آن محافظت می کند و برای آن سودمند است، بالاخره روزی مانع رشد بیشتر جوجه نمی شود و نباید شکسته شود؟

شکل کهن شعر نیز یک قالب و چهارچوب بوده که سرانجام باید می شکست چون ظرفیت و گنجایش محدودی داشت. مادر شماره بعد ضمن طرح و بررسی شعر نیمایوشیج، درباره خصوصیات شعر نو سخن خواهیم گفت.

هستند، تفاوت هست. همان تفاوتی که میان شعر و نثر هست. همان تفاوتی که در شماره پیش توضیح دادیم و مقایسه کردیم. اما مسأله ای که اینک باید مطرح کنیم (خصوصاً که به بخشهای حد ف شده همین شعر هم مربوط می شود) راجع به جدا کردن و پیوند منطقی کلمه ها و بندهای شعر است. باید روشن شود که چرا شعر را مصراع و زبر هم می نویسند. باید قاعده و قانون آن را در یابیم. نثر را دنبال هم و آفتی می نویسند ولی شعر را چرا باید بند بند و زبر هم نوشت؟ به تکه تکه زبر که بخشی از شعر همین رفیق بوده توجه کنید: اگر نباشی / باید اشک لوله های / پیوند خورد، به / دستت را / دید / عبارت را همانطور نوشتیم که برای ما فرستاده شده است. پیداست که ما به هنگام خواندن این عبارت، هیچگاه "لوله های" را جدا و با فاصله از "پیوند خورده" و یا "به" را جدا از "دستت" نمی خوانیم. و بین تلفظ هر قسمت، این طور فاصله احساس نمی کنیم. بلکه طبیعتاً "لوله های پیوند خورده به دستت را" صورت یک قسمت بیان می شود و چگونگی این شعر وزن هم ندارد، که بگوئیم به دلیل وزن با چار شده ام عبارت را این طور تکه تکه کنیم پس فقط در اثر بی توجهی به قاعده کلام و مصراع بندی چنین نوشته شده است.

نیمایوشیج بنیان گزار شعر امروز برای شکستن مصراعها و زبر هم نوشتن آنها قواعدی را مطرح کرده است که معمولاً در سرودن شعر رعایت می شوند. بنا بر این قواعد، جای هر عبارت و بند بند و کوتاهی هر مصراع، همیشه انضای مطلب و اهمیتی که در آن دو کار می باید انجام دهند تعیین می شود. با دادرس "بند" طبعی مصراعها را تمام کرد. بند بند بودن شعر مثل بند بند بودن اعضای بدن است. معصل زانو برای منظم سازی خاص وجود آمده است. مثلاً ران را که نوعی کاربرد عصبه است هم از ساق که کاربرد دیگری دارد جدا می کند و هم به آن پیوند می دهد. حال اگر ران از وسط بسا بند با مفصل یا بجای جدامی شد، دیگر نتنها آن کارائی را نداشت بلکه نقضی هم بوجود می آورد.

مسأله دیگری که باید در شعر رعایت کرد، ترکیب و هماهنگی کامل میان اجزا است. همانند ترکیب در بدن آدمی اعضای مختلف بوسیله بندهای مختلف به هم پیوسته اند و بطور کامل و هماهنگ بدن ما را تشکیل می دهند، در شعر هم از پیوند کلمات و جمله ها و عبارات و بندها و... با یکدیگر کل هماهنگ و منظم و با یکدیگر مشخص بوجود می آید. یعنی نه چیزهائی که به این هماهنگی لطمه می زند در شعر داخل شوند. و نه آن چیزهائی که نبودنشان باعث نقص می شود فراموش شوند. هر مطلب و هر کلمه باید بجای خود بر اثر لزوم و نیاز شعر بکار رود. همان طور که یک بدن بدون چشم یا با ناصص است، یا اگر جای چشم و دهان هم عوض شود، باز نقضی دیگر بوجود می آید.

اگر میان مطلب یا موضوع یک بند با بند دیگر ارتباط و هماهنگی نباشد هر چند در حد خود و بطور مجزا خوب هم باشد، باز هم مانع از کامل شدن شعر خواهد شد. همچنان که اگر دست طرف یک کودک به بدن قوی و درشت یک مرد پیوند بخورد باز هماهنگی و نقص است.

هموطنان مبارز / پیشنهادات و نظریات / انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال / نمائید: / تهران - بلوار کشاورز / خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد / سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. / تلفن ۶۵۹۹۹۹ / آدرس بانکی - تهران بانک ملی / ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب / ۳۲۰۹۸ / بنام عباس فضیلت کلام / از کلیه هموطنان مبارز / خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای / مالی خود را که به بانک واریز شده / است مستقیماً برای ستاد ارسال / دارند.



### کنفرانس طرح خود مختاری یا توطئه ای علیه خود مختاری

خلق کرد مساله راهی از سمت ملی را بطرح شعار "دموکراسی برای ایران، خود مختاری برای کردستان" آنچنان قاطعانه و بیگريانه مطرح کرده است که مرتجعترین عناصر نیز حتی جرات نکرده اند بطور علنی با آن مخالفت کنند. بر این اساس امروز تمام عناصر ضد خلقی هم که بجز منافع خود و یا منافع اربابان خود چیز دیگری را تعقیب نمی کنند، حرکت شوم خود را از موضع ظاهری دفاع از خود مختاری آغاز می کنند. مثلا فتوای الهی اتحادیه یا شورای درست می کنند، در قطعنامه خود خواستار خود مختاری می شوند. عناصر مرتجع و اشخاص سودجو برای مقاصد ارتجاعی و برای رسیدن به مقام بالاتر و منفعت بیشتر تلاش می کنند، ولی در ظاهر از خود مختاری دفاع می کنند... البته اگر در جنبش ملی خلق کرد، ابتکار عمل در دست خلق یعنی در دست زحمتکشان و مردم مرفقی کردستان باشد، در آن صورت، بسیار هم خوب خواهد بود که فتوای الهی را مرتجعین و عناصر ضد خلقی نتوانند هم از محالفت بزنند، ولی وقتی توده های مردم، زحمتکشان، جنبش ملی را خود رهبری نکنند، وقتی فرصت بدست مرتجعین و فرصت طلبان ضد خلقی داده شود که خود را نماینده مردم جا بزنند، وقتی خط و مرز بین خود مختاری خواست زحمتکشان با خود مختاری خواست فتوای الهی و مرتجعین روشن نباشد، در آن صورت همین دشمنان مردم که با ظاهر سازی و عوام فریبی خود را حاکمی توده ای مردم و نماینده آنان قلمداد می کنند، با

### ماهیت دو تن از دشمنان خلق کرد که در کنفرانس خیانت در سنج شرکت کردند

۱- رئیس کنفرانس طرح خود مختاری شخص مغفوری بنام "میدال الشهدا" می است. این شخص قبل از سال ۴۹ در بیمارستانهای سنج و پاته با حقوق ماهیانه ۱۲ هزار تومان مشغول طبابت بود و در سال ۴۹ بعزت کمی حقوق استعفا کرده و برای چاییدن بیشتر مردم یک بیمارستان خصوصی در سنج دایر می کند. گرفتن حق ویزیت سنگین از دهقانان و زحمتکشان و معاینه دسته جمعی بیماران و دادن نسخه های دسته جمعی برای آنان زندانی کردن بیماران که بی بضاعت تا برداخت تمامی پول، گوشه ای از سابقه در حضان مبارزاتی او است. در مبارزات اخیر مردم میهنمان او، تنها نیز خوردگان و زخمی شدگانی را بستری می کرد که پول داشتند.

قبل از قیام این آقای دکتر بحاطر ترس از خشم و نفرت مردم که ممکن بود کربانگیر او شود بیمارستان را تعطیل کرده همچون دیگر فراریان ضد خلقی همراه خانواده اش به اروپا فرار کرد، ولی بعد از آرام شدن اوضاع به ایران مراجعت کرد و مجدداً به جیاول مردم مشغول شد.

۲- حسین وکیل از فتوای الهی ها جنایتکار جوان بود که بعنوان نماینده جوانرود در کنفرانس خیانت شرکت کرده است، یکی دیگر از کسانی است که آشنایی مختصری به سابقه خیانت آمیز او ماهیت کنفرانس سنج را روشن می کند. این فتوای الهی مرتجع یکی از همدستان سالار جاف بشمار می رفت و در حمله به پایه همدوش سالار جاف از مسببین اصلی کشتار مردم مبارز پایه بود. در دوران رژیم مغفوری پهلوی با کمک ساواک و ژاندارمری بارها مبارزات حق طلبانه کرده های پایه و اطراف را سرکوب کرده و کم نبودند روپوشان و جوانان مبارزی که توسط این شخص خائن تسلیم ساواک شدند. و حالاً این شخص در کنفرانس سنج بعنوان نماینده مردم زحمتکش پایه معرفی شده و از سینه چاکسان خود مختاری کردستان می باشد. زهری بشری.

در کنفرانس خیانت سنج چندین بار از ملام مطعی بارزانی خائن توسط چند تن از باصطلاح نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس تجلیل شد.

### استقبال قیادهای ها از مفتی زاده

سنندج - ۵۸/۳/۱۴  
گروهی که از احمد مفتی زاده هنگام مراجعت از تهران استقبال می کردند، شعارهای درود بر قیاده، درود بر پاک احمدی دادند. در ضمن در این مراسم ۱۵۰ مسلح نیز حضور داشتند که ۳۰ تن از آنها قیادهای بودند. قیاده ای ها بعد از اتمام راهپیمایی به داخل پادگان رفته و بعد از مدتی از آنجا عازم محصل انجمن اسلامی جوانان شدند که افراد مسلح دیگری در آنجا بودند. همان گونه که بارها گفته ایم، رهبری قیاده موقت را کسانی به عهده دارند که

### اعلامیه مردم سردشت به منظور اعتراض به نماینده قلابی سردشت در کنفرانس سنج

روز سه شنبه ۵۸/۳/۲۲ اعلامیه ای به امضای حدود ۶۰ نفر از مردم سردشت پخش شده که نشان می دهد چه کسانی به نام نمایندگان مردم کردستان در کنفرانس سنج جمع شده اند. در این اعلامیه آمده است که آقای رحمت علیپور تنها نماینده مردم سردشت نبوده و

### تیراندازی افراد کمیته قزوین به معلمان کوهنورد

قزوین - روز جمعه ۲۵ خرداد ما حدود ۳۲ نفر از اعضای کانون مستقل معلمان قزوین برای کوهنوردی به کوههای اطراف قزوین می روند. هنگام بازگشت با بارندگی مواجه شده و در حین پایشن آمدن از کوه با کمال تعجب از طرف ما موران کمیته محاصره و با تیراندازی آنها مواجه می گردند.

معلمان بناچار برای حفظ خود در پشت سنگ ها سنگرمی گیرند و یکی از آنان با بیرون آوردن پیراهن سفید خود علامت می دهد و فریاد می زند که ما مسلح نیستیم. معینا تیراندازی ادامه می یابد تا اینکه معلمان با پرتاب کوله پشتی و قهقهه های خود به پاسداران نشان می دهند که مسلح نیستند.

در این هنگام پاسداران آنها را وادار می کنند از رودخانه پایین بیایند و معلمان سراپا خیس را با توپ و تحقیر به کمیته آبیکی می برند. در آبیکی پاسداران به دروغ به مردم ده می گویند یکمده ساواکی که قصد حمله به آنها را داشته اند و به کوه رفته بودند دستگیر شده اند و مردم آبیکی را برای تماشای آنان جمع می کنند. وقتی معلمان را محلی بودند و بخصوص در آبیکی فامیل داشتند مردم اعتراض می کنند که آنها معلم هستند نه ساواکی. بطوریکه در کمیته آبیکی پس از رسیدگی به جریان از آنها عذر خواهی می شود و می گویند بعد از این اگر خواستید کوه بروید باید بما خبر دهید و به این ترتیب پس از دو ساعت آنها آزاد می گردند.

معلمان مزبور نیز نامه هایی به قم، نخست وزیر و دادگستری می فرستند و از کمیته شکایت می کنند.

### اشتباه روز بیست و ششم خرداد

در روز بیست و ششم خرداد "جلدیان" هنگامیکه تعدادی زن و دختر کارگر در مزرعه ای مشغول کار بودند. از دو طرف یکی از جانب پادگان و دیگری از طرف کوهی که قلعه ای در آن واقع است سوی کارگران تیراندازی می شود. در اثر تیراندازی دختران و زنان کارگر وحشتزده بطرف جاده فراری می کنند که در نتیجه پرت شدن از ماشین موقع حرکت یکی از آنها زخمی می شود. البته این تیراندازیها چندین بار تا حالا تکرار شده و علتش بیشتر خالی کردن اطراف پادگان از اهالی می باشد.

نهایتاً در حدود ۲۰۰ نفر از روستائیان بی زمین روستای "گنبدکوبه" این شهرستان که در شهرها هم کساری پیدا کرده اند، خواستار تقسیم زمینهای روستا هستند که مالکین سابق هنوز هم در تصرف دارند. در جواب این خواست روستائیان مالکین می گویند که چرا شما انقلاب کردید و شاه را بیرون کردید؟ بروید از آب آله خمینی و دولتی بخواهد تابه شما کار روزم بدهد.

### مهاجرت طی مذاکراتی که روز سه شنبه ۵۸/۳/۲۹ بین ملاحسی و شیخ گک (آقای کمالی زاده - فتووال) در رضائیه انجام می گیرد ملاحظه می شود.

حدود ۱۲۰۰ قبضه تفنگ برنورد احتیاط شیخ گک قرار می دهد که بین فتوای الهی منطقه منگور و شکاج تقسیم می شود. مهاجرت روز بیست و هشتم خرداد سران قیاده موقت از جمله در پس بارزانی همراه با اربابان حومه اشونیه و پیشماز قریه سنگان و سید عزیز جیلانی زاده در خانه عصمت خان زوزای که از فتوای الهی بانفوذ محلی است گرد آمدند. روز بعد ساعت ۸/۵ بعد از ظهر تعداد ۸۰ قبضه برنو و مقداری مهمات به منزل یکی از "زرزها" برده شد.

### تبعید افسر ارتش بخاطر داشتن عقاید سیاسی

۵۸/۳/۱۶ - افسری بنام سروان حاج رسولی بعزت داشتن عقاید سیاسی، با دسیسه چینی کمیته پادگان پیرانشهر از کادر پرسنلی این پادگان اخراج و به پادگان شیراز تبعید می شود و کوبا این افسر حق آمدن و دیده غرب کشور را هم نخواهد داشت.

### تجمع روستائیان برای اعتراض به بازداشت دو زحمتکش

آمل - روستائیان نظام آباد برای اعتراض به دستگیری و بازداشت دو نفر از زحمتکشان روستایشان روز شنبه ۵۸/۳/۲۶ در مقابل کمیته (شهرداری سابق) اجتماع کردند. این دو نفر به اسامی عبدالله رضانی و علی رضانی با بعزت فعالیت های انقلابی در جهت منافع روستائیان و در نتیجه اطلاعات جعلی که عناصر مرتجع و فرصت طلب در رابطه با غرضهای شخصی شان در اختیار کمیته گذاشتند، بوسیله ما موران کمیته دستگیر و زندانی شدند.

عبدالله رضا نیاید گذشته هم بخاطر فعالیت هایی که بر علیه رژیم شاه مزدور داشت با معرفی مرتجعین محلی بدست دژ خیمان ساواک گرفتار شده و چندین روز در زندان بود. برادرش علی رضانی هم که معلم است همیشه برای حل

### گسترش شوراها روستائیان در کردستان

روستائیان ماکه از محرومترین مردم این مرز و بوم هستند، برخلاف تمام تبلیغات رژیم وابسته به امیرالیم شاه، بعد از اصلاحات ارضی نیز همچنان مورد ظلم و بهره کشی بیرحمانه قرار گرفتند. بخش بزرگی از روستائیان از همان آغاز صاحب زمین نشدند و بصورت خوش نشین باقی ماندند. عده ای دیگر کسب مقامات زمینهایشان در کوه بانگها مانند واردستان رفت و گروه دیگری هم بواسطه تجاوز مالک قبلی یا غاصب جدید نسق خود را از دست دادند. اکثریت عظیم روستائیان صاحب نسق و مخصوصاً خوش نشین همیشه پشتشان در زیر بارزنج و بدبختی خم بود. بدتر از همه اینکه بعد از شکست رژیم ضد مردمی شاه هم نه تنها هنوز اربابان به همان شوه سابق رفتار می کنند بلکه در مناطق مختلف زمین دهقانان را تسخیر و از عذاب و زور آزاد می گردند.

اما اکنون زحمتکشان بجان آمده روستا مانند کارگران و سایر نجبران ایران، برای احقاق حقوق خویش و مقابله با تجاوز مالکین و غاصبین و بر خورداری از حداقل امکانات زندگی، حرکت خود را آغاز کرده اند. در این حرکت تشکیل شوراهای روستائی که نمایندگان آن روستائیان در میان خودشان انتخاب می کنند ضروری است که دهقانان برای بدست آوردن خواستهای مشترکشان به آن پی برده اند. در این میان باید از روستاهای حومه سنج نام برد و از جمله آنها می توان به دهات دولت بند، چناران، تاز آباد و زبیر (تابع ویراندره)، قوچ (غامت آباد - تابع ویراندره) اشکفتان و چند آبادی دیگر اشاره کرد که از اواخر اردیبهشت گذشته بتدریج شوراهای روستائی آنها با شرکت دهقانان و خوش نشینان تشکیل شده است.

تعداد نمایندگان این شوراها ۴، ۳، ۸ نفر است و مدت نمایندگی آنها بین ۶ ماه تا یکسال متفاوت است و در صورتی که نماینده ای تعهدات خود را انجام ندهد اهالی می توانند دیگری را به جای او انتخاب کنند.

### مشکلاتمان را خودمان بهتر حل میکنیم

سنندج - "ندای حق طلبانه اهالی روستای گیلانه (از حومه شهرستان سنندج)" عنوان نامه ای است با اثر انگشت و امضای نزدیک به صد نفر از مردم این روستا که طی آن از پاسگاه ژاندارمری و ظلم و ستم دو ساله آن سخن گفته اند. این پاسگاه که از حدود دو سال پیش تاسیس شده بود با استفاده از حربیه نفاق افکنی، درآمد سرشاری از راه شوه گیری از مردم بی چیز محل که به سبب سیاست تخریب کشاورزی رژیم فاسد گذشته خانه خراب و حتی آواره شده

### مشکلات و گرفتاریهای روستائیان به آنها کمک کرده و در جهت آگاه نمودن آنها در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت کرده است.

در اعلامیه ای که روستائیان بدین مناسبت به اهالی آمل نوشته اند آمده است: "ما روستائیان زحمتکش قریه نظام آباد مصرا از کمیته می خواهیم که دوستانمان را هر چه زودتر آزاد کنند و همچنین از تمام مردم مبارز آمل می خواهیم که نگذارند خون شهیدانمان به هدر رود. نگذارند که عده ای فرصت طلب از زندگی و خون هزاران شهید و مجروح در جهت منافع ضد مردمی خود استفاده کنند. ما از تمامی نیروهای مترقی مردمی می خواهیم که دست تمام سواک استفاده کنندگان را از انقلاب کوبه سازند.

### خلاصه ای از یک اعلامیه کبرنشینان را در بایم

آنجبه در زیر می خوانید قسمتی از اعلامیه ای است که یک گروه هوادار سازمان در بند عباس انتشار داده و در آن خواستهای اهالی محله "لوطی ها" را ضمن گزارشی بازگو کرده است:

محله فقیر نشین لوطی هادر شمال غربی بند عباس واقع است و از دو بخش که به وسیله یک حاده حاکم ارم جدا می شوند تشکیل شده است. یک بخش که ساکنینش از افراد بومی هستند و کارهای تولیدی اشتغال ندارند و عمدتاً از طریق نواختن ابزار آلات موسیقی و شرکت در جشنها و مشاغلی در این زمینه ها امرار معاش می کنند. اهالی این بخش شدیداً با فقر دست و گریبان هستند و هیچگونه آگاهی سیاسی ندارند.

بخش دیگر، مهاجرین هستند که عده ای از آنها بدلیل برکتگی و بدی اوضاع کشاورزی از روستاهای اینجا مهاجرت کرده و عده ای هم که قبلاً در قاط دیگر شهر بودند چون خانه هاشان در معبر قرار گرفته و خراب شده است به این قسمت سرازیر شده اند. ساکنین این قسمت به مشاغلی نظیر دست فروشی، خرده فروشی و کارگری ساده ساختمان و عده کمی به رانندگی اشتغال دارند.

خواستهای عده آنها بدین شرح است:

- ۱- تاحتن خانه های مقاوم در مقابل باران.
- ۲- کسیدن برو آب لوله کشی به محله.
- ۳- تامین امکانات بهداشتی و درمانی مخصوصاً در جهت جلوگیری از امراض ناشی از کودالهای آبی لجنزار
- ۴- بیرون راندن خود جوانان نظیر "حسین آب روشن" که با ایجاد دستگاه بلوک زنی در محله ایجاد مزاحمت کرده است.
- ۵- بود بند دست می آورد. بعد از فرار شاه، مردم روستا دیگر زیر بار پاسگاه نرمتندویس از بیورسهای مردم ایران در بهمین ماه گذشته اهالی در مسجد اجتماع کرده شورا را انتخابی ده خود را تشکیل دادند و بعد از گفتگو با رئیس پاسگاه، ساکاه ژاندارمری را برچیدند. از آن به بعد تاکنون برخلاف گذشته "حتی یک مورد دعوا و اختلاف پیش نیامده و اگر بعضی مواقع اختلافات جزئی بروز کرده که بیشتر مربوط به آبیاری مزارع بوده، شورای ده چون نماینده واقعی خودشان می باشد و از مشکلات روستا اطلاع دارد، عادلانه و بدون چشم پوشی اختلافات را حل و فصل می کند.
- ۶- اما اکنون پس از چند ماه بدون هیچ مناسبتی رژیم فرار کردن دوباره پاسگاه از طرف دولت باعث شده که اعضای شورا به پاسگاه ناحیه بروند و بگویند که در حال حاضر ما با آشنائی کامل به محیط زندگی خود، مشکلاتمان را به آسانی و با استفاده از حل می کنیم و نیازی به برقراری پاسگاه نداریم. فرمانده جدید ناحیه در برابر این استدلال گفته است که: "هر وقت اراده کنم، با قدرت توپ و تانک دوباره پاسگاه را مستقر می کنم.
- ۷- در پایان نامه آمده است که دولت جدید نباید "بحای پیاده کردن برنامه های عمرانی در روستاهای کشور، دوباره ما را به زیر سلطه و زورگوییهای پاسگاه بکشاند و باعث اتفاقات ناگواری در این منطقه شود."



### خاطره شهدای کارگران کارخانه نساجی

#### قائم شهر (شاهی سابق) را گرامی میداریم



که دیگر هیچ کس را برای مقابله با آنها نیست. کارگران مبارز و قهرمان این کارخانجات در پی انجام نشستن خواسته های رفاهی و نیز برکنار کردن رئیس کارخانه دست به اعتصاب زدند. چند هزار کارگر به اعتصاب پیوستند و کلیه واحدهای تولیدی از کار افتاد. کارگران مبارز و قهرمان معادن زیرآب نیز به اعتصاب پیوستند و روشننگران و زحمتکشان شهری پشتیبانی خود را از خواستهای برحق کارگران اعلام کردند. رژیم از او جگر می میزد به هر اسفندی پلیس و ارتش ضد خلقی اش را برای سرکوب کارگران و پشتیبانان آنها فرستاد. سرکوب بیرحمانه و وحشیانه بود. زن و مرد، پیر و جوان، کودک و نوجوان مورد ضرب و شتم و سپس رگبار گلوله قرار گرفتند. ماهیت ضد خلقی دولت شاه کاملاً آشکار شد.

کارخانجات نساجی شاهی سابق از جمله اولین واحدهای تولیدی ایران است که بیش از چهل سال از کشتایش آن می گذرد. سابقه کارگران این کارخانجات ملو از اعتصاب و مبارزه است. سال ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۲۹ و ... و بالاخره تیرماه ۵۴. عده های سرکوبگر و ضد خلقی شاه و نیروهای سرکوبگر و ضد خلقی شاه وارد میدان می شدند و می کشتند. کارگران را سرکوب می کردند، به گلوله می بستند، عده های راه شهسادات می رساندند و صدها نفر را دستگیر کرده و به زندانهای طویل المدت محکوم می کردند. اعتصابات سال ۵۴ این کارخانجات در درون صورت گرفت که رژیم پهلوی و نوکرانش اختناق و سرکوب راه اوچ خود رسانیده بودند و تصور کرده بودند

### تا دیسه های امپریالیسم و ...

بقیه از صفحه ۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و همه نیروهای انقلابی برای منافع کارگران و خلقهای ایران اهمیت حیاتی دارد و درست از همین رو است که کارگران زحمتکشان و خلقهای ایران از آمادگی سازمانهای انقلابی و مبارز حمایت می کنند.

### توضیح دادستان کل انقلاب در مورد دستورش برای سانسور در پست و تلگراف

دادستان کل انقلاب در مورد دستور که برای وزارت پست و تلگراف مبنی بر سانسور کلیه محموله ها و نامه های پستی صادر کرده بود و عیناً در شماره ۱۴ به چاپ رسید، به خبرنگار رادیو ایران اظهار داشت: من مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد سانسور کلیه نامه ها و براسلات پستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که با عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و با مرام اسلامی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیف روشن شود.

دادستان کل فقط مطالب آن روزنامه را شنیده اند اما توجه نکرده اند در مقاله ای که همراه با این افشاکاری نوشته شده بود، چیزی در مورد سانسور نامه ها ذکر نشده است، بلکه در حقیقت خود دستور العمل دادستانی بود که سانسور را در پست و تلگراف منعکس می کرد و احتیاجی هم به توضیح بیشتر نداشت. از طرفی برخلاف گفته آقای هادوی اول در این دستور هیچ وجه چنین تفکیکی که ایشان در رادیو اظهار داشته اند صورت نگرفته بود و کلیه نامه ها و محمولات پستی را چه داخلی و خارجی شامل می شد و همچنین در مورد کلیات مضره و مفسداخلاق که در این دستور العمل آمده است، به هیچ وجه منظور و مقصود آقای دادستان آنگونه که در رادیو اظهار شده است مشخص نمی باشد و هیچ تأکیدی روی نشریات سکسی و "خلاف عفت عمومی" به چشم نمی خورد. و این همان مسئله ای است که مورد سؤال ما هم قرار گرفته است. ما در این مورد گفتیم و تأکید کردیم که رژیم سابق هم در توجیه سانسور و تفتیش عقاید، همیشه از راههای قانونی وارد می شد و با صدور دستورات به ظاهر موجه و قابل تفسیر از رشد افکار عمومی جلوگیری می کرد و به سرکوب توده ها به اشکال مختلف از جمله سرکوب فکری می پرداخت. علاوه بر اینها آقای دادستان این دستور غیر قانونی تنها یک مورد از افکار پستی شما نیست. بلکه دولت موقت همواره ضمن سکوت در مقابل دستگیری و بازداشت غیرقانونی نیروهای مترقی و مبارز امالی مرتکب شده است که در اغلب آنها خود شما نیز سهمی داشته اید.

مبارزه کارگران به نتیجه نرسید و سرکوب بیرحمانه حتی پس از پایان اعتصاب ادامه یافت و حدود بیش از نیمی از کارگران کارخانجات اخراج شدند و عده ای از دانش آموزان، معلمان و دانشجویان در این رابطه دستگیر شدند و پس از آزار و شکنجه فراوان به زندانهای طولانی محکوم شدند. اما مبارزه تاثر خود را بر توده ها و بالاخص کارگران گذاشت و این برگ سرخ دیگری در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران است.

ماضین بزرگداشت این مبارزات قهرمانانه هنگام با سایر کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی یادشدهای تیرماه ۵۴ کارخانجات قائم شهر را گرامی می داریم.

مثلاً شما بچه استدلالی دستگیری سرتیپ فلاخی را عمیق نگاه داشته اید و حتی برای رهائی این ارتشی مزدور که نقشش در کشتار مردم مبارز شیمران برهنگان روشن است و مانع از پیوستن به کشتار او را در نشریه کار شماره ۱۵ چاپ نمودیم، وساطت کردید؟ آقای دادستان. سکوت شما در مورد دستوراتی که فرمانده ارتش برای محو فجایع رژیم جنایتکار سابق، به شما صادر کرده بود چه معنایی دارد و برای آن چه توضیحی دارید؟ آیا نظر شما هم پوسترهایی که خاطره شهدای ۱۷ شهریور را زنده می کرد مضره و مفسده به حساب می آید و باید جمع آوری و معدوم کرد؟

مردم ایران مجموعه این مسائل را اتفاقی تلقی نکرده، معنی این بخشنامه ها و دستوراتی را که عملاً برای جلوگیری از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران صادر می شود به خوبی می شناسد و البته دیگر زیر بار این تفتیش عقاید و اختناق نخواهند رفت و در برابر همه اقداماتی که سدره مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران باشند بکپارچه ایستادگی خواهند کرد.

#### نماینده کارگران فلزکار:

اختیارات کامل. . . . . بقیه از صفحه ۱  
اساسی را به میل خود تفسیر و توجیه کرده ای برای غارت و سرکوب خلق توسط انحصارگران تبدیل کنند. ما کارگران با توجه به تجربه های تلخ گذشته می خواهیم قانون اساسی خالی از هرگونه ابهام و روشن قاطع باشد تا امکان بهره برداری ارتجاعی از آن را به هیچ کس ندهد. اولین تضمینی که ما از قانون اساسی بعد از انقلاب انتظار داریم تضمین اساسی ترین آزادی ها یعنی آزادی بیان و قلم، اجتماعات و فعالیت های سیاسی است که در پناه آنها بتوانیم با ایجاد سازمانهای خاص خود از حقوق حقه مان دفاع کنیم. تضمین های دیگری که ما انتظار داریم در قانون اساسی گنجانده شود عبارتند از: دخالت مستقیم شوراها، کارگری در مدیریت و نظارت بر تولید، مزد مساوی در قبال کار مساوی برای زنان و مردان و تعیین حداقل مزد با توجه به شرایط زمانی که مخارج عادی یک خانواده را تأمین کند. صندوق ویژه برای احداث و سایل میشت خانواده کارگران، حق اعتصاب، آزادی سازمانهای کارگری، عدم دخالت کارفرما و دولت در امور آنها، مشارکت مستقیم نمایندگان سازمانهای کارگری در تدوین مقررات و قوانین مربوط به کار.

ماضین تأیید سخنان نماینده کارگران فلزکار اضافه می کنیم که قانون اساسی باید مضمناً ادامه انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری کارگران و زحمتکشان ایران باشد. قانون اساسی فقط در این صورت می تواند مورد تأیید خلقهای ایران باشد. قانون اساسی اگر به صورت مانعی در راه ادامه مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران درآید بدون تردید حربه ای خواهد بود در دست فئودال و سرکوبگران خارجی و داخلی و بی شک مبارزات، خلقهای ایران سند محکومیت چنین قانونی را خیلی زود امضا خواهد کرد.

#### رشد آگاهی و مبارزاتی کارگران:

### با تجربه کارگران کارخانه.

بقیه از صفحه ۱

ترس و وحشتی نداشتند و معنی اتحاد را دریافت کرده بودند. گرچه کارگران بعلاست سی تجربگی نتوانستند به تمام آنچه که مطرح کرده بودند، دست یابند، اما از این اعتصاب درسهای بزرگی آموخته بودند. همزمان با این مبارزات تحت تأثیر مبارزات خلق در سال گذشته، جو سیاسی بر کارخانه نیز حاکم شد. در داخل کارخانه درباره دولت، رابطه کارگر و کارفرما و مسائل سیاسی صحبت می شد و شعارهای مرگ بر شاه بر در دیوار کارخانه می نوشتند.

در این شرایط کارفرما شروع به اخراج کارگران کرد. استدلال او این بود که بازار راکد است و اجناس به فروش نمی رسد. ما می دانیم که کارفرما در دوران رونق شیره جان کارگران را کمبده بود و سودهای کلانی به جیب زده بود، و حالاً در دوران رکود حق نداشت کارگران را اخراج کند. سرمایه داران تنها بدنبال سود هستند. خدای آنها، ایمانشان، شرافشان و همه چیزشان پول است. برای آنها مهم نیست که کارگر گرسنه بماند. آنچه برای آنها مهم است، این است که مدام بر ترنوشان افزوده شود. بنابراین کارفرما حدود ۲۵۰ نفر از کارگران را اخراج کرد که بعد در برابر موج اعتراض راهبیمانی کارگران و اهالی زحمتکش رباط کریم و دانشجویان محصوره عفت نشینی شد و کارگران به سرکوب بازگشتند. تجربه ای که کارگران در اینجا بدست آوردند شناسایی آنها با تلاشهای کارفرما برای تفرقه اندازی و تفتیش میان کارگران بود. مثلاً کارفرما تلاش می کرد که کارگران قدیمی و جدید را بر سر هم قرار دهد، با کارگران بزرگی را در برابر کارگران شهرهای دیگر. اما کارگران آگاه بخوبی می دانستند که آنها چه قدیمی باشند چه جدید، چه بزرگی باشند و چه تهرانی همه مورد استعمار سرمایه دار قرار می گیرند، درهای همه مشترک است و گرفتاریهای همه آنها یکی است. بنابراین کارگران که دارای منافع طبقاتی مشترک هستند، هیچگاه فریب این شیوه های تفتیش افکنانه کارفرما را نمی خورند و همه چون تنی واحد علیه اومبارزه می کنند. در این میان کارگران تصمیم گرفتند که سندبکای فلابی و فرمایشی گذشته را که هیچگاه از منافع آنها دفاع نکرده بود همیشه جانسب کارفرما را گرفته بود منحل کنند و سندبکای واقعی بوجود آورند. البته از آنجا که تجربه کارگران بسیار کم و آگاهی آنها هنوز کم یابن بود در انتخاب تعدادی از نمایندگان خود دچار اشتباه شدند. ولی در جریان کار و در مدتی بسیار کوتاه عملایی به ما هیئت این افراد برسد و بر علیه آنها مبارزه برخاستند. تا اینکه عده ای از نمایندگان استفاد کردند و روز ۱۱ اردیبهشت برای انتخابات مجدد سندبکای واقعی تعیین شد.

در روز ۱۱ اردیبهشت کارگران دسته دسته به کارخانه آمدند در حالیکه روز جهانی کارگران راه یکدیگر تریک می گفتند. سرانجام جلسه انتخاب نمایندگان کارگران تشکیل شد. پس از سخنرانی چند کارگر در مورد روز جهانی کارگر و چگونگی استعمار کارگران توسط سرمایه داران، ۱۱ نفر نماینده انتخاب شدند. کارگران خواستهای فوری خود را شرح زیر مطرح کرده اند:

۱- لغو قوانین انضباطی و جریمه های تعمیلی.  
۲- تعویض قانون کار نفع کارگران.  
۳- بالا بردن دستزد کارگران.  
۴- رسیدگی به وضع بیمه درمان.  
۵- ایجاد محیطی آزاد برای بیان عقاید و سلیقه ها.

این تجربه نشان می دهد که کارگران باید متحد شوند، اتحاد کارگران مقدمه پیروزی آنهاست. مبارزه کارگران نمی تواند شکل فردی صورت بگیرد بلکه مبارزه جمعی و اتحاد کارگران لازم است تا نتیجه مثبت بدست آید. کارگران با سندبکای صافی صافی خود نظیر سندبکای که از حقوق صافی آنها دفاع می کند، ایجاد کنند، شوراها را برای ایجاد و تقویت کنند و برای رسیدن به هدف اصلی خود یعنی برانداختن سرمایه داری و استعمار انسان از انسان تشکیل و سازمان سیاسی خود یعنی حزب مستقل طبقه کارگر را ایجاد کنند، تا سرانجام پیروز شوند.

استعمار قرار می گیرند. علاوه بر اینکه اکثریت کارگران رازبان تشکیل می دهند. تعداد کودکان ۱۲ ساله نیز که در این کارخانه مشغول بکارند کم نیستند. کارخانه های که در ابتدا بسیار کوچک بود و تولید زیادی نداشت اکنون تبدیل به کارخانه های بزرگ شده است و این بی جهت نیست. دستمزدها در این کارخانه بسیار پایین است و حقوق از ۵۰۰ تومان (دختر بچه ها) الی ۲۰۰۰ تومان (کارگران فنی) متفاوت است و همه کارگران به پائین بودن حقوق خود اعتراض دارند.

چگونگی رشد آگاهی و مبارزه کارگران در این کارخانه درسهای بسیار آموزنده ای دارد که تجربه ای است برای همه کارگران. در مبارزه با سرمایه داری ستم سرمایه داری، اغلب کارگران را کاسنی تشکیل می دادند که به تازگی روستاها را ترک کرده بودند تا در شهرها کاری جستجو کنند. استعمار کارگران از همان آغاز بسیار شدید بود. اما کارگرانی که تازه از روستا آمده بودند هنوز خصوصیات کارگری کسب نکرده بودند، یعنی آگاهی آنها در سطح پائینی بود و بی منافع مشترک نبرده بودند، آنها حاصلت های دهقانی داشتند و کارفرما را رباب جدیدی می پنداشتند که لازم بود از او فرما نبرداری کنند. کارگران فکر می کردند که گرجی درازای کار آنها را می کردند که گرجی درازای کار آنها را می کردند و مزدشان را می برد و هنوز بی منافع مشترک نبرده بودند که او نیز مانند همه سرمایه داران دیگر پول بخشی از کار روزانه آنها را نمی برد و از او باین راه سودهای کلانی به جیب می زد. علاوه کارگران فکرمی کردند که سرپرستان دشمن آنها هستند و نه کارفرما. بنابراین بیشتر به جدال با سرپرستان می پرداختند. کارفرما ابتدائی ترین حقوق کارگران را رعایت نمی کرد. حتی اگر کارگری در حین کار بسا کارگر دیگر صحبت می کرد، بر سرش داد می زد و او را به باد کتک می گرفت. اما سرپرست کارگران با کارگرانی که در کارخانه بودند برخورد می کرد و کارگران را به کار می برد و در برابر همه اقداماتی که سدره مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران باشند بکپارچه ایستادگی خواهند کرد.

ماضین تأیید سخنان نماینده کارگران فلزکار اضافه می کنیم که قانون اساسی باید مضمناً ادامه انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری کارگران و زحمتکشان ایران باشد. قانون اساسی فقط در این صورت می تواند مورد تأیید خلقهای ایران باشد. قانون اساسی اگر به صورت مانعی در راه ادامه مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران درآید بدون تردید حربه ای خواهد بود در دست فئودال و سرکوبگران خارجی و داخلی و بی شک مبارزات، خلقهای ایران سند محکومیت چنین قانونی را خیلی زود امضا خواهد کرد.



### ناسزا، شکنجه و زندان

## برای کارگرانی که ضمن قیام مسلحانه دولت را بقدرت رسانیدند

در زیر نامه یکی از کارگران نقاش رامی خوانید که یکسال است بی کار شده. کارگری که پس از تحمل کردن سالها رنج و مشقت مثل دیگر نیروهای مبارز برای سرنگونی رژیم که آنرا عامل همه رنجها و بدبختیهای خود می دید قیام کرد. جز اولین کسانی بود که در نبرد نیروی هوایی شرکت جست. از آنجا مسلحه بیرون آورد و در تمام روزهای قیام پایه پای دیگر هم زمانش ۳ روز جنگید.

این کارگر نقاش که در طول مبارزات یکسال اخیر بیکار شده بود نمی توانست اجاره اطاق کوچکش را بپردازد، با امید فراوان همراه مردمی مثل خودش، راه افتاد بطرف خانه های خالی دولت آباد و صلاح دید تا موقعی که کار پیدا نکرده است در یکی از اطاقهای خالی آنجا زندگی کند. اما هنوز چند روز نگذشته بود که "ندانست" چرا ما موران آمدند به سراغش و با کتک و شکنجه او را بازداشت کردند. بعد به او اتهام خرابکاری و زدنی زدند و تهدیدش کردند که اگر خانه را تخلیه نکند خانه و خانواده اش را به آتش خواهند کشید.

این کارگر ناچار خانه را تخلیه می کند اما از گفته های او پیداست که سرانجام به این واقعیت پی می برد که فقط دولت کارگران است که می تواند نه تنها پاسخگوی مسائل و دشواری های کارگران باشد بلکه ضامن رهایی همه زحمتکشان نیز خواهد بود.

تحویل پاسگاه به دست دولت آباد دادند. سه روز در پاسگاه مربوطه بودیم و برای ما پرونده خلی محکمی درست کردند که عاری از حقیقت بود و به دادگاه ری بردند و محرم شناخته شدیم و تحویل زندان شهرپاسی دادند. پنج روز هم آنجا بودیم که کسی راندنم از من دفاع کند. باره نفرس دیگر هم ما من هم جرم کرده بودند. با داران ادعا کردند که چهار هزار تومان پول داشتیم که کم شده است. اگر ما حاضر به پرداخت آن باشیم برای آزادی ما رضایت می دهند. من که همه این بلاها از پی بولی به سرم آمده بود، دیگر چیزی نداشتم که به آنها بدهم و لسی یازده نفر دیگری که ما من بودند گفتند اگر ما چهار هزار تومان راندیم ما را رد



زندگی مشقت بار کارگران و زحمتکشان و سرکوبی غیرانسانی آنها درس بزرگی است که بما می آموزد "دولت سرمایه داران نمی تواند دشواریهای کارگران و زحمتکشان را حل کند."

زندان نگه می دارند. چون آنها با خاطر پول مارا به زندان آورده اند. دیگر نمی دانم چطور شد. بالاخره ما را از زندان بیرون فرستاده و به یک کلبه که در آنجا راهی نگینم، خانه را باز و بچه ام آتس می رند و منم بخاطر ترس از این حرکت ضد انسانی خانه را خالی کردم و فعلا آواره شده ام. ولی بالاخره فهمیدم که جامعه بی طبقه و عدالت ادعایی چیست. و به این حقیقت پی بردم که دولت سرمایه داران نمی تواند دشواریهای کارگران و زحمتکشان را حل کند.

اجاره سدا کرده و انانی اجاره کنم. با این امیدات خود راه یکی از خانه های خالی بردم که هزاران نفر از مردم بیکار در آنجا نشسته اند ولی نمی دانم چرا وقتی من آنجا بردم، ما موران گشته آمدند و بدین منتهی که حرفی با من نزنند مرا با پشت و لگد به کیمتیه دولت آباد بردند. با این که من پشت زخمی بودم، باز هم مرا کتک زدند. من بی هوش شدم و ما موران رفتند و یازده نفر دیگر را آوردند فراموش نشود چقدر می شود دوازده نفر. و دو نفرشان هم زن بودند که نمی دانم چرا آنها را گرفتند.

من زندانم. کارگر نقاش ساختمان هستم. بازن و دو بچه ام زندگی مشقت باری دارم. زندگی مشقت بار که عسری می کنم، خوب است که برای خوانندگان یک کمی شرح دهم. مثلاً اتان اجاره ای که من و مردم و دو فرزند ما در آن زندگی می کردیم هم اتان خواب من و زنم، هم اتان خواب دو بچه ام و هم اتان نسیم و هم آسیر خانه ما چهار نفر بود.

می بخشید که می خواهم و هم کارگران بهای شما خوانندگان را بگیرم. ساراس خلاصه می کنم. کار من نقاشی ساختمان است. خوب میدانم که کار ما کارگران نقاشی مستند در خانه های مردم فروخته شده اصطلاح شرافتمند می نماند. آمد من از سال ۵۴ به سهم خود مثل همه مبارزان در مبارزه سهمی داشته ام و در مبارزه با زور همانطوری که رفقا و برادران شاهد بودند از جمله اولین کسانی بوده ام که بعد از ۲۴ ساعت مبارزه و بی خوابی اولین اسلحه را از سروری هوایی به دست آورده ام و ۴۸ ساعت با گارد مبارزه کرده ام و بعد از پیروزی انقلاب هم اسلحه راه کیمتیه تحویل داده ام. حالا که یک سال است از کار خیری نیست مجبور هستم که یک جور زندگی و دو بچه خود را نامن کنم. ولی نمی دانم چطور؟

حالا می بخشید در آنرا در می آورم. چون قادر به پرداختن اجاره خانه بودم. دیدم که در دولت آباد هزاران خانه خالی است و مردمی هم که مثل من نمی توانستند اجاره خانه دهند آنجا ساکن شده اند. صلاح را در این دیدم که بروم در یکی از اطاقهای خالی این خانه ها ساکن کنم. تا این که کاری برای ما من زندگی خود و دو دانه

## پیمانکاران خارجی و داخلی همچنان

### حاکم بر سرنوشت کارگران هستند

همانطور که در شماره های قبل اشاره کردیم هنوز نوعی پیمانکاری در اکثر کارخانه ها، شرکتها و مراکز تولیدی حکمفرما است. که یکی از ظالمانه ترین راههای استثمار کارگران به حساب می آید. در این نوع پیمانکاری انگلی، کارگران توسط عده ای واسطه اجیر شده و در خدمت کارفرما درمی آیند و بدینوسیله سهم عمده ای از دستمزد کارگران در اختیار این واسطه ها قرار می گیرد. چندی پیش خبری داشتیم از اعتراض و تحصن گروه کثیری از کارگران صنعت نفت به این نوع پیمانکاری انگلی، که ضمن آن کارگران خواستار برچیدن و انحلال این شرکتها بودند. و حالا نامه ای داریم از یک کارگر صنعت نفت که از زدنی ها و جابجایی های یکی از این پیمانکاران خارجی برده برداشته است.

این شرکت موسسه تاسیساتی سکانت می باشد که در حال حاضر نگهداری موتورخانه شرکت نفت را در تهران به عهده دارد.

ایحسان به عنوان یکی از کارگران تهیه بکی از ادارات شرکت نفت می خواستم درباره وضع این شرکت پیمانکاری و حیف و ملی که از بیت المال و همچنین احصایی که به کارگران می شود به گوش مقامات مسئول برسانم.

در عمل شرکت سکانت با استفاده از نفوذ و رزق و رشوت با مهندسان مسئول شرکت نفت که همگی از کارگران رژیم پیشین می باشند، اس فراوان در این زمینه است.

در موتورخانه تمام ادارات مجموعاً در حدود ۵۲ نفر کارگر می باشند که عنوان استادکار و فرارمند تقسیم می شود یعنی در هر یک از ادارات ها یک استادکار و چندین

### نامه یکی از کارگران نساجی قائم شهر (شاهی)

## ما کارگران چگونه استثمار میشویم؟

بازدهی فقط هفت ساعت کار هریک از ما بیست هزار تومان است

این دستگاه را بلد نیستید و این بهانه ای برای نپرداختن حداقل مزد آن کارگر بود. در مدتی که هر کارگری بعنوان کارگرموت مشغول کاری شود از حق خواب و ۳۵ درصد اضافه کاری و حق اولاد محروم است. وقتی که استخدام بشود، مزایای خیلی کمی به او تعلق می گیرد. اما اگر یک مهندس، یا در سطح بالاتر بخواهد استخدام بشود، اولین حقوقی که می گیرد چهار هزار تومان یا حتی بیشتر است و در مدت خیلی کمی (۵ تا ۶ ماه) حقوقش سه برابر می شود. ما می خواهیم بدانیم این حق کبست که به این نوع اشخاص می دهند؟ مگر کار را کارگر نمی کند؟ پس چرا باید مزد بیشتر را آنها بگیرند؟

ما کارگران بخواهی آگاه هستیم که این آقای مهندس بارش هیچ کاری انجام نمی دهد و از دسترنج ما کارگران تغذیه می کنند و اینها مثل یک هارجلوی مبارزه ما کارگران را می گیرند. اما آنها باید بدانند که ما آگاه هستیم، ما کارگران فقط از یک چیزی ترسیم که آن هم خیلی روشن است که اگر ما آن دیوستان مبارزه کنیم ما را از کارخانه اخراج می کنند و ما به دنبال کار دیگری داریم محبور هستیم در کارخانه کار کنیم. اما اگر بدانیم کارگران دیگر به سرمایه ها ما را در این راه کمک می کنند به مبارزه خود ادامه می دهیم. چون در سال ۱۵۴ اعتصاب کردیم و وعده ای از کارگران را اخراج می زدند و ما که به خانه ای داشتیم و به نیتبانی که به فکر زن و بچه ما باشد واداره بدیرفتن تعهد آنها شدیم.

من یک کارگر هستم. مدت ده سال است که در کارخانه نساجی شماره ۲ شاهی بافنده هستم و کارم بسیار طاقت فرساست. ما اگر تقریباً در عرض ۸ ساعت بسا چهار دستگاه ماشین بافنده کار کنیم. ده هزار تومان محصول بیرون می دهیم و ۸۰۰۰ تومان دستمزد ما روزانه حداکثر ۲۲۰۰ تومان است و صحنه را در دستگاه می خوریم و اگر دونه با هم غذا بخوریم سرپرست با متصدی از این کارمان جلوگیری می کند و نمی گذارد که با هم باشیم چرا که اگر با هم باشیم ممکن است ماشین ها کم می توقف کنند و از این نظر به ما توهین می کند اگر کارگری مریض شود یا نااراحتی خانوادگی داشته باشد آن روز کم کار کند و ساری قسمت ما را تهدید می کنند. دلیلش این است که آنها منافع خود را می خواهند و اگر کارگری در آخر ماه احتیاج به پول داشته باشد و تقاضای دریافت علی الحساب بکند او پول نمی دهند. اما اگر رئیس قسمت ما سرپرست تقاضای وام سی هزار تومانی با پنجاه هزار تومانی بکند، تقاضای او را می پذیرند. مگر ما کارگران نیستیم که در این کارخانه زحمت می کشیم و عرق می ریزیم و انرژی خودمان را در این کارخانه هدر می دهیم؟ چرا باید از حق خودمان محروم باشیم؟ ولی آنها باید بدانند ما کارگران به این زودی از مبارزه ای که در پیش داریم دست بردار نیستیم. ما کارگران سختی های زیادی را تحمل کرده ایم. بعنوان مثال اگر کارگری نوی این کارخانه می آمد، یکسال و نیم او را بعنوان کارگر موقت می شناختند و می گفتند شما کار کردن بسا

## نامه سرگشته کارگران گرما به وزارت کار و امور اجتماعی

شریک است. آنها که تا این زمان با انواع دوز و کلک های خاص خودشان خون ما را مکیده اند و روز بروز از این طریق به سرمایه های خود اضافه کرده اند، مدت ۱۲ ماه است که حق بیمه ما را در حالی که از حقوق ما کم می کنند به بیمه های اجتماعی نمی پردازند. لذا دفترچه های درمانی ما بی اعتبار شده است. چند بار به کارفرما رجوع کرده ایم و از او توضیح خواسته ایم که به چه دلیل نیست را در نظر گرفته اند. جواب سر بالا ما داده است. چند بار برایش شکایت کرده ایم ولی نتیجه ای عایدمان نشده است. آیا این است حکومت و دولت زحمتکشان؟ از نظر شما آقای وزیر کار زحمتکش ما هستی یا کارفرما ها یا ما؟ زور زدن در دوران حکومت دولتی انقلابی هنوز آنها به مکیدن خونهای ما ادامه می دهند و بی اعتنائی شما به این مسئله در حقیقت پشتبانی کردن از آنهاست. آخر ما از کجا بیاییم تا خود را معالجه کنیم؟ ما که بر اثر استثمار کارفرما به بیماریهای بسیار در دواستخوان درد و دافتق دچار گشته ایم...

رونوشت به: روزنامه کار  
رونوشت به: دفتر امام  
رونوشت به: روزنامه آیتدگان.

ما امضا کنندگان این نامه دوتیر، از کارگران گرما بهای تهران هستیم. زمانی که به تهران آمدم یعنی حدود سی چهل سال پیش کارمان همین بوده است. ابتدا چون بزمان تقریباً هماهنگی با هزینه آرزوی زندگی ما نداشت کارمان را ادامه دادیم. ولی بعدها بر اثر اجحافی که در حقمان انجام گرفت و هزینه زندگی مان اضافه گشت این رابطه درآمد و هزینه به هم خورد بطوریکه هزینه زندگی خیلی بیشتر از درآمدمان شد. از طرفی کار دیگری هم بلد نبودیم و مجبور به ادامه این کار شدیم و بازور گوشه ای و دشواریهایی که کارفرما در حقمان می کرد هر روز با فقر و فلاکت بیشتر به زندگی ادامه دادیم. چون ما تنها انسان آوار خانواده هایمان بودیم و ما کارگران متشکل نبودیم، اعتراض کردن همان و گرسنگی دادن هفت هشت نفر زن و بچه هایمان همان. تا اینکه متوجه شدیم که هر روز بیروزگار و کار افتاده ترمی شویم و تا مینی نیز برای آینده نداریم و فهمیدیم ترسی که کارفرما به شیوه های گوناگون بین ما ایجاد کرده بود، یکی از عوامل فلاکت امروزی ماست. به این خاطر این نامه را نوشتیم کارفرمای ما صاحب شش حمام و ساختمان و املاک فراوان است که در سه تالی این حمامها شخصی که وضعی نظیر ما را دارد

## کارفرمای شرکت فریبا حکم وزارت کار را کاغذ باطله میدانند

نپرداخته است. کارگران تا به حال دوباره وزارت کار مراجعه کرده اند و هر دو بار با حضور نماینده کارفرما محکمی مبنی بر پرداختن بدهی های شرکت به کارگران صادر شده است. اما محمد تقصیری در خانه اش مخفی شده و طی نامه ای به رای وزارت کار اعتراض فرموده است. اما با اینکه اعتراض او پذیرفته نشده اقدامی هم در جهت اجرای این حکم بعمل نیامده است.

کارگران شرکت ساختمانی "فریبا" برای تعیین تکلیف با کارفرما در مورد بازگشت به کار و دریافت حقوق عقب افتاده در محل شرکت متحصن شدند. کارگران این شرکت بیش از چهار ماه است دستمزد دریافت نکرده اند. محمد تقصیری صاحب شرکت که از بهمن ماه کار شرکت را متوقف کرده حاضر به شروع کار نیست. وی هنوز دستمزد وعیدی عقب افتاده سال ۷۲ به کارگران

ریال و حد اکثره چندین نفر مسلحی در حدود ۱۵۰۰ ریال از طرف سکانت برداخت می شود و همچنین به هر نفر از افراد مسلحی بین ۴۵۰ تا ۸۰۰ ریال از طرف سکانت پرداخت می شود که می توانستند با تقاضای مطالبه ذکر شده را بسیندگی جقدر زیاد است و در این میان شرکت سکانت هیچگونه کاری انجام نمی دهد و تمام کارهای موقر خانه توسط کارگران انجام می شود و در این بین شرکت سکانت واسطه عفت خوری پیش نموده که منافع هنگینی با شرکت از شرکت نفت دریافت نموده و مبلغ ناچیزی را به کارگران می پردازد و پول ملت این چنین توسط یک شرکت پیمانکاری به هدر می رود گذشته از حیف و میل فوق تمام سواستق کار کارگران نیز با عوض شدن پیمانکار از سوی می رود. مثلاً کارگرانی هستند که در حدود شاد یا ندره سال سابقه کار در موتورخانه اداره مرکزی دارند ولی سواستق کار آنها توسط شرکت پیمانکار به وسیله مبلغ ناچیزی خریداری شده و عمر سابقه کار آنها برابر با عمر پیمانکار جدید است. ما بوجه به مطالب فوق ما کارگران تهیه شرکت نفت هر چه زودتر از مقامات مسئول می خواهیم دست پیمانکار فوق را کوتاه کرده و تمام امور موتورخانه ما را به خود ما کارگران واگذار نموده و مستقماً ما را به استخدام شرکت نفت درآورد و همجنس خواهان تصفیه هر چه زودتر مهیدسن وابسته به رژیم سابق کسه هم اکنون در دست خودشان باقی مانده اند می باشیم. ما فعلاً هم از طریق کمیته اسلامی مستقر در اداره مرکزی شرکت نفت در این مورد شکایتی تسلیم کرده ام ولی هیچگونه جوابی دریافت نشده است.

یک کارگر تهیه شرکت نفت

# پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

تاریخچه جنبش کارگری جهان

تشکیل اولین حکومت کارگری جهان  
(کمون پاریس)

قسمت اول: اعتلای جنبش انقلابی در فرانسه

مقدمه

در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ میلادی (۲۷ اسفند ۱۲۵۰ هجری شمسی) پرولتاریا و مردم زحمتکش پاریس قهرمانانه قیام کردند و در میان آتش و خون اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس) را بوجود آوردند. این نخستین کوششی بود که برای سرنگونی بورژوازی و استقرار حکومت پرولتاریا صورت گرفت. قیام پاریس سرصل تمام آن انقلاب عظیم اجتماعی است که با هدف رها کردن بشریت از بند جامعه طبقاتی صورت گرفته است. در حالیکه در پاریس جنگ بیدامی کرد مارکس اموزگار پرولتاریای جهان نوشت: "حتی اگر کمون پاریس سرکوب شود مبارزه تنها قدری به تاخیر خواهد افتاد... سرنوشت کمون پاریس هر چه باشد، این قیام در جهان تاثیر شگرفی برجای خواهد گذاشت."

گذشت زمان صحت این پیش بینی دایمانه را به ثبوت رساند.

جنگ فرانسه - آلمان

از زمان حکومت لوئی بناپارت (ناپلئون سوم که در ۱۸۵۱ با کودتای خود را امپراتور فرانسه خواند، سرمایه داری در فرانسه بطور قابل ملاحظه ای توسعه یافت. این امر فقر روز افزون پرولتاریا و توده های وسیع مردم فرانسه را موجب شد. ناپلئون سوم منظور حفظ منافع اشرافیت مالی و بورژوازی (سرمایه داری) بزرگ، دستگاه ارتش، پلیس، بوروکراسی (دستگاه اداری) را در ابعاد وسیع گسترش داد. از این نیروها در داخل کشور برای سرکوب و استثمار مردم و در خارج برای دست زدن به جنگهای توسعه طلبانه و غارت خلق های کشورهای کوچکتر استفاده می شد. این جنگهای توسعه طلبانه لطفاً جانی و مالی سنگینی در برداشت که البته قربانیان این جنگها (خواه از نظر جانی و خواه از نظر مشار اقتصادی) زحمتکشان بودند. بعد از بحران اقتصادی سال ۱۸۵۷ م. (۱۲۳۶ هجری شمسی) اروپا شاهد اوج گیری تدریجی مبارزات و مقاومت مردم این قاره و در رأس آن طبقه کارگر فرانسه بود. یک سری اعتصابات کارگری در سال ۱۸۶۹ قدرت ارتجاعی طبقات حاکم در فرانسه را بیش از پیش متزلزل کرده بود. ناپلئون سوم منظور منحرف کردن اذهان عمومی و جلوگیری از انقلاب، درصدد

برافروختن آتش جنگ در خارج از مرزها بود. اما جنگ بر علیه چه دولتی؟ ناپلئون سوم دولت پروس را انتخاب کرد. این جنگ می توانست جاه طلبی های جنون آمیز و دیرینه هیئت حاکمه فرانسه را ارضاء کند. فرانسه از یکسو چشم طمع به منطقه "رئانی" داشت و از سوی دیگر در نظر داشت بمنظور حفظ تسلطش بر اروپا از وحدت آلمان جلوگیری کند. اما در آلمان، ضرورت زمان چیز دیگری بود. این کشور به علت غلبه نظام ملوک الطوائفی به "دول" متعدد و مستقل تقسیم شده بود. این وضعیت شدت به رشد سرمایه داری در این کشور لطمه می زد. بورژوازی بزرگ آلمان سی صبرانه مشتاق تحقق یافتن وحدت آلمان بود. در سال ۱۸۶۱ بسمارک صدراعظم پروس شد و "سیاست خون و آهن" را که مبتنی بر قتل عام مردم در داخل و جنگ افروزی در خارج بود، با شدت هر چه بیشتر دنبال کرد. به این ترتیب بود که بورژوازی بزرگ و مالکان بزرگ آلمان بمنظور تضعیف فرانسه و اشغال الزاس و لورن در پی جنگ با این کشور بودند. در چنین اوضاع و احوالی بود که در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۴۹ هجری شمسی) دولتهای فرانسه و آلمان درگیر جنگ شدند. در این جنگ ارتش فرانسه دچار شکستهای پی در پی شد و ارتش آلمان توانست وارد خاک فرانسه شود. سرانجام ناپلئون سوم در دوم سپتامبر در نبرد "سدان" کاملاً شکست خورد و تسلیم شد.

هنگامیکه خبر تسلیم ارتش فرانسه در نبرد "سدان" به پاریس رسید خشم شدیدی مردم را فرا گرفت. روز ۴ سپتامبر قیام در پاریس آغاز شد. کارگران و زحمتکشان و سربازان در شهر سنگرهای خیابانی برپا کردند و خواستار سرنگونی امپراطوری و شروع جنگ مقاومت شدند. توده های انقلابی قصر سلطنتی را محاصره کردند و بعد از حمله به مجلس نمایندگان اشغال شهرداری، سقوط امپراطوری و استقرار جمهوری پروری کار آمدن دولت موقت را اعلام کردند. امپراطوری فرانسه همچون یک قصر مقوای فروریخت و جمهوری سوم متولد شد. اما کارگران بعلت عدم آگاهی در آن زمان نتوانستند ماهیت حزب بورژوازی جمهوریخواه را که حکومت را بدست گرفته بود، دریابند. به این ترتیب بورژوازی موقت شد قدرت را بدست گیرد. "تروخو" ژنرال مرتجع ارتش ناپلئون سوم در رأس دولت موقت قرار



اعلام تشکیل اولین حکومت کارگری (کمون پاریس) در میدان جلوی هتل "دوویل" ۲۸ مارس ۱۸۷۱

تشکیل دولت موقت

دمکراتیک انقلابی نیکاراگوئه

سهرلئون در روز ۲۸ خرداد به صرف چریکهای ساندنیست درآمد. لئون ارمو موقت سوی الحشی مهمی بر خوردار اس و بر یک شاهراه مهمی نیکاراگوئه و همجنس بر کورینتو سدر مهم کشور واقع در اقیانوس آرام مسلط است. ارتباطات تلفنی با این منطقه مسدود شده است که قطع شده ولی طمس

جنبش انقلابی خلق نیکاراگوئه به رهبری جنبه آزادی بخش ساندنیستا در نقطه اوج نبرد انقلابی است. همچنان که در اخبار شنیده ام بخشهای وسیعی از کشور نیکاراگوئه آزاد شده و نیرو در بخشهای زیر سلطه سوموزای دیکتاتور و عامل امپریالیسم به شدت ادامه دارد. از طرف انقلابیون حکومت موقتی

گرفت. سایر اعضای دولت نیز از میان نمایندگان بورژوازی بودند. آنها برای فریب خلق دولت موقت را "دولت دفاع ملی" نام نهادند. اما در واقع دولت مذکور چیزی جز یک "دولت خیانت ملی" نبود. دولت موقت از دول اروپایی تقاضا کرد که بعنوان میانجی در جنگ بین فرانسه و آلمان مداخله کنند و مخفیانه نمایندگان را برای مذاکره درباره صلح نزد دولت پروس فرستاد. از سوی دیگر دولت موقت سعی می کرده همه نیروهای ارتجاعی را برای سرکوب خلق که دست به قیام زده بود متحد و بسج کند.

حوادثی که زمینه ساز قیام پاریس شد

از برکت سیاست خیانت و بارشکاری دولت "دفاع ملی". لشکریان پروس بسرعت پیشروی کردند و به پیشرفت دروازه های پاریس رسیدند. اوضاع و احوال بشدت بحرانی شد. جنگ سه خلق آموخته بود که "طبقه کارگر باید حق آزاد سازی خویش را در عرصه سر د به جنگ آورد"

پرولتاریای پاریس اسارت و بردگی را قاطعانه رد کرد و تصمیم گرفت اسلحه بردارد و مدت کوتاهی گارد ملی را که مرکب از ۱۵۴ گردان شامل حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر بود بوجود آورد. سپس ارگنان فرماندهی خاص خویش یعنی کمیته مرکزی گارد ملی را ایجاد کرد.

به این ترتیب طبقه کارگر پاریس می توانست نه تنها آزادی خویش بلکه از منافع تمامی خلق فرانسه دفاع کند. خیانت و سازشکاری دولت "دفاع ملی" موجب خشم مردم پاریس شده بود. دو قیام مسلحانه بی دردی در ماه اکتبر ۱۸۷۰ و ژانویه ۱۸۷۱ م وقوع پیوسته و با وجود سرکوب بی رحمانه ارتجاع، کارگران سلاحهای خود را به زمین نگذاشتند و تحت رهبری کمیته مرکزی گارد ملی به تعویب نیروهای نظامی خود پرداختند. دولت دفاع ملی سخت گران بود و سرسردو راهی. اگر چه تسلیم بلا شرط به ارتش پروس مصراتی در برداشت اما به دولت امکان می داد که سلطه اش را حفظ کند و چون گذشته بر خلق حکومت کند. برعکس اگر اجازه می داد تا کارگران مسلح ارتش تجاوز کار را شکست دهند. سلطه ارتجاعی این سرمایه داری می شد. پس به این ترتیب "در جدال بین طبقه ملی و منافع طبقاتی این دولت "دفاع ملی" یک لحظه هم تردید بخود راه نداد و بسرعت بصورت "دولت شکست ملی" درآمد

روز ۲۸ فوریه سال ۱۸۷۱ میلادی، دولت فرانسه فرار داد ترک محاصره بسا پروس را امضا کرد. اندکی قبل از آن مالکان بزرگ، بورژوازی، بورژوازی بزرگ و خاندانداران امپراطوری (سلطنت طلبان) یک مجمع ملی تشکیل داده بودند. این مجمع ملی سپس یک دولت دائمی بو زوایی را که "تی بر" در رأس آن قرار داشت، برگزید. تی بر یک صدام انقلابی توپخانه گر، یک عنصر دوجبهه بدنام، و یک روباها مکار و سود جو بود. تی بر که سخت مشتاق سرکوب انقلابیون بود، به محض رسیدن مقدرت کوشید، به هرنفیت که شده قرارداد صلحی را که در واقع خیانت به کشور بود، امضا رساند. بر طبق این قرارداد، "الزاس" و "لورن" به پروس تعلق می گرفت و مبلغ ۵ میلیارد فرانک بعنوان غرامت جنگ به آلمان پرداخت می شد. پس از اینکه این قرارداد در ۲۸ فوریه امضا رسید. "تی بر" تمام نیروی خویش را برای حمله به پرولتاریای پاریس بسیج کرد. در شماره آینده درباره قیام کارگران و اسرار اولین حکومت کارگران (کمون پاریس) و افداماتی که این دولت برای کارگران، زحمتکشان و تمام خلق انجام داد، صحبت خواهیم کرد.

تحت عنوان دولت دمکراتیک انقلابی تشکیل شده و از دولتهای جهان تقاضای شناسائی کرده است. چند صاخی سن از عمر رژیم سوموزا باقی نموده است. خلقهای جهان هر آن انتظار، قوط ایس رژیم و پیروزی قطعی خلق نیکاراگوئه به رهبری جنبه آزادی بخش ساندنیستا را دارند.

این پیروزی خلقهای جهان را تحت تادولی امپریالیسم و خصموس



امپریالیسم امریکا را سخت خشمگین کرده است. امپریالیسم امریکا که اسبک مرگ حکومت دست نشانده خود یعنی سوموزا را نزدیک می بیند می خواهد با روی کار آوردن یک حکومت سازشکار با چهره لبرال منافع خویش را حفظ کند. در همین رابطه است که سعی دارد با اعزام "سپاه صلح" به نیکاراگوئه مانع پیروزی خلق به رهبری جنبه ساندنیست شود. در زیر گزارشی از نبردهای چند روز اخیر در جنبه جنگ نیکاراگوئه را می آوریم

مخالفت با رژیم جزیره دومینیکا اوج میگردد

اعتصابی که از ۹ خرداد به دعوت رهبران اتحادیه های کارگری آغاز شده است تقریباً تمام معالیه های اقتصادی این جزیره کوچک واقع در دریای کارائیب را متوقف کرده است. اعتصابیون خواستار استعفا پاتریک جان "نخست وزیر" این جزیره شده اند. برای اطلاع بیشتر به "کار" شماره ۱۵ مراجعه کنید.

گزارش شاهدان عینی جنگ شدیدی در جی جی گالواچینا در جریان دارد. و حرکتها اکثر مناطق این دوسه را تحت کنترل دارد و پادگانهای محلی گارد ملی در محاصره حرکتها است.

جریکها دوسه مهم شمالی را سر تحت کنترل خود در آورده اند. جنگی گارد ملی سوموزا نتوانست که جریکها دهکده های بیاس لانا کاس واقع در مرز کونستراکویا را در تصرف خود دارد.

بر طبق گزارش خبر گزارها سپاه وسمپهای شرقی ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه در اختیار جریکها است و آنها سر فرماندهی موقت خود را در آنجا پذیر کرده اند. جریکها نسبت به اوضاع بسیار خوشبین هستند و یکی از آنها گفت که دوران سوموزا دیگر سر آمده است و تکلیف رژیم او در ظرف چندین روز و نه چندین هفته تعیین خواهد شد. "جولبولویز" یکی از رهبران جنبش متحد خلق به یکی از خبرنگاران که به ستاد سر فرماندهی موقت جریکها واقع در شرق ماناگوارفته بود گفت: "شماره اتحاد را ماناگوارا هستند. این منطقه آزاد شده است و جریکهای ساندنیست تمامی منطقه را از نظر سیاسی و نظامی کنترل می کنند". او همچنین گفت: "روحیه گارد ملی درهم شکسته است."

در خیابانهای مجاور ستاد سر فرماندهی زنها و بچه های صفا ستاده بودند تا مواد غذایی را که توسط جریکها توزیع می شد دریافت کنند.

به گفته یک جنگجوی صلب سرح و صعب درماناگوارا در بیماران رژیم سوموزا خیلی وخیم تر از وضعی است که بعد از زلزله سال ۱۹۷۰ به وجود آمده بود. (این زلزله اکثر نقاط ماناگوارا و برانه های تبدیل کرده بود). یکی دیگر از افرادی که در ستاد سر فرماندهی جریکها در شرق ماناگوا با خبرنگاران مصاحبه کرد "کارلوس نونز" بود. او که ۲۷ سال دارد و یک جریک با تجربه است گفت: "راه دیگری جز ادامه مبارزه کنونی تا کس پیروزی نهایی وجود ندارد". او همچنین گفت: "سوموزا در بیماران و کشتار مردم هیچ تردیدی به خود راه نداده و ما فکر نمی کنیم که بقیه در صفحه ۱۱

توضیح دو اشتباه:

در کار شماره ۱۵ نام این جزیره "دومینیک" ذکر شده و نام صحیح آن "دومینیکا" است (با جمهوری دومینیک اشتباه نشود). پایتخت این کشور "روسا" است که اشتباها "دوسا" نوشته شده است.



# تاریخچه و منشاء رویزیونیسم در جنبش کمونیستی (۱)

# تئوری «سوسیال امپریالیزم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۱)

نخستین پرچمدار رویزیونیسم با تجدیدنظر طلبی در اصول اساسی و جهانشمول مارکسیسم، برنشتین (۱۸۵۰-۱۹۳۲) از اعضای حزب سوسیال دموکرات آلمان بود. برنشتین زیر پوشش تکامل مارکسیسم به مبارزه با مارکسیسم برخاست و با اعلام این مطلب که آموزشهای مارکس نیاز به اصلاح و تجدیدنظر دارد، پرچم رویزیونیسم را برافراشت. لنین برنشتین را کاملترین نمونه تجدیدنظر طلبی (رویزیونیسم) معرفی کرده است به همین دلیل است که رویزیونیسم را "قانون برنشتین" نیز می خوانند.

پس از مرگ انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) برنشتین و کائوتسکی، رهبری انترناسیونال را بدست گرفتند و با تمام قدرت خود به اصول اساسی و عام مارکسیسم حمله کردند. این دو تن و هواداران آنها با قلب و تحریف مارکسیسم چنین وانمود می کردند که اصول مارکسیسم کهنه شده است.

در انترناسیونال دوم (بین الملل - دوم) کائوتسکی و برنشتین همه اصول اساسی مارکسیسم را مورد تجدیدنظر قرار دادند. این دودر حوزة سیاسی، اصول مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا را که از مهمترین اصول مارکسیسم است، کهنه شده اعلام کردند و گوشتند "سازش طبقاتی" و "گذار مسالمت آمیز" را جانشین دیکتاتوری پرولتاریا و تسخیر قهر آمیز قدرت سیاسی کنند. در حوزة فلسفی نیز، رویزیونیست های بین الملل دوم، فلسفه های ارتجاعی را در برابر ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی قرار دادند و حتی در حوزة اقتصاد سیاسی نیز نظریه "ارزش اضافی" را مورد تجدیدنظر قرار دادند. لنین پیشوای بزرگ پرولتاریا با تلاشی خستگی ناپذیر با رویزیونیسم به پیکار برخاست. هر روز شکستی تازه بر آن وارد ساخت و سرانجام در جریان این مبارزات، مارکسیسم به مارکسیسم - لنینیسم تکامل یافت.

هگل گرایان چپ معروف بودند، تصفیه حساب کردند و در اواخر دهه ۴۰ در زمینه اقتصاد سیاسی با افکار انحرافی پرودون فرانسه از نفوذ زیادی برخوردار و رهبری سوسیالیستهای فرانسه را به عهده داشت، به مبارزه برخاستند. در دهه ۱۸۶۰ مارکس و انگلس با تارشیستها (هرج و مرج طلبان) که جنبش کارگری را به انحراف می کشاندند مبارزه کردند. تارشیستها سرانجام از انترناسیونال اول (بین - الملل اول) اخراج شدند. در دهه ۱۸۷۰ یک معلم آلمانی به نام "دورینگ" به جنگ مارکسیسم می آمد اما او نیز - نیمی توان در برابر منطق نیرومند مارکسیسم تاب نیاورد و نفوذ خود را که از آغاز هم اندک بود، از دست می دهد. در اواخر دهه ۷۰، دیگر مارکسیسم پر اکثر ایدئولوژی های بورژوازی که در جنبش کارگری خود نمایی می کردند غلبه کرده بود و اعتبار آن در جنبش کارگری به سرعت روبه فزونی بود.

از این پس برای بورژوازی بهترین راه مبارزه با مارکسیسم، پذیرش مارکسیسم و نفوذ در جنبش کمونیستی بود. بورژوازی از این مرحله به بعد می گوشت قبیای مارکسیسم به تن کند و به بهانه تطبیق خلاق اصول مارکسیسم با شرایط جدید در احکام و قوانین عام آن تجدید نظر کند و بدینسان رویزیونیسم یا "تجدیدنظر طلبی" در جنبش کمونیستی پایه عرصه وجود می گذارد. لنین در "مقدرات تاریخی آموزش کارل مارکس" چنین می نویسد: "دیالکتیک تاریخ به گونه ای است که پیروزی مارکسیسم در زمینه تئوری، دشمنان آن را وای می دزد قبیای مارکسیسم به تن کنند. لیبرالیسم که از درون پوسیده است می گوشت در قالب سبب اپورتونیسم سوسیالیستی جانی تازه بگیرد. مادر بحث های آینده در باره چگونگی نفوذ ایدئولوژی های بورژوازی در جنبش کمونیستی و بطور کلی سرچشمه رویزیونیسم توضیحات بیشتری خواهیم داد.

از نیمه نخست قرن نوزدهم، تضادهای جوامع سرمایه داری روزه روز شدت بیشتری می باید و طبقه کارگر که رسالت به گور سپردن سرمایه داری و رهائی انسان را از قید استثمار به عهده دارد، مبارزات خود را پیوسته شدت می بخشد. همراه با روح گیری مبارزات طبقه کارگر در اروپا، پنداره های خیال - پردازانه کسانی که سازش طبقاتی و اصلاح پذیر بودن سرمایه داران و سرمایه داری را موعظه می کردند، به تدریج اعتبار خود را از دست می دهد و مارکسیسم یا ایدئولوژی طبقه کارگر که برواقعیت های انگارناپذیر جامعه و بر آخرین دستاوردهای علم و فلسفه آن زمان استوار است، از دل جنبش کارگری پایه میدان می گذارد. از آغاز پیدایش مارکسیسم، سرمایه داری در هر فرصتی و با هر وسیله ای که در اختیار داشت، برای جلوگیری از ترویج و تکامل مارکسیسم و بی اعتبار ساختن آن تلاش کرد.

پروفسورهای خود فروخته و عالم نمایان دست آموز و جیره خوار سرمایه داری تقریباً از آغاز تولد مارکسیسم تا به امروز برای مبارزه با مارکسیسم دهها و بلکه صدها کتاب من درآوردی و مبتذل اختراع کردند. در طول این مدت، حتی اگر بی ذوق ترین و بی استعدادترین آدمها نیز لباس بی قواره مبارزه با مارکسیسم از سرمایه داری را برداشتنند، مسودد پشتبانی خدایان سرمایه داری قرار گرفتند و هنوز هم چنین است.

لیکن مارکسیسم این دانشش شوکانی، این سلاح رهائی بخش طبقه کارگر و این یگانه دشمن واقعی استثمار یک تنه با همه نظریه ها و فرضیه های ارتجاعی جنگید و در هر نبردی که با مدافعان سرمایه داری به انجام رسانید، تکامل یافته تر و آبدیده تر از پیشین بود. کارزارهای بعدی و نبردهایی شد.

در نیمه نخست دهه ۱۸۴۰، مارکس و انگلس که به زودی به عنوان پیشوایان پرولتاریای جهان و بنیانگذاران اصول مارکسیسم شناخته شدند، با ایده آلیست های پیرو هگل که به

بورژوازی خواندند. و اعلام داشتند که سرمایه داری در روسیه احیا شده است. بطور کلی می توان گفت که از بعد انقلاب اکتبر تاکنون، کوشش در جهت قلب ماهیت دولت شوروی و اثبات این ادعا که در شوروی سرمایه داری به قوت خود باقی است و با دوباره احیاء شده است، باشد ادامه داشته است و مدعیان برای اثبات عقاید نادرست و ضد مارکسیستی خود بارها احکام اساسی مارکسیسم - لنینیسم را تحریف یا نقض کرده اند. این کوششها پس از گذر بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و اعلام مواضع رویزیونیستی و خائنه خروشچف و دارودسته ها خواه او که در اصول عام و جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم تجدیدنظر کردند. اوج تازه ای به خود گرفت.

بطور کلی از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد بسیاری از کسانی که خواسته اند نظام شوروی را "سرمایه داری دولتی" بخوانند از سخنرانی خروشچف در کنفرانس بیستم مواضع تجدیدنظر طلبانه ای که او و دیگر رهبران حزب پس از کنفرانس بیستم اتخاذ کرده اند بهره برداری نموده اند.

بنابراین برخلاف این تصور که "نظریه سرمایه داری دولتی" پس از کنفرانس بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی به وجود آمده و مبتکر آن مائوتسه دون و دیگر رهبران حزب کمونیست چین بوده اند، در واقع این نظریه از بعد انقلاب اکتبر وجود داشته و آغازگران آن کسانی بوده اند که انقلاب سوسیالیستی را در شوروی محال می دانستند و لنین پیشوای بزرگ پرولتاریای جهان در آثار دایمانه خود ماهیت بورژوازی آنان را اثبات کرده است.

امروز کار برخی از هواداران این نظریه به جایی رسیده که به اصطلاح "سوسیال امپریالیزم" شوروی را "اگر قدرتی خطرناکتر از امپریالیزم آمریکا می دانند. اینها که مدعیند پرچم مبارزه با رویزیونیسم را برافراشته اند عملاً در راهی قدم برمی دارند که خود سراسر آغشته به رویزیونیسم یعنی تجدیدنظر در اصول اساسی و مسلم مارکسیسم - لنینیسم است و می توان گفت که ادامه همان راهی است که "کائوتسکی" و دیگر مرتدان جنبش کمونیستی آغاز گر آن بوده اند.

بیش از نیم قرن پیش، یکی از کسانی که سالها بود زیر پوشش طرفداری از مارکسیسم، اصول مسلم مارکسیسم را کهنه می خواند و می گوشت تا جنبش کارگری را به انحراف کشاند، دولت کارگری شوروی را سرمایه داری دولتی نامید. این شخص همان کارل - کائوتسکی بود که لنین برای افشای خیانت های او و بارانش که خود را ادامه دهندگان راه مارکس و انگلس قلمداد می کردند، اما عملاً همه اصول انقلابی مارکسیسم را تحریف کرده و با مورد تجدیدنظر قرار داده بودند، سالها مبارزه کرد و در آثار خود به ویژه "دولت و انقلاب" و "انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد" چهره واقعی آنان و پایگاه طبقاتی آنان را نشان داد و بی پایگی عقاید و نظرات آنها را به اثبات رساند.

کائوتسکی و بسیاری از رهبران حزب سوسیال - دموکرات آلمان و دیگر کشورهای اروپائی، امکان انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگران را در روسیه غیر ممکن می دانستند و می گفتند از آنجا که سرمایه داری در روسیه رشد کافی نکرده و سطح تکامل نیروهای مولد به درجای که برای انقلاب سوسیالیستی لازم است نرسیده، بنابراین امکان موفقیت انقلاب سوسیالیستی در روسیه وجود ندارد. البته آنها در تلاش دیگری نیز می آوردند که مافعلاً از ذکر آنها صرف نظر می کنیم.

پس از پیروزی انقلاب کبیرا کتبر و استقرار حکومت شوروا، سوسیال دموکراتها این حکومت را در مقایسه با دموکراسی بورژوازی گامی به عقب خواندند. یکسال و نیم پس از انقلاب اکتبر، کائوتسکی اتحاد جماهیر شوروی را "سرمایه داری دولتی" نامید و گفت که اینک "طبقه جدیدی از بورژوازیها بر شوروی حکومت می کند.

تارشیستهای روسیه نیز پس از به قدرت رسیدن طبقه کارگر در شوروی اعلام داشتند که در این کشور "دیکتاتوری حزب" حاکم شده است. آنها بر این گفته با کونین که دولت را سرچشمه همه منتهای اجتماعی می دانست تأکید کرده و با دولت کارگران به دشمنی برخاستند.

بسیار آنکه دولت اتحاد شوروی سیاست اقتصادی جدید "خود را اعلام کرد (۱۹۲۱) گرامشهای چپ روانه انترناسیونال سوم (بین الملل سوم) نیز این سیاست را گامی در جهت تقویت

## تشکیل دولت موقت ...

بقیه از صفحه ۱۰

سوموزا به میل خودش قدرت را هاکند. اوقفظ به وسیله زور تسلیم خواهد شد و در نتیجه ما مجبوریم از طریق یک مبارزه مسلحانه انقلابی به پیروزی برسیم. او همچنین امکان مداخله قدرتهای خارجی را رد کرد و گفت: اگر نیروی خارجی مداخله کند مبارزه همچنان ادامه خواهد یافت. در جنوب نیز یک ستون ۷۰۰ نفری از چریکها برای تصرف "ریواس" مبارزه می کنند. آنها در حال حاضر قسمتهایی از حومه شهر را در کنترل خود دارند.

هفته گذشته جبهه آزادی بخش ملی - اندینستایخ نغز را به عنوان اعضا تشکیل دهنده دولت موقت "شورای انقلابی" معرفی کرد. هدف این شورای انقلابی موقت، سرنگونی سوموزا، انجام انتخابات آزاد و برقراری یک دولت "اتحاد ملی" است. یکی از اعضا گروه پنج نفری به نام مویز (موسی) حسن که پروفسور دانشگاه است و ۲۷ سال دارد، گفت: "دولت موقت واقف است که وزارت کشور نباشد و مقروض خواهد بود و

## دستگیری رهبران اتحادیه های کارگری استرالیا ادامه دارد

داد. دولت استرالیا چند سال قبل به کمک پلیس کشور و حمایت سرمایه داران بزرگ انگلیس و آمریکا از طریق یک "شه کودتا" به روی کار آمد. ۵۰٪ سرمایه گذارهای صنایع سنگین استرالیا به آمریکا اختصاص دارد. کارگران گفته اند که اگر دادگاه کارگران دستگیر شده را مجرم بشناسد حکم دادگاه را به رسمیت نخواهند شناخت.

تعداد رهبران اتحادیه های کارگری که ظرف دو هفته اخیر توسط پلیس استرالیا دستگیر شده اند به ۱۰ نفر می رسد. کارگران قرار است به عنوان اعتراض به دستگیری رهبرانشان دست به اعتصاب بزنند. نخست وزیر استرالیا با خودداری از تقاضای کارگران مبنی بر رسیدگی به وضعیت کارگران دستگیر شده ماهیت ضد کارگری خود را نشان

## حداقل یکماه ...

بقیه از صفحه ۱۲

مصوب ۵۳/۲/۷. "هر کارگر به ازای یک سال کار در شش ماه اول کار برای هر ماه یکروز و در شش ماه دوم کار برای هر دو ماه یکروز که مجموعاً از نه روز تجاوز نخواهد کرد حق استفاده از مرخصی با دریافت مزد و یا حقوق خواهد داشت."

ماده ۵۸ این نامه مربوط به مدت کار تعطیلات، مرخصی ها، مزد و حقوق کارگران ماهیگیر و ملاحان و کارکنان کشتی ها.

"کارگران ماهیگیر که در کشتی های ماهیگیری بکار اشتغال دارند به ازای هر سی روز کار حق استفاده از دوروز مرخصی با دریافت مزد را خواهند داشت."

وجود چنین بهره کشی های شدید و تلاش زیاد برای محدود کردن ایام مرخصی کارگران و در حقیقت سعی در کاهش عمر کارگران از خصوصیات سرمایه داری وابسته در کشورهای تحت سلطه از جمله ایران است. و همین شرایط مناسب است که سرمایه داران خارجی را چنان مشتاق سرمایه گذاری در ایران کرده است. اما کارگران مبارز ما مدتهاست که با چنین بهره کشی شدیدی مبارزه می کنند. بخصوص اکنون که با قیام قهرمانانه خود رژیم دیکتاتوری پهلوی و سرنگون کرده اند و آگاهی و تشکل آنها از جمله در شوراهای به میزان زیادی افزایش یافته است، بسا تمام قوا می خواهند که اولاً حقوق ابتدائی آنان به رسمیت شناخته شود و ثانیاً این تبعیض ها از میان برداشته شود و همه کارگران و کارمندان از مدت پکسان مرخصی سالانه (حداقل یکماه در سال) استفاده کنند.

## اعتصاب و تظاهرات صدها هزار کارگر در هلند

روز سه شنبه ۲۹ خرداد صدها هزار کارگر به خاطر اعتراض به تقلیل بودجه خدمات عمومی دست به اعتصاب یکروزه زدند. در همین روز حدود پنج هزار کارگر دست به راهپیمایی باشکوهی زدند. این تظاهرات و اعتصابات به دعوت اتحادیه های کارگری انجام شد. در نتیجه این اعتصاب سربوهای اتوبوس و سایر خدمات عمومی دچار اختلال شدند. این تظاهرات دومین تظاهرات در سراسر خود در طول سال جاری بوده است.

\* \* \*

# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

معدنچیان اسکاتلند تقاضای ۶۰٪ اضافه دستمزد کردند. اسکاتلند معدنچیان اسکاتلند تقاضای ۶۰٪ اضافه دستمزد کرده اند. و اظهار کرده اند که در صورت پذیرفته نشدن درخواستشان دست به اعتصاب خواهند زد. اگر تقاضای این کارگران پذیرفته شود، حقوق آنها به ۱۴۰ پوند در هفته (معادل ۲۱۰۰ تومان) خواهد رسید. معدنچیان اسکاتلندی از مبارزترین کارگران بریتانیا هستند.

انگلستان - مذاکرات کارفرماها و اتحادیه های کارگری صنایع شیمیائی که به هزار کارگر را نمایندگی می کنند از روز جمعه ۲۵ خرداد آغاز می شود درخواست کارگران اضافه دستمزدی بالغ بر ۲۰٪ است. کارفرمایان تا به حال اضافه دستمزدی معادل ۱۴٪ را پذیرفته اند ولی کارگران متحدان آن را رد کرده اند. کارگران اعلام داشته اند که در صورت پذیرفته نشدن تقاضاها ایشان دست به اعتصاب خواهند زد.

### وزیر امور خارجه در نامه‌ای به نشریه کار

### حرف خود را پس گرفت و ظاهراً

### محکومیت غیابی

### شاه مخلوع را پذیرفت

دولت موقت انقلاب اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات  
شماره ۲۵/۷۴۰-۶/۸۹۰  
تاریخ ۵۸/۳/۲۷  
پست

بسمه تعالی

مدیر محترم روزنامه کار

در شماره مورخ ۱۳۵۸/۳/۱۰ آن روزنامه شرحی تحت عنوان "آقای یزدی بستنیانی صریح شعا از آمریکا مبارزات صدامیربالیستی مردم را کاهش نخواهد داد" مرقوم داشته‌اند که ضروری می‌دانم از طریق آن روزنامه به اطلاع عموم رسانم.

۱- همانطوریکه شما نقل کرده‌اید معتقدم که مردم و ملت ایران با ملت و مردم آمریکا است که سرچنگ دارد، بلکه ما با روشها و سببهای عملی دولت و هیئت حاکمه آمریکا است که روپرو هستیم. روابط میان ملت‌های توند و با همه دوستان و اسانی و بی‌بازدارانه، بر حسب معتقدات، باشد. کسانی که می‌گویند انقلاب اسلامی ما را ضد مردم آمریکا، با صدامیربالیستی‌شان بدهند اینها ندانسته آب به آسیاب صدام انقلاب و صهیونیسم می‌ریزند.

۲- از قول اینجانب نقل کرده‌اید که محکومیت شاه سابق احتمالی اساس است. چنین سخنی از من بکلی بی‌اساس است و تکذیب می‌شود. کذب محض و ساخته و پرداخته ذهن کسی است که می‌گویند تا با ناعه آکاذیب طرفی سیرای خود برینند.

خواهشمند است دستور فرمایند مطالب این نامه را در صفحه اول روزنامه کار درج کنند.

دکتر ابراهیم یزدی - وزیر امور خارجه



درباره روابط میان ملت‌ها البته همانگونه که آقای یزدی گفته‌اند روابط میان ملت‌های توند و باید دوستانه باشد. در این شکی نیست ولی همه می‌دانند که اسناد فعالیت‌های حیاتی کارانه سازمان حاسوی "سیا" در همین مابوختی در منطقه و نیز بیرونش در بزرگان داخلی وابسته به سازمان سیا و سازمان حاسوی اسرائیل همانطور که آقای یزدی خود گفته‌اند زیر نظر ایشان و همکاران ایشان است، و با اینکه مردم رجمتکشی ایران جنگی خواستار افشای و این پرونده‌ها هستند، آقای یزدی و دیگر دست اندرکاران دولت ارتشدار این اسناد جلوگیری کرده‌اند. حالاً معلوم نیست ایشان این کارها برای رضای خاطر مردم آمریکای کند یا امپریالیزم آمریکا.

عناصر ساواکی و کسانی که به سازمان‌های جاسوسی "سیا" و "موساد" وابسته بوده و سالها به این ملکت خیانت کرده‌اند، هنوز در میان مردم هستند و اکثریت آنها هنوز برای مردم ناشناخته باقی مانده و اگر شناخته نشوند امپریالیزم دوباره می‌تواند از همین عناصر برای توطئه‌های خود استفاده کند و باز میدانم که پرونده همه اینها در نخست وزیری وزیر نظر آقای یزدی بگهداری می‌شود. جزو ارتشدار نام این عناصر جلوگیری می‌شود؟ برای حفظ پیوند "ملت آمریکا" با "ملت ایران"؟

قراردادهای محرمانه امپریالیزم آمریکا و دولت شاه و روابط شاه با صهیونیسم جهانی تاکنون برای مردمی که رژیم شاه را سرنگون کرده‌اند و حق دارند از ماهیت این قراردادها غافلگرنه باخبر شوند، فاش نشده است و تازه هر وقت هم صحبت ارفغوا بن قراردادها می‌شود وزیر خارجه فوراً یکی دو قرارداد را که به ادعای ایشان لغو آنهاست سود مردم ایران نیست عنوان می‌کند و به این ترتیب می‌گوید در ذهن مردم این توهم را ایجاد کند که لغو صدها قرارداد اسارت بار، غارتگرانه و حیاتی کارانه امپریالیزم به سود مسردم ایران نیست و لابد همه اس کارها برای حفظ پیوند "ملت ایران و آمریکا" است.

آقای وزیر خارجه! مشکل شما این است که مردم ما پس از این همه مبارزه دیگری گرفته‌اند که افراد رانه بر حسب آقای وزیر. مشکل شما این است که مردم ما پس از این همه مبارزه دیگری گرفته‌اند که افراد رانه بر حسب ادعاها و گفته‌ها ایشان بلکه بر پایه اعمالشان تفاوت کنند بنابراین هر چه شما از دوستی دولت ایران و آمریکا دم زنید، بازم مردم مقصود اصلی شما را می‌فهمند.

وزیر خارجه و همکارانشان بارها

### ایجاد نیروی ویژه وزارت کار

### وسایلهای جدید برای سرکوب کارگران

دخالت کمتته های اعتصاب با شوراهای کارگران در مدیریت موسسات و انصافات می‌شود، فوراً درمی‌یابیم که وزارت کار تلاش می‌کند که به هر قیمت شده ه دستاوردهای انقلابی کارگران و دیگر رحمتکشان را نابود کند.

ما سؤال می‌کنیم مگر همین کمیته های اعتصاب و شوراهای توند که به هنگام اوج گیری مبارزه خلق ما بر علیه رژیم مزدور شاه، مبارزه را در سطح کارخانه‌ها و موسسات دیگر رهبری می‌کردند؟ درس در لحظاتی که محافظه کاران در خانه شسته بودند و بیابرای سازش با رژیم شاه چانه می‌زدند، همین کمیته‌ها و شوراهای سرچنگانه در برابر رژیم استبدادی کردند.

پس اکنون که رژیم سرکوبنده کارگران حق دارد خود حاکم بر سر توش حواس باشد، سوزاداشته باشد و انصافات دولت را نپذیرد. درست ۴ ماده ۲ نوسه شده است که:

وظیفه این نیرو جلویگیری از تحریک عوامل صدامتلاط و تعطیل کارگاههاست.

در این باره روشن نشده که منظور دولت از عوامل صدامتلاط چه کسانی است؟

حلقه‌ها سرمایه داران یعنی همان کسانی را صدامتلاطی می‌داند که در رژیم گذشته به شدت ترس و وحشی کارگران را استثمار می‌کردند و امروز نیز به استعاز خود ادامه می‌دهند. همان کسانی که تا امیرالستنها رد و پند داشته و دارند، به خلق حساب کرده و می‌کنند.

حلقه‌ها مبارزه بر علیه این صدامتلاط استعالم می‌کند و مگر سر حواس شده است که کارخانه‌های آنها سیر ملی شود. اما ما به مومع دولت چنین نیست و حتی عکس این اقدامات دولت در چند ماه گذشته سان می‌دهد که به سپا این سرمایه داران حاکمان را صدامتلاطی فلنداد می‌کند.

لکه با جنگ و پندار از آنها حواس می‌کند. به نفع آنها و به زبان کارگران بخشنده صادراتی کند و بجای افزایش دستمزدها کارگران، میلیاردها تومان به سرمایه داران کف می‌کند. پس روشن می‌شود که در اینجا نیز دولت کارگران را مورد حمله قرار داده است.

این تصویب نامه صدکارگری بازم افتادگنده ماهیت صدکارگری دولت کونی و نشان دهنده برخورد خصمانه دولت با کارگران است.



اس گروه ویژه چگونه چیزی است؟ یکصد دارند یک اداره حفاظت جدید و یا شاخه‌های از یک ساواک جدید در کارخانه‌ها ایجاد کنند؟ از محتوای این مصوب نامه چنین برمی‌آید که این نیروی ویژه وظیفه دارد که نقش ساواک و پلیس را در کارخانه‌ها بازی کند و حماقی اس بالای سر کارگران. بر آیه که در ماده دو این مصوب نامه نوشته شده است:

وظایف نیروی ویژه عبارتست از: ۱- مراقبت در نظم و انتظام کارگاهها و کارخانه‌ها.

۲- مراقبت از دخالت افراد و سازمانهای غیر مسئول در امور کارگاهها.

۳- اجرای دستورهای مقامات صلاحیتدار از وزارت کار و امور اجتماعی در تأمین مقاصد مذکور در ماده یک.

۴- جلوگیری از تحریک عوامل صدامتلاط و کارگاهها.

۵- جلوگیری از دخالت کمیته‌های اعتصاب یا شوراهای کارکنان و نظائر آن در مدیریت موسسات و انصافات از آنجایی که ساحال بین نباشد.

که وزارت کار دستور صادر کند که بفتح کارگران ناشدنی وقتی که نوشته می‌شود اجرای دستورهای مقامات وزارت کار منظور اجرای همان دستوراتی است که به نفع سرمایه داران و به زبان کارگران است. و با اینکه صحت از جلوگیری از

به نظرمی رسد که در نگاه گذشته دولت و بنام وزارتخانه‌های حاسوی با کارگران ارشاد دارند، همه فعالیت‌های خود را کنار گذاشته‌اند تا حساب خود را با طبقه کارگر تصفیه کنند. سایر اس بی در پی حسن نامه‌هایی که محتوای صد کارگری آنها بر همه کس روس است صادر می‌شود. یک روز دولت، روز دیگر وزارت کار، بعداً در اسرافات اسلامی (و معلوم نیست، شاید فردا هم ارتس و پلیس) به هر حال علت صدور این بخش نامه‌ها کاملاروش است، دولت با یاد از سرمایه داران دفاع کند و یاز کارگران و چون دولت از سرمایه داران دفاع می‌کند سایر اس در جهت تأمین منافع آنها می‌کوشد که ابتدا انقلابی بر سر طبقه عینی طبقه کارگر را سرکوب کند و سرچاس ساسد و سپس ساحال راحت بدون درد سر و سر و صدا و طبقه خدمتگزار به سرمایه داران رانجام دهد. و حال است که در همه این سخاهاه‌ها صحت ارجعظ "نظم و انتظام" در محیط کارخانه می‌شود. کاملاً روشن است که منظور دولت ارجعظ نظم و انتظام این است که کارگران مانند برده‌ها تن به استعمار دهند و سرمایه داران سده‌ها همه کاره باشد و آنها را استثمار کند. طبعی است که کارگران یک جسم نظم و انتظامی را نخواهند پذیرفت. به هر حال بازم چند روز پیش هیئت دولت ساه نوصبه وزارت کار (با در واقع وزارت کار فرمانان) تصویب کرده است که یک نیروی ویژه تنظیم روابط کار در وزارت کار ایجاد شود تا گویا صم مراهم در نظم کارگاهها و کارخانه‌ها در حال حاضر افراد و سازمانهای به اصطلاح غیر مسئول در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور جلویگیری شود. در ماده اول این مصوب نامه هدف از ایجاد این نیروی ویژه را بگسای روابط کار بر اساس قوانین و مقررات مربوطه ذکر کرده‌اند.

اول این سؤال سس می‌آید که منظور کدام قوانین و مقررات است که وزارت کار اضرا دارد؟ آنها را بر واسط کارگر و کارفرما حاکم کند؟ نظرمی رسد که قوانین مورد نظر همان قوانین و مقررات صد کارگری گذشته است یعنی همان قوانین و مقرراتی که عا ما منافع کارمندان را تأمین می‌کند و به کارگران است. البته این قوانین و مقررات نه تنها مورد تأکید کارگران نیست بلکه یکی از حواسهای کارگران نابودی همین قوانین و مقررات بوده است. تا با این سؤال پس می‌آید که

به مناسبات بین ایران و آمریکا دم می‌زنند، در صورتی که آقای وزیر، مسئله بر سر رابطه است نه عاطفه. رابطه استعاری رابطه دو کشور را اسالهای سال زیر تسلط کامل نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیزم قرار داده است و این رابطه استعاری را به هیچ وجه نمی‌توان به بهانه دوستی ملت‌ها منطقی حلوه داد.

و اما در مورد اعدام شاه سابق - تا آنجاکه در روزنامه‌ها منعکس شده است و پس از آنکه ساسی آمریکا و مقامات دولتی آن کشور به اعدای انقلابی و سرچکم اعدام شاه سابق و فرج اعراض کرده‌اند، شاعهم در یک کنفرانس مطبوعاتی که در تاریخ اول خرداد ماه از یاد بولتورسیون نیز بختند، حکم اعدام غیابی شاه را تلویحاً تکذیب نموده و متکرر حلاجص صادرکنندگان این احکام نند. ما سز گفته شمار می‌شود "احتحالی اساس بودن محکومت ساه مخلوع" از مطبوعات نقل کرده‌ام و با توجه به صحنهای نما و یاد بولتورسیون نفس می‌داسم مردم ایران شافص گمنار شعاً با علامه صادره از طرف مسئولان دادگاهها فرامسوس کرده‌اند.

حال حانحه پس از اس مدت محکومیت غیابی شاه سابق مورد تأکید شما قرار گرفته است، اس مسئله دیگری است و ربطی به گفته‌های منلی شما ندارد.

آقای وزیر همیشه از علاقمندی مسئولان دولتی

ضمن پوشش از عدم جاف مقلات در باره حزب طبقه کارگر و اقتصاد ساسی ادامه این بحب از شماره آینده، مثل گذشته در صفحه ۷ بجاب میرسد.

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

توصیح

### حداقل یکماه مرخصی در سال حق ابتدائی کارگران است

مرخصی سالانه برای ترمیم فوای از دست رفته کارگران باید استفاده کنند و این امر در قانون کار سرمایه داران نوشته شد. در قانون کار ایران هم در تفسیر ماده ۱۵ قانون کار مصوب اسفند ۳۷ به این ضرورت اشاره شده است.

"استفاده کارگران تمام امام مرخصی استعاضاتی در هرسال الزامی است. اما اکثر سرمایه داران ایرانی که می‌خواهند سرعا ارشاد را ببندند و مبلغ سرمایه گذاری شده را زنده کنند، مرخصی را معنی ضرورتی خود می‌دانند و پرداخت آن را زور می‌پندارند.

آنها می‌گویند چطور می‌شود که کارگر کار نکند و حقوق ناسدرد نگردد؟

ما این همه کارگران ما مبارزات خود توانسته‌اند آنها را عفت نشانند و حقوق ابتدائی خود را بدست آورد و با اصفاد کردن حق مرخصی به قانون کار آنرا تشبیه کنند.

کارفرمایان هم که فوه فایونگداری را در دست داشتند قانون را مطابق نظر خود نوشتند و کافای است که ماتتبه این جنبه‌های آن توجه کنیم:

۱- محدود کردن مدت مرخصی. ماده ۱۵ "هر کارگر به ازای ۱۲ ماه کار حق استفاده از ۱۲ روز مرخصی با دریافت مرد خواهد داشت.

۲- قائل شدن تبصص برای کارگران رسته‌های مختلف تولیدی.

ماده ۱- قانون کار کساورزی بقیه در صفحه ۱۱

کار سخت و یکجواحت، نه تنها حاسم راحت می‌کند بلکه در مدتی طولانی باعث خستگی، بی‌حوصلگی و دل‌مردگی می‌شود. کارگران حسنه و دل‌مرد، که از حاصل کار خود نیز بکلی جدا هستند و تنها بخش ناچیزی از نمره کارشان نصیب خودشان می‌شود در حقیقت زندگی نمی‌کنند بلکه بصورت ماشین‌های متحرکی درمی‌آیند که در خدمت پرکردن حیب‌های گشاد سرمایه داران قرار گرفته‌اند. (مارکس این وضع را "از خود سگانگی می‌نامد و می‌گوید "تا زمانی که نظام سرمایه داری وجود دارد این حالت از س نخواهد رفت و فقط وقتی از پس می‌رود که حصول کارگر را خود او صاحب شود".

باید این نظام سرمایه داری کارگران برای گرفتن مرخصی به مبارزه برخاستند تا لا اقل مدتی محدود از سال را بخود و درنگی خود و خانواده خود اختصاص دهند و زندگی‌شان از یکجواحتی درآمد و در این مدت بقول معروف روح خود را نبر سازه کنند.

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

در ابتدا سرمایه داران به مقابله برخاستند و به این کار دادند. اما بهر چه به اصطلاح "علم مدبرین سرمایه داری به کمگنان آمدوبه آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و درنگی کارگر کار باعث پائین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و به همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

### مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و وابستگانش

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

# کاد

## ضمیمه کار شماره ۱۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## دهها هزار نفر خاطره شهدای فدائی خلق را گرامی داشتند



گوشه‌ای از اجتماع پرشکوهرامی داشت شهدای فدائی خلق، در روز جمعه هفتم تیرماه در دانشگاه تهران کسسه مبارزاتی امان و خوسن زینندگان راستین خلق را ارج نهاد.

فراخوانده‌ی دوست از پیش، سازمان‌یافتگی و تشکل طیف کارگزاران سبزی‌پورهای خلق داشت. در این مراسم پرشکوهرامی، حلاوت‌های شهدای فدائی با ماسک‌های پرشور انقلابی خود، یاد فرزندانی راستین خلق را گرامی دانستند و وفاداری و ایمان فولادینشان سوگند یاد کردند که با جبهه آرمانهای زندگی سازمان شهدای فدائی لحظه‌ای صف زینندگان فدائی را ترک نکنند و تا آخرین قطره خون خود با امیرالیزم و ارتجاع مبارزه نمایند. در پایان این مراسم، به نشانه پیوند جهانی کارگران و زحمتکشان، سرود "انترناسیونال" پخته شد و سخن حقیقت را که کارگران و زحمتکشان در معیار جهانی با امیرالیزم و ارتجاع مبارزه می‌نمایند نشان داد.

بوده تا یکدیگر نمودند. سازمان چریکهای فدائی خلق طی پیامی خطاب به "خلق قهرمان ایران" شهادت و تلاش انقلابی رفقای هم‌زمین خویش را گرامی داشت و آن را مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی‌ناپذیر حلقه‌های ستمدیده میهنمان دانست. در این پیام آمده است: ... ما امروز با درفقای کارگرمی می‌داریم که فدائی بودند و فدائی راه آرمان طیف کارگر جان‌باختند. سازمان ادامه دهندگان راه شهدای هشت تیر، ضمن اعلام پاره‌ای از مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خویش در جهت تحقق اهداف کنونی جنبش و مبارزه با امیرالیزم و ارتجاع به تلاش بیشتر در راه ایجاد وحدت درونی و پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر

بکار دیگر آنها که به آزادی‌های انقلابی طیف کارگر و زحمتکشان وفادارند، با در پرچمداران حشیش نوین انقلابی را که در راه آرمان‌های طبقه کارگر به شهادت رسیده‌اند، گرامی داشتند. جمعه هفتم تیرماه روز تجدید پیمان آبهای خود که می‌خواهند پرچم پرافتخار و خونین زینندگان فدائی، با محو کامل سلطه امیرالیزم و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان برافراشته بماند. بسیاری از طرف خلقها، سازمانها، گروهها، اقلیتها، کانونها و موسسات مختلف خواننده شد و همگی با تحلیلهای زینندگان شهیدی که سازش‌ناپذیر و قاطع در راه مبارزه با امیرالیزم و ارتجاع به شهادت رسیده‌اند، به ضرورت ادامه انقلاب و راهی که این پیشگامان آغازگرش

## قدرت شوراهای دهقانی فقط در اتحاد زحمتکشان روستاست

هر چه بسزیر هشیاری مبارزاتی خود افزودند و آنچه ساخته‌اند خواهد بود اگر تمامی تحریکات و آگاهیهایی گذشته و حال خود را با درک بیشتر سیاسی همراه سازند تا از این طریق بتوانند هر چه بیشتر نیروی خود را متمرکز کنند. در میان روستاها و مناطق محروم و کمزیرترین افراد روستا به حساب می‌آید، می‌بایست از افراد آگاه و باتجربه و دلسوز و همچنین مورد اعتماد و اطمینان اکثریت اهالی روستا تشکیل شود و انتخاب شدگان در شوراهای محلی باید از زینندگان محرومترین و کمزیرترین افراد روستا در عین حال دارای آگاهی و تجربه نبره‌ستند باشند. اعضای شورا باید از کسانی باشند که همیشه به دفاع از ستمدیدگان و محرومین برخاسته‌اند. دقت در انتخاب این قبیل افراد بسیار مهم است. باید با هوشیاری زیاد در انتخاب عوامل و سوگران روستا در این زمینه دقت کرد و عوامل و سوگران را از حقوق بگیران محروم روستا که با نفوذ و بهره خود را در صورت زحمتکشان حامی رسد، جلوگیری کرد. مسئولیت شوراهای دهقانی بسیار حساس و سنگین است. از عمده نرس فعالسهای اولیه شوراهای دهقانی، مصادرتنامی روستایی روستاها و متجاوزین نامی است که در سایه رژیم سابق از هیچ تجاوزی در حق دهقانان سی‌چیز کوتاهی نکرده‌اند. امروز اگر در یک روستا شاهد اسخاصی هستیم که صاحب هزاران هکتار زمین هستند، باید صادقانه با آنها برخورد کرد و در صورت امکان از آنها بی‌گناهی را سلب کرد و در صورت لزوم با استفاده از روشهای مبارزاتی و سیاسی در جهت سرنگونی آنها تلاش کرد. در این زمینه باید با دقت و جدیت عمل کرد و در صورت لزوم با استفاده از روشهای مبارزاتی و سیاسی در جهت سرنگونی آنها تلاش کرد.

کشاورزان محروم و زحمتکش میهنمان در طول زندگی سراسر روح خود همیشه تحت شدیدترین استعمار و حشانه مناسبات ارباب رعیتی قرار داشته‌اند. فئودالها و زمینداران بزرگ و روستایی عناصر با پشتیبانی همه حاکمان دولتی مرکزی هیچگاه از هیچ تجاوزی در حق دهقانان سی‌چیز فروگذار نکردند. و به این ترتیب کشاورزان محروم قدرتی را برتروپالان از قدرت اربابان و زمینداران نمی‌شناختند و هرگاه خانشان به لیب می‌رسید و در مقابل قدرت آنان فرار می‌گرفتند، توسط عوامل و نوکران ارباب و با توسط ارباب سرکوب رژیم (ارنشن) زاندازمی و ساواک) به شدیدترین وحشی سرکوب می‌شدند. بارها و بارها روستائیان شاهد بوده‌اند که زمینداران با عوامل و نوکران آنان دستور حبس و شکنجه دهقانان را داده‌اند و با مخفیانه کمر به قتل زحمتکشان بسته‌اند. البته در این رابطه تحفیر و توهین نسبت به روستائیان عملی و عادی و طبیعی شده بود. اما روابط ارباب و رعیتی یعنی مناسبات فئودالیستی در راه توسعه و بهبود هر چه بیشتر امیرالیزم و سرمایه‌داران وابسته داخلی شان به شمار می‌رفت. از همین رو برای ایجاد نیروی کار بیشتر در جهت صنایع وابسته امیرالیزمی و کسرس شدن این صنایع بازار مصرف روستاها و صنایع تولیدی ارباب روستاها روستائیان در روستاها به نوصوبانگه امیرالیزم امریکا طرح اصلاحات ارضی فرمایشی در سطح روستاها اجرا آمد. البته می‌دانیم حاصل آن چیزی جز عارت همه حاشه‌تزر و سواستی زحمتکشان و بی‌خامی و سرگردانی اوسود. در ابتدا کشاورزان با آگاه آمدن رادی به این دسته امیرالیزمی ستم‌بودند و دولتی با گذر چند سال به‌سوی عارت امیرالیزم امریکا و سرمایه‌داران و زمینداران وابسته به آن برای روستائیان زحمتکش روستاها عارت زمینهای روستائیان و تجاوز شد. حال و مال آنان از راههای گوناگون باعث شد که پس از تمام حوش خلق، کشاورزان محروم مبین به‌سوی عارت بر علیه روستائیان و زمینداران بزرگ که طی چند سال با ارباب و شهید روستایی آنان را از جنگستان در آورده بودند و آنان را مورد بهره‌کشی‌های سیرحمانه قرار داده بودند بپردارند. آنان دریافتند که دیگر می‌توانست بر سر سوت حوش حاکم باشند و حقوق باعمال شده شان را احسب و دیدان اراضین بازسانند.

سندرج کشاورزان سی‌چیز ستمدیده در این مملکت که موقعیت کامل در این راه‌نشان با وحدت کلیه زحمتکشان و در برابر آن کارگران دست خواهد آمد. اما ایندال لازم بود که تحکیم و تقویت صفوف یکپارچه خود بکوشند تا در پیروزی قطعی با شکست اساسی نیروی یکس حقوق خود موفقی شوند. برای رسیدن به تشکیل یکپارچه‌ی خود پس از تمام دهقانان و سایر زحمتکشان روستا لزوم ایجاد شوراهای روستائیان را دریافتند و بطور مشترک به انتخاب نمایندگان واقعی خود پرداختند. مبارزات اخیر، به کلمه زحمتکشان شهرها و روستاها تحریکات ارزنده‌ای موجه و کشاورزان محروم را بر آن داشت که دیگر روستاها را در پیوند و گول نریزید و عوام فریبسهای اربابان و زمینداران سابق را نخورند. آنان

### توضیح درباره کار شماره ۱۷

باپوش از خوانندگان: در کار شماره ۱۷، تیترو مقاله صفحه ۱۱ - روی بونسم و وسوسال امیرالیزم اشتباه‌های یکدیگر چاپ شده است.

### رفقا و هموطنان مبارز

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به کمک مالی نیاز دارد

کمک هایتان را می‌توانید به حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸

بانک ملی شعبه دانشگاه واریز نموده و یا به کمیته مالی

ستاد مرکزی تهران، تحویل دهید.

امور مالی سازمان

### ما حمله عناصر مرتجع را به گردهمایی

### جبهه دمکراتیک ملی محکوم می‌کنیم

روز جمعه اول تیرماه، جبهه دمکراتیک ملی ایران به منظور اعلام نظر درباره قانون اساسی و تشکیل مجلس موسان، در زمین چین دانشگاه تهران گردهمایی برپا کرده بود. این گردهمایی با حمله عناصر ارتجاعی و ناآگاه به شرکت کنندگان به هم خورد.

ماهیست همه کسانی که تحت پوشش مذهب و شعارهای مذهبی دست به چنین حملات بی‌شمانه‌ای می‌زنند، برهنگان آشکار است. مسئله دیگر این است که مقامات مسئول دولتی کمیته‌ها، پاسداران، شهرتانی با علم و اطلاع از عمل این عناصر کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از حرکات اینان انجام ندادند. دهنده دست این عناصر را کاملاً باز گذاشته‌اند. طرف ماههای اخیر مردم میهن ما بارها تنگروان زحمتکشان را از این اعمال ضد دمکراتیک گروههای فشار که مورد حمایت مقامات مسئول هستند، ابراز داشته‌اند و محازات مسببین این واقعه را خواستار شده‌اند. ما این حملات و اقدامات را که هر روز در سراسر کشور بدست عناصر ارتجاعی و تحریک شده و ناآگاه انجام می‌گیرد تحت هر پوششی و هر مستسکی، شدیداً محکوم ساخته و جنبش اعمالی را تشنه نفع آبادی امیرالیزم و سرمایه‌داری وابسته می‌دانیم

بقیه در صفحه ۵

# مستحکم باد وحدت کارگران، دهقانان و زحمتکشان

کارگران شرکت فریم

خواستار برکناری

مدیر عامل توطئه گر شدند

مازندران - شرکت صنایع فریم در فرسنگد، یکی از دهکده‌های منطقه "تفافت" در ۲۴ کیلومتری پل سفید مازندران واقع شده است. در این کارخانه حدود ۵۵۰ نفر کار می‌کنند. این کارخانه وابسته به دولت است اما کارگران آن رسمی نیستند. کارگران در هنگام قیام به فکر بدست آوردن حقوق جعه خود افتادند و تقاضای حق مسکن کردند که "عابدی" یکی از اعضای هیئت مدیره با آنان مخالفت کرد. ولی کارگران با یکبار چکی و اتحاد توانستند توطئه این عامل ضد کارگر را خنثی کنند و موفق به دریافت حق مسکن شوند. بعد از این جریان کارگران خواستار اخراج عابدی شدند ولی این خواست آنها عملی نشد و عابدی با سر می‌تمام با صدور بخشنامه‌ای حق مسکن ماهی کارگران را که مبلغ ۵۰۰ تومان بود به ۲۴۰ تومان تقلیل داد و به همین علت کارگران با صدور قطعنامه زیر دست به

کارگران ایران دو چرخ

عامل کارفرما را از شور اخراج کردند

قزوین - کارگران کارخانه ایران دو چرخ واقع در قزوین با مطرح کردن شعار "دست عوامل کارفرما را از شور اها کوتاه کنم" تصمیم به تصفیه شور و اخراج یکی از اعضا، شورا که ماهیت ضد کارگری دارد، گرفتند. این شخص با عواقم فریبی موفق شده بود توجیه کارگران را خلب کرده و معنویان معاند در دوس شورای کارخانه انتخاب شود. او که نمایندگی کارگران را بعهده داشت در عمل با دوس حد منتهی در مقابل کارفرما علیه منافع کارگران عمل کرده و هنگامی که برای تقسیم خانه‌های مسکونی حالی بین کارگران جلسه‌ای تشکیل شد بود به تقسیم این خانه‌ها اعتراض کرد. سایر اعضا، شوراییکه موافق طرفداری و برای منافع کارفرما شده بودند خواستار

خواسته‌های

کارگران ایران سرعت

تهران - دوس نحص کارگران و کارمندان شرکت ایران سرعت از تاریخ ۲۳ خرداد ۵۸ در محل دفتر شرکت آغاز شد. کارکنان شرکت مزبور برای مزایای حوسی از جمله حق مسکن، حواریار، بیمه امانه کاری، نحص در محل کارگاه واقع در حاده ساوه با دستگیری کاشانی مدیر عامل شرکت به عنوان اعتراض و رجوع به وزارت کارنویانستند خواسته‌های حویش را بدست آوردند. بدین منظور کارگران جمعا به دفتر شرکت آمدند تا بنویسند بایگیری مداوم تر در تهران خواسته‌های خود را بدست آورند. شرکت ایران سرعت هم اکنون تعداد معتناسبی ماشین در اختیار دارد و عمل کارگران، صافکاری- نقاشی و بنجر - گری می‌باشد که غالبا سه تا چهار سال سابقه خدمت داشته و در بدترین شرایط محیط کار به سر می‌برند. با مراجعات مکرر کارگران سه وزارت کار و کمتنه، روز شنبه (۵۸/۴/۲) نماینده کارگران به دادگاه انقلاب اسلامی رفتند تا در مورد خواسته‌های مزبور مذاکراتی به عمل آورند.

اعتراض به عوارض شهرداری

قم - ۵۰ هزار آرانندگان کمبریسی‌های قم که از ۱۸۰ کیلومتری این شهرش و ماسه می‌آورند به تصمیم شهرداری مبنی بر دریافت عوارض اعتراض کردند. این آرانندگان ضمن تماس با مسئولان شهرداری گفتند مادر زمان رژیم گذشته عوارض نمی‌دادند و تعجب آوراست که پس از انقلاب می‌خواهند از ما عوارض بگیرند. یکی از آرانندگان گفت: چهار ما مور مسلح برای گرفتن عوارض مانع کار ما شدند و وقتی ما مقاومت کردیم شروع به تراندازی هوایی کردند.

نحص کارگران شرکت

اس - پی - باتینیول

روز شنبه ۲ تیر ۸۰ هزار کارگران شرکت اس - پی - باتینیول مارفاکتو پیمانکار شرکت نفت - برای رسیدن به خواسته‌های صنفی خود در دفتر مرکزی شرکت در تهران متحصن شدند. این عده خواستار بازگشت تمام کارگران به سرکار و دریافت کلیه حقوق ها و مزایای عفت - افتاده خود هستند. آنها اعلام کردند که رسیدن به خواسته‌هایشان منحصا ادا شده خواهند داد. یکی از نمایندگان کارگران متحصن در این باره گفت: در پی متوقف شدن فعالیت‌های شرکت، کارگران نیز بدون دریافت حق و حقوق قانونی آرسوی کارفرما اخراج شدند. وی اضافه کرد: ما اکنون سه ماه است که به دنبال خواسته‌های خود هستیم و تاکنون حصد جلسه با نمایندگان کارفرما در اداره کار داشته‌ایم که نتیجه‌ای نداشته است. ما تقاضا کردیم این پرونده را به دادستانی انقلاب ارجاع کنند، اما تا این لحظه به ما جوابی داده نشده است. نماینده کارگران افزود: "کارفرمای این شرکت فرانسوی است و با اینکه کمته‌ی شماره ۳ گده در جریان کار ما قرار دارد، خواسته‌های ما را به حق و طبق قانون کار دانسته است، ولی کارفرما برآورده کردن خواسته‌های ما شانه خالی می‌کند و می‌گوید قانون کار شمایه در دین نمی‌خورد. از طرفی عوامل فرانسوی که در شرکت زیاد هستند هر کدام به نوعی در کار ما مداخله و کار شکنی می‌کنند.

خواسته‌های

کارگران ریسندگی

سرآسیاب فرسنگی

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سرآسیاب فرسنگی خواسته‌های خود را به شرح اعلام کرده‌اند: ۱- ساعت کار در روز ۸- ساعت کار در هفته ۲- افزایش دستمزد ۳- ایجاد ترک تعاونی و تلف- سرویس ۴- سرکار شدن کارفرما ۵- کارفرما تاکنون به دو مورد از خواسته‌های دیگر کارگران یعنی پرداخت سه ماهه حقوق عفت افتاده و عیدی سال گذشته عمل کرده تا عدم رسیدگی به خواسته‌های قانونی کارگران را موجه ساز دهد. کارفرما در مورد تعین ۸ ساعت کار روزانه و تعطیل کار در روزهای تعطیلی رای گیری به عمل آورد و در حالی بود که وی می‌خواهد ای از کارگران تا آگاه راه ده ساعت کار در روز و در روز تعطیل در ماه راضی کرده بود. کارگران ضمن اعتراض به این شیوه غیر انسانی خواهان احضار همه خواسته‌های خود هستند.

تشکیل شورای کوره پزخانه

در مهاباد

مهاباد - کارگران کوره پزخانه پاشائی شورای خود را انتخاب کردند و به جای نماینده فرمائی سابق به نام "رحمان کاکه رشی" که عامل کارفرما است، مسئولیت امور کارگران را عهده شورا گذاشتند. کارگران در ساسه ای خواهان افزایش حقوق و فراهم آوردن امکانات رفاهی و بهداشتی شدند.

تهران - کارگران کارخانه لوجیس

که بیشتر زن هستند ارفیل ارقام بهمین تاکنون به سرکار فرمته اند. نمایندگان کارگران تاکنون چند جلسه با نماینده وزارت کار و کارفرما داشته‌اند ولی خواسته‌های کارگران مورد توجه قرار نگرفته است. کارگران خواهان بازگشت نه کار و پرداخت حقوق ماههای گذشته خود هستند.

به بهانه بیکاری حقوق کارگران را کم کردند

بوکان - کارگران قسم بخش مواد عتی حایگاه کمربندی و شرکت نفت بلوار در بوکان اعلام کردند که اگر به خواسته هاسان رسیدگی نشود دست به اعتصاب خواهند زد. در قطعنامه‌ای که کارگران صمصا حص صادر کرده ادا شده است: "س از اغلاب سکو همد سرد م ایران که سگتی آن سردوس کارگران و زحمکسان بود ما کارگران انتظار داریم که وضعیت بهتر شود و فواس انسانی ندوس گردد و از اسماز و رور کوئی بحاب سداکتیم ولی اکنون شاهد هستیم که به سها از مران سپه رکتی و اسماز و طلسم کم سده است بلکه روره روز به آن اضافه می‌شود. برای نمونه ما کارگران شرکت نفت حایگاه کمربندی هر کدام با شش نفر عائلله با حقوق ماهیانه حدود هزار تومان بطور مداوم کاری کنیم و فقط سها از چهار شانه روز می‌نویسم ده ساعت به کارهای حاواده - کمان برسیم. و اگر فرزندمان مرخص شود ممکن است سراسره روز سواسم آوراسه دکتر سان دهیم. ناو خود این همه

ناکی رانان پیشرو تهران

اتحادیه را نباید محدود به مسائل صنفی کرد

تهران - تاکسیرانان پیشرو تهران صن صدور اعلامه‌ای انتخابات اتحادیه فلابی تاکسیرانان را نخرم کردند و اعلام داشتند از سان همکاران منا زور صدیقی خود نمایندگانی را برای هیئت مدیره انتخاب خواهند کرد. متن اعلامه بدین شرح است: "سرادان عزیز، اخیرا شرکت به اصطلاح تعاونی که همه ما به حوسی ماهشتن را می‌سایم رنگ عوض کرده و از درد بگری وارد شده است و اعلام انتخابات هیئت مدیره را می‌ماید و می‌خواهد عناصری را در رانان این شرکت منحل فرار دهد که به هیچ وجه نباید در درگاه آگاه هستند و ما به مایه صد اغلابان احاره جس همدردی را می‌دهند. ماص حرم این انتخابات بمعهدیم که نمایانده‌ی واقعی مشکل آرانندگان زحمکسان ناکی که مشکلات و محرومتهای ما را با سوب و گوشت خود لمس می‌کنند می‌نویسد مورد اعتماد

۱۲ هزار پرونده کارگران راز

خانه کارگرا صفهان بیرون آوردند

سراسر خبر رسیده، روز جمعه ۲۵ خرداد چند تن از مسئولان استانداری صفهان همراه با یکی از روحانیون به خانه کارگرا صفهان می‌روند و به اتفاق ۱۰ نفر با سدر کله بیرونده‌های کارگران را که بالغ بر ۱۲۰۰۰ پرونده می‌شود همراه می‌برند. گروهی از کارگران به این عمل اعتراضی اعتراض می‌کنند و داخل شد به خانه کارگر را بدون اجازه و موافقت کارگران و با حنی اطلاع قبلی مسئولان خانه کارگر تجاوز به حریم آزادی و حقوق

اجتماع کارگران شرکت سد سازی

در وزارت کار

تهران - صدتن از کارگران آب سد شرکت سد سازی ساسر در تاریخ ۳ خرداد به نمایندگی از کله کارکنان این شرکت کطی ماههای بعد از اغلاب سیکسار شده‌اند. با مراجعه به وزارت کار خواستار بازگشت به کار و پرداخت مزیای است. سرمایه شرکت مزبور فرانسوی است و تاکنون عهده دار ساختمان سدهای منحل - لتنان ستهماز (واقع در صفهان) بوده و هم اکنون پرونده رضا شاه واقع در مسجد سلمان را در دست دارد. اخراج کارگران که با پرداخت بول

# پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## به مناسبت سومین سالگرد

## شهادت هشت تیر



رفیق کبیر "حمید اشرف" از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اختیار آنها، مسلمانان قطع نفوذ چپاولگران و بقایای فئودالیهای مرتجع و احیاء مجدد کشاورزی ما خواهد انجامید و در عین حال یکی از ریشه‌های مهم وابستگی به امپریالیسم درزمنه ناپز به مواد کشاورزی را مرتفع خواهد نمود.

شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری، باید عنوان ارگان‌های اصلی اعمال حاکمیت خلق، در تمام زمینه‌ها به رسمیت شناخته شده و آنها باید حق شرکت در تمام ارگان‌های حکومتی را داشته باشند. تنها در چنین صورتی است که نمایندگانشان واقعی مردم به صورتی دموکراتیک انتخاب شده و کارگران و دهقانان و زحمتکشان نقش واقعی خود را در اداره امور باز خواهند یافت.

تأمین و تضمین حقوق خلقهای ستمدیده که سالیان دراز در زیر ستم دوگانه طبقاتی و ملی قرار داشته اند از اساسی ترین خواسته‌های آنهاست. بدون تأمین حقوق ملی آنها، وحدت واقعی خلقهای ایران تحقق نخواهد یافت و عدم پاسخ دادن تفرقه‌گرای راه‌چشم بیشتر ترویج خواهد نمود و در گمراهی منطقه‌ای را این خلقها در آس خواهد زد.

تمام قراردادهای اسارت با اقتصاد - نظامی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی باید فوراً لغو شوند. هیچگونه قراردادی که منافع مصالح خلقهای ایران و درضدیت با منافع سایر خلقهای منطقه است، نباید منعقد شود و هرگونه مداخله دولت در امور داخلی کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای مجاور از نظر ماهدستی یا مرتجعین و امپریالیستها تلقی می‌شود. ضمن اینکه باید از مبارزه‌های بخش و ضد امپریالیستی خلقهای کشورهای تحت سلطه به ویژه کشورهای منطقه و در راس آن فلسطین حمایت و پشتیبانی شود. تنها با تأمین حقوق دموکراتیک توده‌های ستمکش خلق و اتکا به آنهاست که می‌توان یک سیاست ضد امپریالیستی و ملی را قاطعانه پیش برد.

تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیتها، احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی تأمین خواهد شد. زیرا تنها امپریالیسم و نیروهای وابسته بدان، تأمین حقوق واقعی توده‌ها را خلاف مصالح و منافع خود می‌یابند و در جهت نابودی آن دست توطئه‌گری می‌زنند.

ما اعتقاد داریم، آنچه که امروز تحت عنوان قانون اساسی مورد بحث همه نیروهاست، در صورتی تأمین کننده منافع وسیع ترسمن توده‌های زحمتکش خواهد بود که مفاسد و جهت گیری های فاسق را در خود حفظ نماید و تحقق عملی آن را تضمین کند. اما امروز تا حدودی چنین قوانینی، با چگونگی فراخواندن مجلس موسسان ارتباط نزدیک دارد. زیرا در این مجلس که اکثریت اعضای آن باید از نمایندگان کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری و از میان نمایندگان منتخب شوراهای انقلابی، برگزیده شده باشند، صلاحیت دارند بر اساس مضمون اصلی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما، دستاوردهای قیام خلق را در تدوین قانون اساسی مورد نظر قرار داده و جهت گیری آن را که محور سلطه امپریالیسم و تأمین اساسی ترین حقوق توده‌های ستمکش خلق است سندیت بخشند و در عرصه جهانی از مبارزات آزادی خواهانه تمامی ستمدیدگان حمایت نمایند.

اما هرگاه مارکسیست - لنینیستهای خواهند این شعارها را تئوری به عمل درآیند، باید در جهت وحدت درونی خود و پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر و سازماندهی این طبقه در جنبی انقلابی و نوبن با تمام نیرو و بکوشند. زیرا بدون نیروی متشکل و سازمان یافته طبقه کارگر امر مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک پیش نخواهد رفت و جنبش انقلابی خلق، زیر رهبری سایر نیروها که در نهایت مطلوب سیاستهای امپریالیستی می‌گردند، محو خواهد شد. ما بر این تجربه بزرگ تاریخی تأکید می‌کنیم و با استفاده از تمام شیوه‌های سازمانی و مبارزاتی در جهت ایجاد ستاد روزمنده طبقه کارگر خواهیم کوشید.

"جاودان باد خاطره شهیدای به خون خفته خلق" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۳۵۸/۴/۸

اگر امروز عمیقاً درک کرده ایم که وظیفه اساسی پیشرو در شرایط فقدان حزب، کوشش در جهت آن یعنی کار تبلیغی و ترویجی و گسترش پیوند سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر است، و سایر اشکال مبارزه باید در خدمت آن گرفته شود.

اگر امروز پذیرفته ایم که محور فعالیت‌های ما باید در آن جهت سمت داده شود، بدین علت است که باید قادر باشیم، همواره همیشه با هر نوع انحرافی در سازمان و در سطح جنبش به ستیز برخیزیم و قاطعانه با آن به جنگیم و از نایب دور افکنیم و بدینسان صفوف نیروهای پیشرو و طبقه کارگر را مستحکم تر سازیم.

کج اندیشی طرفداران تئوری به جهان و سوسیال امپریالیسم و تسلیم طلبی مزورانه و مابوسانه و بی‌بونیست‌های توده‌ای نه تنها هیچ باری از دوش جنبش بر نداشته بلکه خود به عنوان یکی از موانع رشد آن بوده‌اند. جنبش مسلحانه آنگاه که در شیورسم خود می‌نواخت، دل به کوردرباشی سهمگین می‌زد، کجا بودند آنروز آنان که با دوازده گویی و نیشخند به کارنامه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق می‌نگرند و فدائیان خلق نه تنها خون شهیدای خود را وسیله توجیه خطاهای گذشته نمی‌نمایند، بلکه با تانکد بر تاجار چندساله خویش صادقانه و شجاعانه در راه اعتلای جنبش انقلابی جنبش خواهند کوشید. در موقعیت کنونی بار بسیار سنگینی بر دوش جنبش قرار گرفته ما از طرفی باید در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر تلاش نمائیم و از جانب دیگر باید بتوانیم در مبارزه سیاسی با حاکمیت موجود بر مواضع اصولی و انقلابی تکیه کنیم. زیرا آنچه امروز در عرصه جامعه شکل می‌گیرد، برای تمام نیروهای انقلابی و مبارز و کسانی که به حفظ و ادامه دستاوردهای قیام توده‌های می‌اندیشند، بسیار نگران کننده است و هرگاه خواسته باشیم از منافع کارگران و زحمتکشان بیگیرانه دفاع کنیم، باید هر چه بیشتر ماهیت محافظه کارانه این سیاست‌ها را برای تمامی مردم بازگو - نمائیم.

این سیاست‌های محافظه کارانه و ناپیگیر امروز خود را در چگونگی تدوین قانون اساسی و سایر سیاست‌هایی که تا بحال عملی شده‌اند به خوبی نشان می‌دهند.

حاکمیت سیاسی موجود از همان آغاز قیام، نسبت به توده‌های مسلح قیام کننده که با دکانهای رژیم منقور رافت کردند، سیاستی دوگانه در پیش گرفت و به محض پیروزی قیام با تشکیل کمیته‌ها، تلاش نمود سلاح را از دست مردم خارج نماید. آنها با دادن شعارهایی که توده‌ها را نسبت به ارتش خوش بین می‌نمود، از میزان خشم و نفرت مردم نسبت به این ابزار ضد خلقی کاستند. سپس سعی نمودند با تصفیه ارتش از ابزارهای فرماندهان شناخته شده و منقور به بازسازی مجدد آن دست زده بر آن تکیه نمایند.

در حالیکه انقلاب باید در درجه اول به توده‌های مسلح قیام کننده تکیه نموده و جهت حفظ دستاوردهای خود، با درهم شکستن ارتش ضد خلقی، ارتش انقلابی و خلقی را از توده‌های شرکت کننده در قیام و نظامیان جزئی که به قیام پیوسته‌اند، بوجود آورد.

در سپاه‌های ارتزنده تمام انقلاب‌های پیروز مندر نشان می‌دهد که تنها و تنها خلق سازمان یافته و مسلح می‌تواند انقلاب را تا پیروزی نهایی به پیش راند. کسانی که امروز سعی در حفظ ارتش به همان شیوه سابق می‌نمایند و عناصری چون فرید، فلاحی، مدنی و رحیمی، را در راس آن می‌گمارند از پشت به انقلاب خنجر زده و آن را به شکست می‌کشاند. آنها امروز می‌گویند حال که شاه سقوط نموده و ارتش ملی شده، دیگر چه نیازی به سلاحهای خود دارید؟ ما پاسخ می‌دهیم که سلاح در دست نیروهای انقلابی بزرگترین ضامن حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه با توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم است و ما با موختن از تحارب تاریخ اعتقاد داریم تا هنگامی که ارتش انقلابی به وجود نیامده و امپریالیسم در تمام زمینه‌های اقتصادی - سیاسی، نظامی و فرهنگی - اخراج نشده، هیچگاه به ارتش که تنها تعدادی از فرماندهان مزدور آن تصفیه شده‌اند و اهداف، سیاستها، قوانین و آئین نامه‌های آن همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند، اعتماد خواهیم کرد و مردم نباید در این مورد خیال خام به خود راه دهند. اخراج کامل امپریالیسم از نظر ما متضمن اجرای سیاستهای ذیل می‌باشد:

۱- باید با مصادره و ملی سازی تمام سرمایه‌های وابسته، بانکها و اراضی، شرایط لازم جهت قطع نفوذ اقتصادی امپریالیسم و ایجاد صنایع بنیادی و مادر فراهم آید. ارتش را یک سیاست ملی واقعی تنها به تغییر مدیریت صنایع و بانکها ختم نخواهد شد. بلکه این سیاست باید اداره این واحدهای تولیدی را به دست تولیدکنندگان اصلی جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان بسیاری و شوراهای انقلابی آنها را در تمام زمینه‌ها به مثابه تنها مرجع ذیصلاح به رسمیت بشناسد.

۲- آنچه امروز به نام ملی کردن بانکها و صنایع و اراضی به مورد اجرا گذاشته می‌شود، به هیچ وجه مورد تأیید توده‌های نیست و ما آنرا چیزی بیش از تغییر مدیریت صنایع و بانکهای ورشکسته نمی‌دانیم. ارتش را ملی شدن با دولتی شدن متفاوت است. ماملی شدن راهم چون مصادره سرمایه‌های بزرگ چپاولگران با شرایط یاد شده به رسمیت می‌شناسیم.

۳- دهقانان و زحمتکشان روستا بخش بزرگی از جمعیت میهن ما را تشکیل می‌دهند که در نتیجه سیاستهای ضد خلقی رژیم سابق از هستی ساقط شده و کشاورزی ایران، به ورشکستگی کامل دچار آمده است. انجام یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و انقلابی و مصادره واحدهای تولیدی بزرگ کشاورزی از دست زمینداران بزرگ و سپردن آنها به دست زحمتکشان، همراه با رسمیت شناختن شوراهای انقلابی دهقانان جهت اداره تمامی کارها در روستا و قرار دادن امکانات مالی و فنی کافی در

خلق قهرمان ایران امروز در اینجا گرد آمده‌ام تا با تلاش قهرمانانه‌ی رفقای فدائی شهید را گرامی داریم.

گرد آمده‌ام تا خاطره رفقای راننده کنیم که در سالهای سیاه گذشته مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهن بودند.

آمده‌ام تا از رفقای یاد کنیم که آشتی ناپذیری و شهامنت انقلابیشان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان می بخشید و راه سرح رهائی کارگران و زحمتکشان را ترسیم می نماید.

هشت تیر، یاد فدائیان شهید:

حمید اشرف، محمد حسین جفتواز، یوسف قانع، طاهره خیر م غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد رضا بیری، غلامعلی خراط پور، سنی اکبر وزیری، محمود عظیمی بلوریان، مارتیک قازاریان بدالله زارع کاریزی، تزئین السادات روحی آهنگران، محمد مهدی فوقانی، گلرخ مهدوی، نادعلی پورنعمه، ابراهیم خیری، نسترن آل اقا، مریم شاهی، عبدالله سعیدی بیدختی، احمد خرم آبادی، کاظم سلاحی، حسین موسی دوست، عسکر حسینی، بهزاد امیری دوان حمید آریان، نادره احمد هاشمی، علی رحیمی علی آبادی، افسر السادات حسینی، سیمین توکلی، حمیدرضا هزارخانی، کاظم غبرائی و حمیدزبان کرمانی، گرامی ساد.

خلق مبارز قهرمان ایران طی سالهای طولانی حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم، بخاطر ایجاد ایرانی آزاد، دموکراتیک دست به مبارزه‌ی خستگی ناپذیر زده و در این راه حماسه‌ها ساخته و شهدای بسیار داده است. با همه آن تلاشها و شهیدای برای ما گرامیست و ما همیشه خود را بنامش ادامه دهنده آن تلاشها و سنت‌های انقلابی دانسته ایم.

شهدای انقلاب، آنها که صداقت را با خون سرح خویش معنی کردند، به تمام خلق و انقلابیون راستین تعلق دارند و تمام کسانی که می‌خواهند نسبت به انقلاب وفادار بمانند، از آنها می‌آموزند.

می‌آموزند: تنها کسانی انقلابی باقی خواهند ماند که با آگاهی نسبت به منافع کارگران و زحمتکشان، حاضر باشند جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش فدا کنند و ما امروز با در فراقی را گرامی می داریم که فدائی بودند و فدائی وارد راه آرمان طبقه کارگر جان باختند.

اکنون قیام دلاورانه خلقهای ستمدیده ایران رژیم سیاه دیکتاتوری را به گور سپرده و امپریالیسم را ریساری مواضع گذشته اش و ادار به عقب نشینی نموده است. در تاریخ مبارزات آزادی بخش مردم ما قیام میهن که به سقوط رژیم ضد خلقی شاه انجامید، نقطه عطفی بسیار مهم به شمار می رود که در نتیجه آن دوره جدیدی از انقلاب رهائی بخش مردم ما آغاز می شود و از ویژگی های دیگری برخوردار است. همه ما آن سالها را با خاطرمی آوریم و همه انقلابیون و مبارزینی که از آن سالها برجای مانده اند، یاد تلخ آن را با خود به همراه دارند. سالهایی که طبقات و گروههای وابسته و سرسپرده حاکم میهن ما را تبدیل به گورستان انقلابیون و مبارزین نموده و می‌اندیشیدند که در مقابل زور و زر آنها و اربابان نشان قیام امری محال است و این خلق محسروم و ستمدیده محکوم است برای همیشه بندهای پوسیده بندگی را همچنان برای نسلهای آینده برجای گذارد.

سالهایی بود که وفاداری به خلق و انقلابی ماندن، رسالتی بس گران بود. چه بسیار کسانی که در این راه جان باختند و چه کسانی که در نیمه راه بازماندند و یا آنکه به خلق پشت کردند و یا آنها که وحشت و هراس خویش را از مبارزه در زیر پوششی از نظریات خود ساخته پنهان نموده و به نشخوار اندیشه‌های باطل خویش مشغول بودند.

در آن سالها چه کسانی انقلابی بودند؟ چه کسانی پرچم خونین مبارزات انقلابی مردم را بردوش کشیدند؟ چه کسانی جوهر دینت‌یابی به تئوری و عمل انقلابی را در خود پرورش دادند؟

بدون شک آنها که در سالهای سیاه گذشته از مرگ نهراسیدند و استوار و سوازش ناپذیر باقی ماندند، چنین رسالتی را بردوش کشیدند. امروز پس از آن سالها، جنبش انقلابی ما تحارب سبک‌رانیهای به قیمت خون هزاران شهید به دست آورده، اکنون ما از دوران تحارب اولیبه دوره‌ای گام نهاده ایم که پیشروان آن تئوری و پیرانیک چندین ساله سازمان و مجموع جنبش کمونیستی میهنمان قرار دارد و آنچه را که تا دیروز به واسطه جمع محدودیت‌های تاریخی خویش از درک همه جانبه آن ناتوان بودیم می توانیم با عمق بیشتری نظاره کنیم و در ساره آن دآوری نمائیم.

رفیق حمید اشرف می‌گفت: هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی‌توانستیم رشد کنیم. تاریخ تمام انقلابات نشان می‌دهد که چگونه جنبش‌ها افت و خیز بسیار داشته‌اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده‌اند و آسیب‌های بزرگی دیده‌اند ولی پس از روز شکست‌ها، با بهره‌گیری از تحارب و فدا آن مجدداً بر سر پیکار برخاسته‌اند.

اگر امروز تأکید می‌کنیم که ایجاد حزب طبقه کارگر یک ضرورت گریز ناپذیر برای تحقق انقلاب دموکراتیک خلق است، و واقعاً بدون تشکیل حزب طبقه کارگر رهبری این طبقه در انقلاب تحقق نخواهد یافت و اگر امروز دریافته ایم که تأکید بر نقش محوری مبارزه مسلحانه و تعمیم آن در تمام طول پروسه انقلاب، تأکیدی در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر نیست.

اگر امروز دریافته‌ایم که حل مفهوم طبقه کارگر در توده‌های بیکی‌گر فتن مفهوم طبقه و خلق و تأکید بر سیسج بلاواسطه تمام خلق، بدون در نظر گرفتن نقش رهبری طبقه کارگر در جنبه خلق انحراف از اصول است،

# تحصن فارغ التحصیلان بیکار بانک

و ضد خلقی .  
۵- ایجاد کارخانه در همه نقاط کشور و مخصوصا کردستان و بیکارگاردن کارگران بیکار .  
۶- ایجاد مدرسه ، جاده ، لوله کشی آب و تامین برق در روستاها و فراهم نمودن امکانات رفاهی از جمله وام ، بذل ، کود ، ماشین آلات برای دهقانان و لغو کلبه دیون آنها .  
۷- تشکیل هر چه سریعتر شورای شهر بعنوان تنه ا مرجع تصمیم گیری در امور شهر .  
۸- لغو کامل سانسور از رادیو و تلویزیون و مطبوعات و آزادی فعالیت برای تمام سازمانها و گروههای سیاسی .  
در این میان استاندار دو بار غیر مستقیم با متخصصین تماس گرفته و خواستار ۱۰ روز مهلت شده است که متخصصین این وعده را قبول نکرده و خواستار تماس مستقیم با استاندار و نماینده وی شده اند .  
گروههای سیاسی موجود در بانه و سنگسار و رانندگان و همچنین امام جمعه از این تحصن اعلام پشتیبانی نموده اند .

فارغ التحصیلان بیکار شهرستان بانه با انتشار قطعنامه ای ضمن اعلام پشتیبانی از تحصن بیکاران درسراسر ایران ، پشتیبانی از تحصن خانواده ها که بعنوان اعتراض به دستگیری حماد شیبانی از اعضای سازمان صورت گرفته بود همچنین برای اعتراض نسبت به بیماران مناطق مرزی کردنشین توسط دولت نسبت به توطئه های عوامل وابسته به رژیم ساسی تحت عنوان عوامفریبانه اتحاد به عنابره و تأیید دولت از کفر اس صد خلقی سندج ارتاریخ ۲۱ خرداد بعلت بی اعتنائی نسبت به خواسته های خود در فرمانداری بانه متحصن شده و اعلام کرده اند که در صورت ادامه بی اعتنائی ، تحصن خود را به سایر ادارات منتقل خواهند کرد .  
خواسته های متخصصین عبارتند از :  
۱- به کارگاردن فارغ التحصیلان بیکار .  
۲- پرداخت حقوق ایام بیکاری و ایجاد بیمه بیکاری تا تحقق خواسته ها .  
۳- رعایت حق تقدم افراد بومی در استخدام .  
۴- تصفیه ادارات از عناصر مرتجع

# بیکاری

## همچنان مشکل بزرگ جامعه است

این کانون در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ اعلامیه ای صادر کرده و به تبلیغات سوء عناصری اشاره کرده که چون خودشان بدلیل وابستگی شان به سرمایه داران و ارتجاع زندگی شان تامین است و مشکلی به نام بیکاری ندارند و کانون را مانعی در جهت تحقق منافع شخصیشان می بینند . در جهت فعالیتهای کانون کارکنانی می کنند .  
سندج - در حدود ۱۰۰۰ نفر بیکار فارغ التحصیلان سندج در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ برای اعراض به بیکاری در جبهه های شهر راهپیمایی کرده در حله استاندار جمع می شوند . بعد از خواندن قطعنامه و گفتگو با معلمان و استاندار در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ برای اعراض به بیکاری به خواسته های شان مهلت تعیین می کنند و بعد از راهپیمایی مجددا در میدان آزادی منقر می شوند .

از آنجائیکه دولت موقت بنا به ماهیت طبقاتی خود و در نظر گرفتن منافع سرمایه داران وابسته بطور جدی در جهت حل مشکل بیکاری قدم بر نمی دارد ، عده زیادی از کارگران و زحمتکشان به دلیل بیکاری برای تامین معاش خود و خانواده با مشکلات زیادی مواجه هستند  
اراک - فارغ التحصیلان بیکار اراک در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ در یک گرد همایی به دعوت کانون تحصیل کرده های بیکار شرکت کرده و قطعنامه ای خطاب به خواسته های شان در مورد تامین کار و ایجاد واحدهای فنی و آموزشی و رفع تبعیض در امور استخدامی و ... صادر کردند .  
میان دو آب - کانون فارغ التحصیلان بیکار میان دو آب در یک گرد همایی در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ با هدف حل مشکلات کارایی و جلوگیری از تبعیض شکل شده است و مورد تأیید فرمانداری هم فرار گرفته است .

# دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا

## تالار دانشکده را به نام فدائی شهید فرامرز شریفی نامگذاری کردند

روز سه شنبه ۲۹ خرداد دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به مناسبت پایان سالی که در انقلاب گذشت "مراسمی برای گرامی داشت یاد فرامرز شریفی فدائی شهید در دانشکده هنرهای زیبا برپا کردند" (رفیق فرامرز در یک درگیری در سال ۱۳۵۱ در کنار رفقای هم رزمش

مهدی فضیلت کلام ، فرخ سپهری به شهادت رسید) در این مراسم پس از سخنرانی یکی از دانشجویان رفیق پددر (عباس فضیلت کلام) پدر فدائی شهید مهدی فضیلت کلام و شیرین وانوشه و خانم سپهری خواهر چهار فدائی شهید و همچنین خانم شریفی مادر فرامرز

روز سه شنبه ۲۹ خرداد دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به مناسبت پایان سالی که در انقلاب گذشت "مراسمی برای گرامی داشت یاد فرامرز شریفی فدائی شهید در دانشکده هنرهای زیبا برپا کردند" (رفیق فرامرز در یک درگیری در سال ۱۳۵۱ در کنار رفقای هم رزمش

### نامه يك دانش آموز ملایری

# اگر کسی خواست حق خود را بگیرد ضد انقلاب است؟

ندارد ، و اهمیتی نیز ندارد . اگر پیش از این در امور بی نظمی کنید ، هر چه دیدید از چشم خودتان دیدید اما کارگران زیر بار حرف زور نرفتند و در حالیکه فریاد می زدند و شعار جمالی اخراج باید گرد می دادند ( جمالی در سال گذشته رئیس امور مالی در شهرداری ملایر بوده ) به طرف محل کار جمالی رفته و او را از محل دفتر خود بیرون کشیده و موفق شدند یک هفته مهلت برای اجرای خواسته های خود که یکی همیسن اخراج آقای جمالی رئیس حسابداری ، پرداخت ۲۵۰۰ تومانی که بر اساس بخشنامه جدید باید پرداخت گردد ، برخورداری کلیه مزایا و حقوق بیمه و بازنشستی ، کار در بیرون ، فضای سبز و پشتیبانی از حقوق و آزادی کارگران با ایجاد محیطی کاملا دموکراتیک ، انتخاب نماینده واقعی و تعیین انجمنهای کارگری در ملایر بگیرند .  
ولی لازم است یاد آوری کنم قبل از اینکه کارگران موفق به گرفتن مهلت برای انجام خواسته های خود شوند رئیس شهرداری به کمیته محل خبر داده بود که جمعی صد انقلاب و از خدایی حیر در امور شهرداری بی نظمی به وجود آورده اند و بلافاصله یک عده ماوریه داخل کارگران ریخته و از آنها می خواستند که محل را ترک کنند . اینجا یک سؤال برای من پیش می آید . آیا اگر کسی خواست حق خود را بگیرد احلالگر و با ضد انقلاب است ؟

بعد از سلام و آرزوی موفقیت در کار و هدف خود ، من دانش آموز سال اول دبیرستان هفده شهریور ملایر هستم . من با آشنائی اوضاع زندگی کارگران و زحمتکشان شهرمان به یک حقیقت مهم ، آگاه شدم شاید خیلی دیر ولی به هر حال دانستم که این تمامی انقلابی نبود که می خواستیم و خلاصه به این نتیجه رسیدیم که تا وقتی که جامعه طبقاتی وجود داشته باشد ، انقلاب نیز هست .  
مثلا دپروز یعنی شنبه ۱۳ خرداد جمعی از کارگران مبارز بخش شهرداری ملایر ( تقریبا ۲۰۰ بنا ) به خواسته های خود که دارند در سالن شهرداری اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیتان شدند . این تحصن در ساعت ۱۰ صبح شکل بهتری به خود گرفت و رئیس شهرداری را مجبور به گفتگو با کارگران زحمتکش در زمینه خواسته های به حق خود کرد . ولی باز مثل همیشه و همانند سابق بعد از کمی کلنجار رفتن با کارگران ، حاشیه رفتن ، از کارگران خواستند که صبر انقلابی داشته باشند و برآستی این کلمه مدروز مسخره ترین و مضحکترین کلمات سخنوران است . سرانجام وقتی رئیس شهرداری بنا با فشاری کارگران روبرو می شود از میدان بدر رفته و کارها را بدست فرماندار ملایر آقای روشن صمیر ( فرماندار به اصطلاح انتخابی مردم می سپارد ) . ایشان نیز کارگران شهرداری را تهدید به اخراج کرده و می گویند در حدود دو بیست کارگر بیکار داریم و در حقیقت کار شما برای ما ارزشی

# کارآموزان کانون کارآموزی مهاباد چه می خواهند

کانون کارآموزی مهاباد با ظرفیت ۳۰۰ کارآموز که در آن ۵۰ نفر کارآموز در رشته های مختلف تولیدی از قبیل فالی بافی ، نجاری ، جوشکاری ، خیاطی ، ... اشتغال دارند و تحت عنوان "آموزش" درآمد کلانی به جیب دولت سرازیر می کنند ولی از تولید خود هیچگونه بهره ای نداشته و حتی قادر به رفع نیازهای ابتدائی خود نمی باشند .  
کارآموزان هنوز هم با وجود سرنگونی رژیم شاه خاش مثل سابق تحت شرایط انضباط سخت و فشار قرار دارند . این کارآموزان برای رسیدن به خواسته های خود در جهت اصلاح وضعیت کانون از تاریخ پانزدهم خرداد دست به تحصن زدند .  
کارآموزان بدینال این تحصن بیکاری امتیازات جزئی گرفتند . ولی به خواست اصلیشان یعنی پرداخت حقوق ماهیانه هنوز حواب قطعی داده نشده است . آنها برای مطرح کردن خواسته های برحق خود با مقامات مسئول استان ، دو نفر نماینده انتخاب کرده و به ارومیه فرستادند . کارآموزان می گویند :  
" اگر جواب مثبت به خواسته اصلی ما داده نشود امتیازات خود را ادامه خواهیم داد . چون اس حق مسلم ما است کانون علاوه بر درآمد ناشی از تولید ما بودجه هنگفتی دارد . با باید حقوق ماهیانه مادر بودجه منظور گردد با درآمد تولید در اختیار خودمان گذاشته شود .

# برای روستائی در روستا هیچ امکانی وجود ندارد

کند ، نمی تواند چون هنوز آن امکان را ندارد که بتواند شرکت کند من که این را می نویسم می خواستم در جشن روز کارگر شرکت کنم ولی نتوانستم .  
... دولت انقلابی دولتی است که سانسور را برین سیرد حقیقت را بگوید ، درد مردم را بگوید ، بعد از انقلاب برای افراد محروم جامعه وضع همانطور است ، بجای آنکه بهتر شود . آیا روزی فرا خواهد رسید که تفاوت بین مردم شهری و روستا دیگر امکان پذیر نباشد ؟

نامه ای تحت عنوان بالا را که از طرف یک دانش آموز روستائی در کردستان غرب مطرح شده ، که گوشه هایی از آنرا بچاپ می رسانیم .  
... یک روستائی خیلی در دارد که با حرف ردن دوا نمی شود ، بیک روستائی که وضع مادری خوب نباشد نمی تواند بچه اش را فرستد مدرسه ... یک روستائی که می خواهد در یک سخنرانی با یک بحث با در خطاهای و راهپیمایی با در جشنهای کارگری شرکت

# بینائی يك کارگر در خطر است

عدم وجود شرایط سالم و بهداشتی و ناامنی محیط کار که ناشی از حرص و طمع سرمایه داران برای بدست آوردن سود هر چه بیشتر است تا کانون خسارات جانی زیادی به کارگران وارد آورده است .  
نبودن شرایط بهداشتی و ایمنی کامل در محیط کار ، گاهی فجایعی به بار می آورد که به قتل یا نقض عضو کارگران می انجامد و کارگری که به این مصیبت گرفتار می شود همچون ماشینی فرسوده و ناقص از نظر کار فرما غیر قابل استفاده می شود . هم اکنون یکی از کارگران اداره کشاورزی گنبد کاووس به علت نبودن شرایط ایمنی و تجهیزات لازم در استان بانه بنایی قرار گرفته و هیچ کس هم خود را مسئول نجات او نمی داند . " غضنفر بخشی " کارگر اداره کشاورزی هنگام کسار دچار حادثه می شود و سم به سرو صورتش می پاشد . بعد از حادثه کارگر مزبور را به بیمارستان شیروخورشیدی برند . اما

بزرگان بیمارستان او را بدون معالجه قطعی مرخص می کنند . روز بروز چشم کارگر مزبور بدتر می شود تا اینکه پسرش او را به بیمارستان فارابی تهران می آورد و در تهران بزرگان به او می گویند چون دیر شده باید برای معالجه کامل به خارج بروی .  
وزیر کشاورزی در حرف قبول می کند خرج سفر و معالجه او را تامین کند ولی هیچگاه به این وعده خود عمل نمی کند . قضیه به همین جا خاتمه نمی باید بلکه حقوق این کارگر را به علت اینکه مرخص نشده قطع می کنند و شکایتهای مکرر به وزارت کار هم به جایی نمی رسد . بعد از انقلاب همس او به کمیته شکایست می کند اما کمیته چی ها هم به خواسته های او جواب رد می دهند . در حال حاضر غضنفر بخشی ، در وضع خطرناکی به سر می برد و خانواده او نیز در تنگنا و ناراحتی هستند .

# خواسته های مردم افسریه و شاه آباد شرق

سبز ، کتابخانه عمومی ، سالن ورزش ، جدول و آسفالت و پل خیابانها و یک چراغ راهنمایی در تقاطع بیست متری اتوبان برای جلوگیری از تصادفات ، تلفن عمومی ، بیمارستان و زایشگاه ملی ( رابگهان ) مهد کودک برای زنانی که کاری کنند ، کلاسهای رایگان خیاطی ( برای زنان ) فروشگاه مواد غذایی ، اتوبوس شرکت واحد از شاه آباد تا خیابان پیروزی ( فرج آباد سابق ) نصب و تعمیر چراغ خیابانها .

" ما مردم افسریه و شاه آباد شرق مبارزه کرده ایم که نه فقط نام " خارج از محدوده " تغییر کند بلکه بخاطر این بوده هست که از رفاه اجتماعی و آسایش برخوردار گردیم .  
خواسته های اساسی و فعلی ما عبارت است از حل احتیاجات و خواسته های عملی و به حق مردم افسریه و شاه آباد شرق . تامین آب ، برق ، رختشویخانه ، کلاسهای بیکار بانی سواد ، پارک و ایجاد فضای

عده ای از مردم شاه آباد شرق در نامه سرگشاده ای که به دولت مهندس مهدی بازرگان نوشته اند ضمن تاکید بر حفظ دستاوردهای انقلاب و اشاره به وضعیت گذشته خود و اجحافات و دستمهایی که از جانب رژیم سابق و بوسیله عناصر ارتجاعی به استناد قانون ضد مردمی " خارج از محدوده " به آنها شده خواسته های را مطرح کرده اند . آنها بعد از ذکر مبارزاتشان در راه گرفتن حقوق اهالی خصوصا حمله شان به ساختمان شهرداری در سال ۵۶ و ۵۷ نوشته اند :





# اظهارات يك روستائی كه در واقعه روستای سیلاب دستگیر و شکنجه شده است

یکی از روستائیان سیلاب که پس از گذشت ه (روز هور) آثار کودی هسای ناسی از شکنجه در نقاط مختلف بدنس باقی مانده است، جریان دستگیری خود را چنین تعریف می کند:

صبح روز حادثه (۵۸/۳/۱۲) ما در قهوه خانه نشسته بودم که خبر آوردند محاهدین گمنام شاهیور، شوریکرا اشغال کرده اند. نم ساعت بعد خبر آوردند که محاهدین از شوریک طرف سیلاب حرکت کرده اند. و بعد گفتند که محاهدین وارد سیلاب شده اند. ماهوز در قهوه خانه بودیم که سخن گفتند سائیرون. وهنسی سیرون آمدم مراد دستگیر کرده به قهوه خانه دیگری که حلو مسجد بود بردند. وقتی وارد قهوه خانه شدم، از دیدن یک سرهنک یک سرگرد، یک سروان (سروان قدسی) فرمانده گروهان شاهیور) ۳ نفر از ما را خوی و تعدادی محاهد خوبی تعجب کردم. در مدت کوتاهی که مراد آن قهوه خانه نگه داشته بودم ۹ نفر دیگر را دستگیر کرده و آنجا آوردند. بعد ما را سوار وانت سار کردند و همراه دو مانس اسکور بر افراد مسلح یکی در پشت دیگری در حلو، به سلماس، به شهرسانی بردند. محس ورود به شهرسانی مارا به با دفنهای رکک گرفتند. ده دقیقه از آنجا آوردن ما

## سیل زدگان تبریز:

### دولت ومسئولین امور...

از دست رفته شان بی تابانه می گویند. به از حضور ارتش و استانداری و شیر و حورشید و شهرداری و سایر عوامل کمک دهنده دولتی در کمک به مردم مصیبت زده اثری پیدا نکرد. برای

فرمانده پادگان در جواب اعتراض یک سرباز نسبت به دادن گزارش دروغ از کمک ارتش گفت: "به خدام گزارش ندادم"

نمونه سربازی می گفت: "من نگهبان جلودر بودم ولی تا ساعتها هیچ کاموسی برای کمک از پادگان خارج نشد. پیش فرمانده رفته و گفتم کدام کاموس و کد ام گروه امداد ارتش به باری سیل زده گان رفته است؟ چرا گزارش دروغ می دهید؟ شما دروغ نان بغه مردم را که صمیمانه می خواهند کمک کنند فریب می دهید مردم خیال می کنند که ارتش همکارها را انجام می دهد در نتیجه کمی خیالشان راحت می شود در حالیکه سیل زدگان همچنان بار سختی سیل را تنهاده دوش می کشند.

روستائیان بی زمین روستای کلانتر خواستار تقسیم زمین های مالکین هستند

بجنورد - ۵۸ خانوار از روستای کلانتر از بخش بانه در ماهی که به عنوان رئیس دولت نوشته اند ضمن تشریح وضع و مشکلاتشان در مورد داشتن زمین و کشاوری در پاسخ به گفته یکی از وررا که گفته است به روستاها برگردند و کشاورزی کنند

آقای وزیر، اینان که در شهر کاری کنند نیروهای فعال کشاورزی هستند اما متأسفانه آنان در روستاها بیگانه اند زمین هم ندارند و آنک روستائیان از جنبه عالی شوال داریم تحت چه روابط و قوانینی به روستاها برگشته و فعالیت کشاورزی داشته باشیم. آیا زمین در اختیار ما قرار خواهد گرفت یا دوباره به دست استعمارگران میسرود. در انتهای نامه خواستهای زیر را مطرح کرده و نوشته اند:

باینکه به مار روستائیان به دلیل مطرح کردن خواستهایمان بر حسب کمونیستی می زنند، ما بنهمه ما آنها را مطرح می کنیم:

- ۱- تهیه کردن زمین برای کشاورزی
  - ۲- آت آماندنی
  - ۳- حمام
  - ۴- بهداشتی
  - ۵- زدن چاه برای آبیاری
  - ۶- برق منطقه
  - ۷- راه سازی بابل
- دربزر نامه امضاء و اثر انگشت بنیاز نصت تفریح اضافه اسمی ۶ نفر از مالکین روستا ماقدار زمینهایشان آورده شده است.

ماهان - اهالی روستای سه کنج خواستار جرفه عمیق برای زمینهای مزرعی خود شده اند. در حال حاضر زمین های این روستا هر ۱۲ روز تنها ۲۴ ساعت از آب چشمه ای مشروب می شوند که قسمت اعظم آب آن صرف آبیاری زمینهای خود ماهان می شود.

روستائیان سه کنج علاوه بر این، خواهان پرداخت وام طویل المدت بدون بهره و تأمین برق روستا شده اند.

سندج - روستائیان الکوصارم - آباد در قطننامه خود ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب و روح آزاد بخواهی مردم زحمتکش، خواهان محاکمه والی خان سندجی، ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی و همچنین تحویل درآمددهای زمینهای خود که والی خان غصب کرده، از بعد از اصلاحات ارضی تاکنون شده اند.

روستائیان همچنین خواستار از نو ساخته شدن آبادیهای مارم آباد و سید اسماعیل که به وسیله همین فئودالوران گردیده شده اند و از دولت خواسته اند برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار به والی خان اجازه بازگشت به روستای الک راندهد.

می گفتند: "باید گلوی این بی شرفها را گرفت و ول نکرد، چرا ما را فریب می دهند؟ آنها فقط سه سرباز فرستادند که آمدند، اسم خانه هارا نوشتند و رفتند. آنها اینکار هیچ مشکلی از ما راجل کرد؟ رئیس کمیته مارالان همان کسی است که این خانه را به ما فروخته و فقط موقعی به طرف ما می آید که نفعی در کار باشد.

دراحمد آباد کارگری که خانه اش ویران شده بود می گفت: "ما اصلاً از کمیته ها امید کمکی نداریم. رفتیم گمنام، ملائی که آن بالا نشسته بود گفت: پول نداریم. بیس این همه پول نقد کجای می رود؟"

اینها همه حقایق است از زبان اهالی تبریز که به خوبی نشان می دهد دولت و کمیته ها برخلاف تبلیغات وسیع و عوام فریبانه ای که به راه انداخته اند هیچگونه کمک موثری به سیل زدگان نکرده اند. در مقابل این بی توجهی مقامات مسئول از همان نخستین ساعات حادثه کمیته امداد پیشگام تبریز متشکل از دانش آموزان و دانشجویان و معلمان برای انتقال محرومین به بیمارستان، ایجاد کانال جمع آوری و سایر به مناطق سیل زده شتافتند و با ایجاد و تکمیل کمیته های فوری امداد در مناطق کوناگون مثل بهمین آباد، منبع و مارالان کمکهای را که از جانب مردم سرازیر شده بود بلافاصله به سیل زدگان می رساندند.

## قدرت شوراها...

عوامل زمینداران ابغا کند. بر طرف کردن روحیه فردی در بین روستائیان از طریق تشویق و ترغیب روستائیان به انجام کارهای جمعی (ساخت مدرسه، پل، حمام و غیره) که برای استفاده همه اهالی است و تشکیل اجتماعات عمومی در روستا و بحث و گفتگو در زمینه مسائل مشکلات مشترک روستائیان طرح پاره ای از تجربیات سایر شوراها و ناط مشیت و منفی آن و بررسی وقایع و اخبار جاری در زمین، نقش مهمی را در بر طرف کردن چنین روحیه ای خواهد داشت.

لازم به تذکر است که رسیدگی به امور جاری روستا تنها از عهده اعضای شورا بر نمی آید. بلکه کمک و یاری افرادی که می بایست در کنار شورا مسئولیتهائی را بعهده بگیرند، منوطاً برای حل مسائل ضروری باشد.

با اتحاد و همبستگی  
کشاورزان زمین های خود را  
از آرباب پس گرفتند

اهالی روستاهای بالا سالدورکلا و پاشین سالدوز کلا و قهرینه کساکلا (در اطراف قائم شهر) پس از تشکیل جلسه و بحث های زیاد، روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ تصمیم به تصرف ۱۰۲ هکتار از زمینهای خود که در زمان رژیم ضد مردمی پهلوی به زور و وسیله برادران عبدالهیی از مشهورترین رباخواران بابل، غصب شده بود گرفتند. بعد از تصرف زمینها تصمیم می گیرند آنها را بطور جمعی کشت کنند و عواید امالش را هم بین خود (افراد بی زمین و کم زمین) تقسیم کنند.

در روستای موسی کلاهم که در نزدیکی روستاهای فوق قرار دارد تحت تأثیر این حرکت تصمیم به تقسیم زمین همین اربابان درده خود می گیرند. اما عمال عبدالهیی پیش دستی کرده و خواستند خودشان زمینها را بین اهالی تقسیم کنند تا بتوانند قسمت زیادی از زمینهای اربابان را حفظ کنند. این عهده برای مردم فاش شد.

روستائیان روز بعد زمین ها را تصرف کردند.

باین حرکت روستائیان کدخدای مزدور این ده دست به اجیر کردن چند جماعت قدر و آتش زدن خانه یکی از روستائیان زد. کشاورزان خوشگین از این توطئه سارن و بجه خود به دادگستری قائم شهر رفته و به این امر اعتراض می کنند و از دولت می خواهند که دست این خائنها را از روستاها کوتاه کند.

## اخطار شورای روستای باغچه بی

بوکان - روز دوشنبه ۲۸ خرداد چند نفر از فئودال زاده های بوکان از خانواده ادھی برای تفریح به روستای باغچه بی می آیند و با سلاح گری خود شروع به تیراندازی می کنند. این عمل توطئه میز با مخالفت تعدادی از اهالی روستا و بر روی می شود اما خان زاده های عیاش ادھی آنان را تهدید به حملات بعدی می کنند که در این حال روستائیان اخطار می کنند در صورت تکرار چنین تحریکاتی به مقابله با آنان خواهیم پرداخت. عده ای به اسامی زیر از طرف اعضای شورای روستای باغچه بی به نمایندگی اهالی اطلاعیه خود را منتشر می کنند.

علی حیدری نیا - ابوبکر مجاوری - عبدالله رحیمی - حسن سهرابی - عمر بابلی - اسماعیل سهرابی - ابراهیم رحیمی - حسن مصطفی زاده - رحمان بابلی باغچه.

روستائیان زحمتکش و محروم ما در ماههای اخیر با تجاوزات بی شمار فئودالها و مالکان متجاوز و غارتگر روبرو بوده اند. روستائیان و نیروهای انقلابی بارها و بارها طی هشدارهایی وجود خطرات بیشمار را در مناطق روستایی گوشزد کرده اند. اما همیشه بابتی توجهی و لاقیدی مقامات مسئول مواج شده اند بدیهی است که چنانچه دولت بطور جدی با تحریکات عوامل شناخته شده ای در روستاها از جمله در کردستان برخورد جدی ننماید عواقب زاینبار ناشی از تجاوزات و جنایات فئودالها و عوامل مرتجع نظیر قیامه موقتها و بارزانی ها و پالیزبانهارا با کشاورزان و زحمتکشان روستا در کردستان متوجه خود خواهد کرد.

سندج - پیرو خبر مندرج در کار شماره ۱۳ درباره تحسین کشاورزان روستاهای "نعل شکی" و "کس نران" و "قرالبلاغ"، طبق قرار قبلی روز پنجشنبه ۵۸/۳/۳ دود دو کمبریسی با وسائل چهار خانوار از اهالی روستای نعل شکی که نمایندگان شورا و معساون استاندار و چند نفر از اعضای دفتر استانداران سازمان چریکهای فدائی خلق همراهشان بودند سوی روستا راه می افتند. ولی در آنجا دلیل تهدیدهای مالک و ابادیش و نتیجه ندادن صحبتی با نمایندگان شورا و معساون استاندار با وی روستائیان غیر از یک نفر حاضر نمی شوند در آنجا بمانند و باز می گردند. در قرالبلاغ هم از خانه یکی از روستائیان که توسط مالک ده (بداله مرادی) خراب شده بود بازدید بعمل می آید و صورت جلسه ای توسط فرماندار تنظیم و ۱۴ هزار تومان خسارت تعیین می گردد که چون مالک ده (بدالله زادی) نبود پیغام گذاشته می شود که روز یکشنبه ۵۸/۳/۶ حاضر شود که در روز مقبرر نمی آید و بعد از آنهم هنوز اقدام موثری صورت نگرفته است.

## بیداری کشاورزان در اتحاد آنهاست

فروغ در تاریخ ۱۶ خرداد ماه روستائیان آوانگان طی نامه ای خواهشهای خود را از دولت اعلام داشته و اخطار کرده اند اما حاصحه حواسه هسای برخی آبان حوات مسد داده بود در اسناداری کردسان محسود شده و نا موافقت مسئولین در انجام حقوق باعمال شده سان همچنان به تلاش خود ادامه خواهد داد.

خواستهای عمده کشاورزان و سایر زحمتکشان محروم و ستمدده روستای آوانگان بدین شرح است:

۱- رسیدگی کامل به احصای مساحت و سدهای که عامل اصلی فاجعه حاصکارانه قروه بوده اند که محر به منسل ۱۸ نفر کرد و ویرانی مسحد جامع کرده ها گردیدند.

۲- اصلاحات ارضی واقعی برای دهقانان بی زمین.

۳- تأمین برق روستا از محل نامس اعساری که فلا صورت شده.

۴- دادن وام بدون بهره به کشاورزان و لغو اخاره فئودالهایی که از کشاورزان می گیرند.

۵- اسفالت راه آبادی تاخا ده اصلی.

۶- در اختیار قرار دادن مسوم و کودسمائی و حیوانی.

۷- شکل سوزای دهقانی در مورد حل مسائل روستا.

۸- حمایت دولت از خرمنده محصولات نامس عادلانه.

۹- توجه دولت به حل مشکلات تمامی محرومین سکار و مفروض در روستا

براستی علت عدم توجه مقامات و مسئولین دولتی را در حمایت و حل مشکلات کشاورزان و سایر زحمتکشان در ارتباط با سانسائی از سرمایه داران زمینداران وابسته نباید دانست؟ از آنجائی که کمکهای چند صد بیلونی دولت به سرمایه داران طی ماههای اخیر همگان آنگار گسب عدم یاسحکوبی به حواسه های دهقانانی را که در بدترین شرایط سربم بریند از طرف مقامات مسئول عسار حمایت دولت از سرمایه داران و رسیداران بزرگ تعمیر دیگری نمی توان دانست.

## حضور وسیع قیاده موقت در مناطق مرزی کردستان

اخیراً افراد زیادی از قیاده موقت به منطقه بران شهر و آونیه آمده و در روستاهای اطراف بحث شده اند. اس افراد گویا از عراق و سوریه آمده اند و باع اس که ععداد بازم بیشتر (جمعاً ۲۰۰۰ نفر) می آید و بجه هایشان به ایران خواهند آمد. در روستای درب که نزدیک کارخانه سد حدوده ۸ نفر از اس افراد هستند. روستائیان می گویند هر چه از اینها سوال می کنیم از کجا آمده اند جواب درستی نمی دهند.

فادهای هابه خانه های روستائیان می رود و روستائیان می گویند وضع زندگی ما بطوریست که هم خرج بسیار داریم و هم نتوانیم خودمان را اداره کنیم. یکی از کارگران قند بران شهر می گفت: در حالی که دولت صندوق گدائی برای خانه سازی بدست گرفته، چططور اسهاریه ایران می آورد و در حشسان زامی دهد؟

شاع اس که عده زیادی از همس فاده ای هادر کوههای اطراف بران شهر در بر دگی مرر مستقر هستند.

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

تشکیل اتحادیه دهقانان

# گام دیگری است در جهت وحدت روستائیان

تشکیل شوراهای دهقانی در روستاهای کشور، گام مهمی است در جهت اتحاد و همبستگی روستائیان برای احقاق حقوق خود و مقابله با مفاوحت در برابر عاصبین و متجاوزین. اکنون این سوراها در بسیاری از نقاط ایران تشکیل شده است. اما قدم مهم بعدی برای اتحاد بهتر و وسیع تر و کسب موفقیت‌های بیشتر و مطمئن تر، تشکیل اتحادیه‌های دهقانی است. این اتحادیه‌ها که خود را به هم پیوستن چند شورا به وجود می‌آید، برای انجام خواسته‌های مشترک روستائیان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت خود و مقابله با تجاوز مالکین و عاصبین و احقاق حقوق آنان، از توانایی بیشتری برخوردار خواهد بود. مادرا به شرح تشکیل یک اتحادیه دهقانی را در منطقه ای از کردستان و کوشش دهقانان و خوش‌نشینان منطقه دیگری از همین استان را جهت تشکیل چنین اتحادیه‌ای می‌آوریم.

سوکان - اهالی روستای "جامی‌کند" ۱۸ روستای دیگر واقع در غرب بوکان، روز ۱۶ خرداد ماه طی اجتماع باشکوهی در همین روستا، اتحادیه دهقانی جامی کند (روستاهای اطراف آن) را تشکیل دادند. در این اجتماع حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند که اکثر آنها نمایندگان از طرف روستائیان آمده بودند.

البته تشکیل این اتحادیه بدون مشکلات انجام نگرفت. روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه که چند تن از اهالی روستای جامی کند به روستای "سه درآباد" می‌روند و در مسجد، مسئله تشکیل یک اتحادیه دهقانی بین روستای آن منطقه را مطرح می‌کنند. پس از مدتی، ارباب روستا به نام جعفر آقا ایلخانی زاده مردورانش را به مسجد می‌فرستد و با تهدید از مردم می‌خواهد که مسجد را ترک کنند و برای انجام خواستشان در مقابل مردم سنگر می‌گیرند. ارباب به مردم می‌گوید:

"شما حق ندارید بدون من تصمیم بگیرید و باید بگران مشورت کنید. کسی هم حق ندارد به ده من بیاید." این ارباب چند ماه پیش نیز از تجمع مردم در مسجد جلوگیری کرده و در مسجد رسته بود. اما فردای آن روز چند نفر از اعضا اتحادیه "اطمین" وعده‌ای هم از روستاهای اطراف، عازم "جامی‌کند" شدند تا از روستائیان پشتیبانی کرده و از درگیری جلوگیری کنند. سرانجام ارباب با مشاهده اتحاد و مقاومت روستائیان حرف‌های روز پیش خود را پس گرفت و روستائیان توانستند درباره اتحادیه خود در مسجد صحبت کنند و مردم را به جلسه روز چهارشنبه ۱۶ خرداد ۵۸ برای تشکیل اتحادیه دعوت نمایند. در طی این جلسه چند نفر سخنرانی کردند. این اجتماع که نشان دهنده آگاهی دهقانان به ضرورت اتحاد هر چه بیشتر خود در برابر فئودالها و عوامل مرتجع و اختناق، حقوق‌ازدست رفته خویش بوده با تاکید بر رهبری شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و ملی خلق کردادامه یافت و در پایان روستائیان در حالیکه سرود "کردند و زانی خواندند" به طرف دره راه افتادند.

کشاورزان و خوش‌نشینان و نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای دربند، دالان باغچله، غیاث‌آباد، تازه آباد و زرین و بیش از سه روستای منطقه "فرا-توره" از توابع سنندج نیز در یک گردهمایی به منظور اتحاد بیشتر و نزدیکتر قطعه‌های صادر کردند که قسمتهای از آن را در زیر می‌آوریم:

"ماد دهقانان این بخش، با توجه به پیروزی مردم زحمتکش ایران... حق و وظیفه خود می‌دانیم که برای بدست آوردن حقوق خود که توسط اربابهای غارتگر منطقه و به کمک زاندارمیری و ساواک باطل شد، متحد شده و اختلافات و

در قطعه‌نامه "اخراج زحمتکشسان روستاهای اطراف ارومیه و منطقه "سارال" و دیگر مناطق و تشکیل اتحادیه‌های ارتجاعی فئودالها" محکوم شده است. روستائیان همچنین حزب بعث عراق و تجاوز هواپیماهای عراقی به مرزهای ایران در "سردشت"، "ایلام" و "خوزستان" را محکوم کرده‌اند.

حق تعیین سرنوشت خود و خود مختاری کردستان به رهبری شیخ عزالدین حسینی، یکی دیگر از خواسته‌های آنان است.

در پایان اضافه شده است که "شوراها و اتحادیه‌های دهقانی" به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارند.

سیل زدگان تبریز:

# دولت و مسئولین امور برخلاف ادعایشان کمکی به ما نکردند

• در سیل تبریز از کمک ارتش و سایر عوامل دولتی خبری نبود

• کارگری در احمدآباد: رفتیم کمیته به ما گفتند پول نداریم. پس اینهمه پول نقد به کجای رود.



دره قربانی در منطقه منبع - عروسک برجاست اما از کودک خبری نیست. به چشم‌های کارگر بنگرید...

"ساری زمی و خبایان ثقه الاسلام و خبایان طالقانی تعداد بسیار زیادی از خانه‌ها را اسیر منهدم کرده و با اطراف خانه‌ها داخل آنها را آب فرا گرفته است.

● بازهم رادیو تلویزیون در گزارشات خود عوام‌فریبی کرد

برخلاف گزارشات رادیو تلویزیون که مثل همیشه با تحریف واقعات به عوام‌فریبی می‌پردازد در واقع سیل تبریز هم خبر از کمکهای ارتش و سایر نیروهای دولتی می‌دهد ولی در حالی که مردم بی‌خانمان در جستجوی عزیزان و زندگی بقیه در صفحه

شدت معترض بودند. نزدیک "سد" واحد آباد در حدود ۱۲ خانه ویران شد و آب تا ارتفاع ۱/۵ متری خانه‌های خشت و گلی این محله را فراگرفته بود. در این منطقه هم از کمک دولت اثری به چشم نمی‌خورد و مردم محل و سایر مناطق بودند که بادل و جان در کمک به آسیب دیدگان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند.

در حالی "منبع" ویرانی بسیار زیاد و چندین خانه از جا کنده شده بود. که تلفات ناشی از آن چهار یا پنج نفر کودک بود. و اهالی خانه خراب این محله در مدرسه موجود در آنجا سکونت کرده‌اند. در مناطق بهمین آباد و بالاتر از آن و انتهای مارالان، همچنین در شهر آرا

بار دیگر حادثه‌ای طبیعی در گوشه‌ای از همین قباچه آفرید و مثل همیشه خسارات اصلی آن به کارگران و زحمتکشانی وارد آمد. روز سه شنبه به دنبال بارندگی شدیدی که از حدود ظهر شروع شده بود در ساعاتی از بعد از ظهر به سیلی بنیان کن تبدیل شد که در نواحی مختلف تبریز مثل عینالی، نواحی مرکزی شهر، جنوب شهرداریست فیرستان مارالان و در جاده مرند بالاتر از گشتارگاه بهمین آباد - جاری شد. در منطقه عینالی و اطراف آن حدود ۲۵ خانه کلی و ویران شد و تعداد زیادی از خانه‌ها آسیب دید. بنا به گفته اهالی در این منطقه چهار نفر کشته و بیش از ۱۰ نفر زخمی شدند. اهالی این محله نسبت به عدم کمک کمیته‌ها و ارتش به

## آوارگان کرد نکرده

### از لاعلاجی می‌خواهند مهاجرت کنند

زندگی اسف بار مشغول هستند. در این مدت طولانی هیچگونه اقدامی در جهت برگشت آوارگان اعمال نشده، لذا چنانچه ظرف ده روز دولت موقت جمهوری اسلامی در این زمینه اقدام لازم

اخیرا نامه‌ای به امضای گروهی از آوارگان کردنکرده به نخست وزیر فرستاده شده متن آن به شرح زیر است. "نزدیک به دو ماه است که بیش از ۱۱ هزار نفر کردنکرده با کمال مشقت سه



معمول ننمایند، ناچار از ترک تابعیت بوده و به یکی از کشورهای همجوار که پناهندگی مآرا به پذیرد، عزیمت خواهیم نمود. بی توجیهی هیئت حاکمه نسبت به وضع آوارگان کردنکرده، از همان آغاز آشکار بود. آوارگاه چندین بار طی نامه، و تلگرافهایی که به مسئولین فرستادند خواستار رسیدگی به مسئله آوارگان و کمک به بازگشتشان به خانه‌ها و کاشانه خود گشته‌اند. به این درخواستها ترتیب اثری داده نشد و فقط چندین پیش آیت الله ربانی شیرازی که بطور اخص برای رسیدگی به واقعه نکرده و مسئله آوارگان به منطقه آمده بود، وارد مهاباد شد و در خانه جوانان، آوارگان را برای بازگشت به خانه و زندگیشان امیدوار ساخت ولی علاوه بر اینکه گامی عملی در این جهت برداشته نشد، مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ایشان هم پس از بازگشتشان در شیراز روشن ساخت که برخورد نامبرده با آوارگان و کسلا با خلق کرد، همان برخورد مفرضانه‌ای است که عناصری مثل ملا حسینی و دیگران داشتند مثل بستن اتهام تجزیه طلبی به خلق کرد و اینکه کردها می‌خواستند نکرده را تصرف کنند و غیره.

اقدام آوارگان به مهاجرت، که مسلما بدبختی‌های بیشتری برای ایشان به دنبال خواهد آورد، از همه بی توجیهی‌ها و برخوردهای مفرضانه و لاعلاجی آنان ناشی می‌شود.

# کار، مسکن، آزادی